تاریخ

برای سال دوم دبیرستانها

«طبق برنامه رسمی وزارت فرهنگ»

شامل: ایران - اروپا

تألیف

آقایان: حسن مشحون
رضا خزائل   علی‌اکبر جلالی فر
«لیسانسیه های دانشسرای عالی»

چاپ دوم

«شهریور ۱۳۳۰»

بها در تمام کشور ۴۰ ریال

کتب دبیرستانی جدیدالطبع کتابفروشی محمدعلی علمی
طبق برنامه مصوبه شورای عالی فرهنگ

جغرافیا از سال اول تا سوم	تألیف	آقایان مشحون-خزائلی-جلالی فر
تاریخ از سال اول تا سوم	»	» » » »
جغرافیای سال چهارم و پنجم		» » »
		تحت طبع است
تاریخ	»	» » » » »
هندسه برای سال اول تا سوم متوسطه	»	» پرفسور فاطمی-نحوی-آذرنوش
فیزیک از سال اول تا ششم	»	» رضاقلی زاده-نوروزیان-رهنما
شیمی از سال اول تا سوم	»	» » » »
شیمی سال چهارم	»	» رضاقلی زاده
شیمی سال پنجم و ششم	»	» دکتر وارطانی- رضاقلی زاده
فیزیک برای سال اول و دوم	»	» رضاقلی زاده-نوروزیان-رهنما
دانشسرای عالی		
فیزیک و شیمی برای سال چهارم و پنجم دختران	»	» رضاقلی زاده
صرف و نحو و قرائت از سال اول تا سوم	»	» خلیق رضوی
راهنمای دانش آموز برای سال چهارم	»	» »
هیئت برای سال چهارم و پنجم	»	» احمد آرام
جدولهای لگاریتم	»	» احمد بیرشک انواری
خلاصه ریاضیات	»	» احمد بیرشک-انواری
حل المسائل هندسه	»	» اسماعیل اسماعیلی
حل المسائل شیمی	»	» اسماعیل اسماعیلی
حل المسائل جبر برای سال دوم و سوم	»	» معیری

تاریخ

برای سال دوم دبیرستانها

«طبق برنامه رسمی وزارت فرهنگ»

شامل: ایران - اروپا

تألیف

آقایان: حسن مشحون
رضا خزائل علی اکبر جلائی فر

«لیسانسیه های دانشسرای عالی»

چاپ دوم

«شهریور ۱۳۳۰»

بها در تمام کشور ۴۰ ریال

مواد برنامه تاریخ سال دوم دبیرستان

۱ـ تاریخ ایران : پادشاهان بزرگ ساسانی ـ دین زردشت ـ روابط ساسانیان بادولت روم ـ استیلای عرب تمدن ووضع حکومت وصنایع در دوره ساسانیان ـ احوال عرب قبل از اسلام باختصار . سیرت رسول اکرم خلفای راشدین وخلفای اموی باختصار . بنی عباس . تاریخ ایران ـ طاهریان صفاریان . سامانیان . آل بویه . آل زیار . غزنویان . سلجوقیان . خوارزم شاهیان . تمدن ووضع حکومت وعلوم وادبیات واخلاق ایرانیان ازانقراض ساسانیان تااستیلای مغول ـ فتنه مغول ـ حکومت ایلخانیان مغول در ایران . تجزیه دولت مغول .

۲ـ تاریخ عالم ـ فئودالیته و مقدمات تشکیل دول معظمه اروپا تاانقلاب کبیر فرانسه باختصار

بخش اول ـ تاریخ ایران

از تشکیل سلسله سامانی تا انقراض سلطنت ایلخانیان در ایران

قسمت اول

فصل اول - ساسانیان

پادشاهان این سلسله را بمناسبت نام یکی از اجدادشان که ساسان نام داشت و مؤبد معبد **ناهید** بود در تاریخ ساسانیان مینامند و معبد ناهید در شهر استخر پایتخت پادشاهان بازرنگی بود و پادشاهان بازرنگی در اواخر قرن دوم میلادی برقسمت عمده پارس قدیم فرمانروائی داشتند. زن ساسان بنام **رامبهشت** دختر یکی از پادشاهان بازرنگی بود و یکی از مراکز پادشاهان بازرنگی شهر **بیضای** فارس کنونی بوده است.

پاپك پسر ساسان درحوالی دریاچه بختگان فارس حکومت داشت و کم کم کار او بالا گرفت و پادشاه بازرنگی را کشت و خود را شاه خواند. پاپك دو پسر داشت شاپور و اردشیر پاپك از اردوان پنجم آخرین پادشاه اشکانی برای پسر بزرك خود شاپور درخواست عنوان پادشاهی کرد. **اردوان** نپذیرفت بعد ازمرك پاپك شاپور بخود عنوان پادشاهی داد و اردشیر را باطاعت خواند. طولی نکشید که شاپور درگذشت و اردشیر پادشاه شد (۲۱۲ میلادی) درزمان اردوان پنجم آخرین پادشاه اشکانی بواسطه جنگهای داخلی و اختلافات خانوادگی و عدم رضایت مردم پادشاهی از خانواده اشکانی به سلسله ساسانی منتقل گردید.

اردشیر اول یا اردشیر پاپکان

اردشیر پاپکان برای توسعه قلمرو خویش به کرمان و خوزستان

تاخت و آن نواحی را بتصرف خویش در آورد و چون کار او بالا گرفت اردوان پادشاه اشکانی با سپاهی فراوان بعزم دفع اردشیر حرکت کرد و در جنگی که درهرمزگان خوزستان اتفاق افتاد کشته شد (۲۲٤ـ میلادی)

دو سال پس از کشته شدن اردوان اردشیر شهر بزرك تیسفون را گرفت وقسمت بزرگی از ایران زیر نفوذ اردشیر در آمد .

اردشیر پس از تصرف خراسان وخوارزم برمکران وپنجاب دست یافت و بایران برگشت وخود را مهیای جنك با دولت روم نمود . اردشیر با سپاه فراوانی به بین النهرین تاخت و با آلکساندر سور امپراطور روم پیغام فرستاد که باید رومیها آنچه در آسیا تصرف کرده اند بمن که وارث پادشاهان هخامنشی هستم باز گردانند . آلکساندر سور سفرای ایران را محبوس کرده وبا قشون خود ازسه طرف بایران تاخت . اردشیر از نداشتن ارتباط قشون امپراطور روم استفاده کرده قوای رومی را درهم شکست و بر نصیبین وحران دست یافت وسپس ارمنستان را مسخر کرد وپادشاه آنجا را کشت .

درزمان اشکانیان بواسطه ترویج آداب ورسوم یونانی دین زردشت رو بضعف رفت . اردشیر برای دلجوئی مردم ایران اوستا را جمع آوری کرده آتشکده‌های خاموش راروشن نمود ودین زردشت را مذهب رسمی ایران شمرد وپیشوای مذهبی ایرانیان راکه موبد مؤبدان خوانده میشد مقام عالی دولتی داد وچون دردوره اشکانیان پادشاهان وامرای محلی بخود سری پرداخته و باعث عدم رضایت مردم شده بودند آنها را مغلوب ومطیع یا فراری کرد .

از کارهای بزرك اردشیر خاتمه دادن بخودسری پادشاهان وتشکیل حکومت مرکزی ورسمی کردن مذهب زردشت وتقسیم مردم بطبقات و

زنده کردن قشون جاویدان و تخفیف مجازاتها و جمع آوری و تکمیل اوستا بود .

اردشیر ابتدا مرکز خود را استخر قرار داد و سپس سلوکیه و تیسفون را پایتخت ساخت وشهر **به اردشیر** را در حوالی تیسفون بنا کرد این سه شهر ودوشهر کوچك دیگر یکه در نزدیکی آنها بناشد به‌شهرستان معروف گردید که اعراب مدائن میگفتند .

اردشیر در سال (۲٤۱ میلادی) در گذشت .

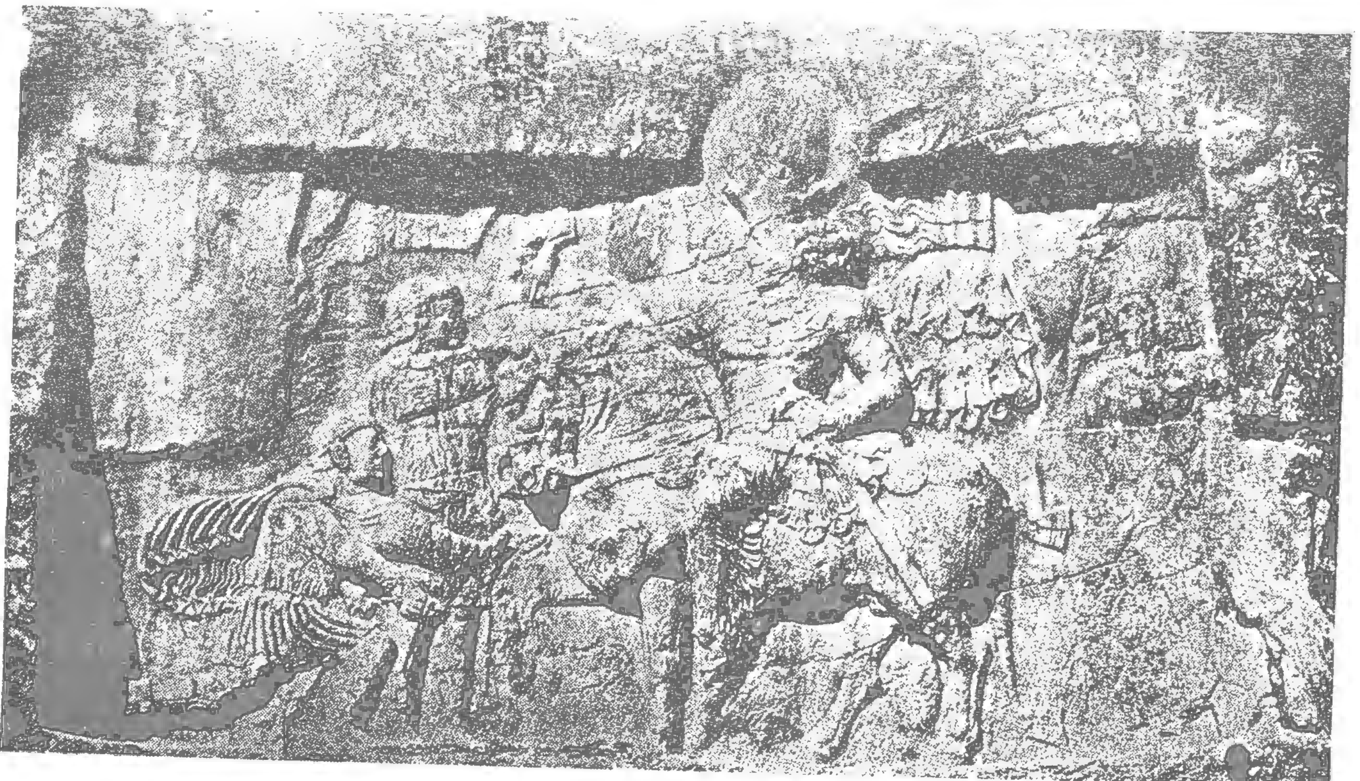
شاپور اول

شاپور بعداز پدر به سلطنت رسید. اول کار او دفع شورش ارمنستان بود .

جنك با روم : شاپور از هرج و مرج داخلی روم استفاده کرده نصیبین و انطاکیه‌را تصرف کرد . لشکرروم بسرداری امپراطور **گردین**[۱] تیسفون را محاصره کرد . این‌موقع رومیها بر گردین شوریده اوراکشتند جانشین او با شاپورصلح کرد و با این مصالحه ارمنستان و بین‌النهرین جزو ایران گردید .

شاپور پس از مصالحه با روم مدتی از وقت خود را در حدود خراسان و شمال شرقی ایران صرف جنك کرد و پس از فراغت از کار باختر متوجه متصرفات روم شد و انطاکیه راگرفت . امپراطور پیر روم **والرین**[۲] برای رهائی انطاکیه بتعقیب قشون ایران پرداخت شاپورقشون روم را محصور کرده وامپراطور را اسیر نمود واین واقعه بر عظمت‌دولت ساسانی افزود . شاپور یکی از بزرگان انطاکیه را بامپراطوری روم

۱ـ Gordien   ۲ـ Valérien



(نقش رستم والرین امپراطور روم که درمقابل شاپوراول بزانو درآمده)

منصوب کرده باو لقب قیصر داد و اسرای رومی را بساختن پل‌شوشتر و سد معروف بشادروان مأمور ساخت . نوشته‌اند که شاپور امپراطور روم را بخدمت واداشت و هنگام سوارشدن بر اسب پای بر پشت او میگذاشت و اورا وادار میکرد که بزانو افتاده احترامات او را بجا آورد. والرین از شدت رنج وغصه درحبس شاپور در گذشت .

شاپور پس از شکست رومیان در آسیای صغیر بتاخت‌وتاز پرداخت و غنائم فراوان بدست آورد. امیرشهرتدمر (پالمیریونانیها) که اذینه نام داشت دست اتحاد بطرف شاپور دراز کرده وهدایای فراوان نزداوفرستاد.

شاپور از سرغرور هدایای او را نپذیرفته فرستادگان اورا درفرات غرق کرد. اذینه برای کینه‌جوئی هنگام مراجعت شاپور بایران بر قوای او تاخت و بسیاری از غنائم شاپور را بچنگ آورد و بسپاهیان ایران تلفات زیادی وارد کرد لشکر ایران با مشقت بسیار خود را ازجلگه های بی آب وعلف نجات داده و از تعقیب اذینه رستند .

آثار و خدمات شاپور

از کارهای بزرگ شاپور یکی سدشادروان است و دیگر بنای شهر شاپور در نزدیکی کازرون فارس که آثار خرابه‌های آن هنوز باقی است بنای نیشابور وشهرجندی شاپور را که بین شوشتر ودزفول واقع بود باو نسبت میدهند.

شاپور یکی از پادشاهان بنام ساسانی است . مردی ایران دوست وشجاع بود . غرور زیاد او باعث شد که از جنگهای خارجی نتیجه ای نگرفت ولی باید گفت که مبانی دولت تازه تشکیل‌شده ساسانی رااستوار ساخت. ازوقایع مهم زمان او ظهور مانی است که برای اشاعه مذهب خود

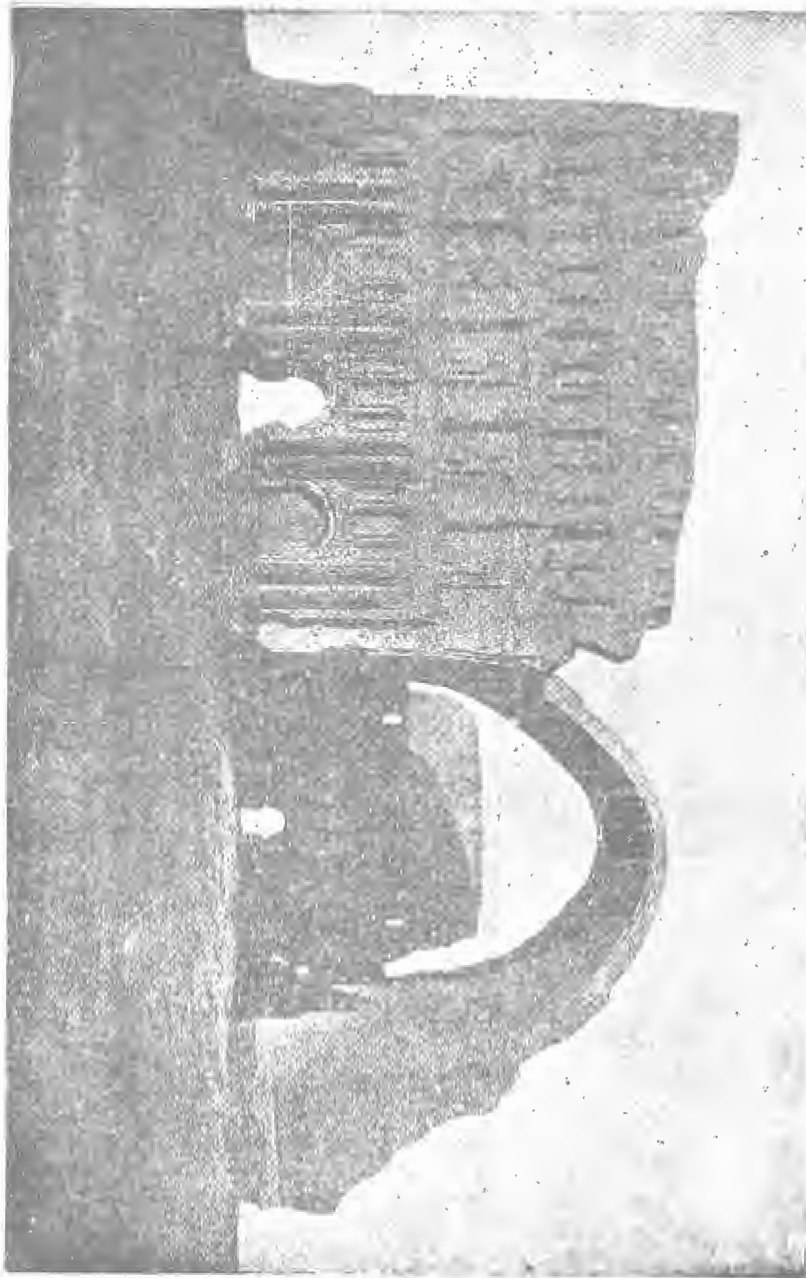


(نقاشی مانویان)

کتابهائی تصنیف کرد که مزین به‌نقاشی هائی بود که اورا در عالم مشهور کرد و کتاب معروف اورا **ارژنك** یا **ارتنك** میگویند و مقصود مانی از نقاشیهای کتاب خود این بود که خوبی و بدی را بانواع و اقسام صورتها بنما یاند .

هرمز اول وبهرام اول

هرمز اول بعد از پدر یکسال پادشاهی کرد ومانی راکه ازایران



(طاق کسری درمدائن ـ قصر شاپوراول)

رفته بود خواسته او را بنواخت ومورد لطف و نوازش خویش قرارداد و **بهرام اول** بعد از برادر بسلطنت رسید وچهارسال پادشاهی کرداز وقایع زمان اودستگیری مانی است که بحکم این شاه زنده پوست اورا کندند و برای عبرت سایرین درجندی شاپور بدن اورا بدار آویختند بهرام در (سال ۲۷۵ میلادی) در گذشت .

بهرام دوم

بهرام دوم پسر بهرام اول بود . پس ازرسیدن بسلطنت سکاهارا که درسیستان وافغانستان بتاخت وتاز مشغول بودند مطیع کرد در زمان این پادشاه **کاروس**[۱] امپراطورروم باقشون خودبحدود ایران آمدو بین النهرین وتیسفون راگرفت دراین حال رعد وبرقی شدید باعث مرك امپراطورشد ویا بقولی بعلت دیگری درگذشت چون قشون رومی پادشاه خودرامرده یافته ورعد و برق و مرك قیصر را نشانه خشم خدا دانستند عقب نشینی کرده با پادشاه ایران صلح کردند . بهرام دوم در (سال ۲۹۳ میلادی)در گذشت.

نرسی

پس از بهرام دوم بهرام سوم بسلطنت رسید وپس ازچهارماه مغلوب نرسی شد . نرسی را برخی فرزند شاپور وجمعی پسر بهرام سوم میدانند ازوقایع مهم زمان اوجنگهای ایران وروم است . ارمنستان اززمان اردشیر تابع ایران بودولی شاهزادگان سلسلهٔ ساسانی را بواسطه تعصبی که درمذهب زردشت داشتند ارامنه نمی پذیرفتند . **دیو کلثین**[۲] امپراطورروم تیرداد پسرخسرو پادشاه ارمنستان راکه بدست اردشیر کشته شده بود بپادشاهی

۱-Carus ۲-Diocletien

ارمنستان برقرار کرد نرسی اورا از آنجا براند. تیرداد از امپراطور روم طلب حمایت کرد دیوکلشین قشونی به بین النهرین فرستاد . نرسی لشکر روم را بسختی شکست داده تارومار کرد سال بعد سردارروم از راه ارمنستان بلشکر ایران شبیخون زده فاتح شد . نرسی دراین جنك زخمی شده فراری گردید وسفیری پیش سردار رومی فرستاده درخواست صلح کرد پس از آن سفیر روم بخدمت نرسی آمده شرایط صلح رامعین کرد و بموجب این مصالحه پنج ولایت ایران درساحل راست دجله بدولت روم واگذارشد وارمنستان و گرجستان تحت حمایت روم قرار گرفت ورود دجله سرحد دولتین گردید .

درهیچ زمانی بین ایران وروم چنین عهدنامه ننگینی بسته نشده بود زیرا نزدیکی روم بایران باعث تهدید آذربایجان وتیسفون میشد . نرسی پس ازاین عهد نامه ازسلطنت کناره گرفت وبزودی درگذشت .

هرمز دوم و آذر نرسی

هرمزدوم بعد از پدر بتخت نشست پادشاهی دادگستر و آباد کننده بود دیری نپائید ودرجنك با اعراب کشته شد .

آذر نرسی – بعداز پدر بسلطنت رسید وچون بیرحم وخونریز بود بزرگان اورا نابود کرده وپسرش را کور کردند وچون شخص لایقی در خاندان سلطنت نبود که برتخت نشیند تاج شاهی را برفراز تختخوابگاه زن هرمزدوم که آبستن بود آویختند وبواسطه اعلام مؤبد که مولود آینده پسرخواهد بود جنین را صاحب تخت وتاج خواندند .

شاپوردوم یا شاپورذوالاکتاف

شاپوردرسن شانزده سالگی زمام امور کشور رابدست گرفت ودردورانیکه

گودك بود اداره امور کشور بدست بزرگان افتاد چون درزمان طفولیت شاپور ایران دستخوش تاخت و تاز دشمنان قرار گرفته بود شاپور ابتداء با کشتیهائیکه در خلیج فارس بآب افکنده بود اعراب متجاوز بحرین را منکوب کرد و نوشته‌اند که چون بدستور شاپور شانه اسرا را سوراخ کرده ریسمانی از آن میگذرانیدند از اینجهت به ذوالاکتاف معروف گردید لکن مورخین جدید بر آنند که این نسبت دروغ است و این لقب را از



(شاپور دوم درشکارگاه ، جام نقره)

آنجهت که شانه او پهن بوده باو داده‌اند .

دوره اول جنك با روم ـ مقارن سلطنت شاپور دین عیسی مذهب رسمی روم گردید وقسطنطین امپراطور با اقتدار روم از عیسویان ایران که نظرشان متوجه دولت روم بود حمایت میکرد ودر برابر شاپور حریفی قوی پنجه بود وچون شاپور ناگزیر ازجنك باروم بود ازخوشبختی او قسطنطین مرد و پسرش **کنستانسیوس**[۱] جانشین او شد شاپور موقع را مغتنم شمرده نصیبین وارمنستان را تسخیر نمود و درجنگهای دیگر باروم پیشرفتهائی نیز نصیب ایرانیان گردید . این جنگها دوازده سال طول کشید و نتیجه قطعی برای طرفین حاصل نشد دراین حال زردپوستان **هپتال** یاقبائل هون از مشرق بحدود ایران تاختند شاپور پس ازهفت سال برهونها غالب آمد وچون هونها مردمی وحشی ومخرب ودشمن آبادی بودند فتح شاپور و غلبه او برزرد پوستان وحشی درحفظ تمدن ایران باستان اهمیت بسزائی داشته است .

دوره دوم جنك باروم ـ زمانیکه شاپور سرگرم جنك با هونها بود پادشاه ارمنستان بتوسط امپراطور با دختریکی از افسران رومی ازدواج کرد وبراثر نفوذ ملکه . ارمنستان زیرنفوذ دولت روم قرار گرفت شاپور در سرحدات شمال شرقی مشغول جنك بود چون شنید امپراطور روم میل دارد با ایران صلح کند نامه ای بدین مضمون بامپراطور نوشت که روح مسالمت جوی من بااسترداد ارمنستان و بین النهرین حاضر بمصالحه خواهد بود و اگر موافقت نشود باتمام قوا بجنك خواهد پرداخت وچون فرستاده روم از سفارت خود بایران نتیجه‌ای نگرفت شاپور پس ازفرارسیدن بهار

۱ـ Constansius

بخاك روم وارد شد و دیار بکر را مسخر کرد درهمین زمان تاج امپراطوری روم بژولین [1] رسید و ژولین با ۱۰۰ هزار مرد جنگی عازم ایران گردید شاپور که ازقدرت ژولین آگاهی یافت و دانست که او از سرداران نامی روم است سفیری برای مصالحه نزد اوفرستاد ژولین سفیرایران را نپذیرفت وسواران عرب را بیاری خود طلبید وجنك سختی بین ایران وروم در کنار دجله روی داد دراین جنك ایرانیان به تیسفون عقب نشستند . ژولین پایتخت را محاصره کرد ولی چون دیوارهای شهر را بسیار محکم دید بدون گفتگو با سپاهیان فرسوده خود عقب نشست . ایرانیها بامر شاپور سپاهیان روم را تعقیب کرده ازهرطرف برآنها تاختند ویکی ازایرانیان با زو بین خود ژولین راکه درتلاش راهنمائی قشون خود بود ازپا درآورد .

درنتیجه انتظام قشون روم ازهم گسیخته شد و بین سرداران اختلاف بروز کرد زیرا هرسرداری میخواست با قدرت خود قیصرروم شود بسرانجام برای رفع اختلافات ودفع ایرانیان ژوین [2] نامی را بامپراطوری برگزیدند واوچون سپاهیان روم را فرسوده دید با شاپور ازدرصلح درآمد و بموجب عهد نامه تازه معاهده ننگین نرسی لغو گردید وارمنستان مجدداً بتصرف ایران درآمد. اماچیزی نگذشت که مجدداً بین شاپور و والنسین [3] امپراطور جدید روم جنك درگرفت بهانه این جنك موضوع تصرف ارمنستان بود عاقبت پس ازسه سال زد وخورد قرارداد جدیدی بین طرفین بسته شد و مقرر گردید که هر دو طرف برای مدتی از دخالت در امور ارمنستان و گرجستان صرفنظر کنند .

شاپوررا به سبب فتوحات وافتخاراتی که برای ایران بدست آورده

۱-julien ۲- Jovien ۳- Valentien

بود کبیر خوانده اند زیرا باعقد معاهده آبرومند با دولت روم عهد نامه شرم آور نرسی را نقض کرد و برای خود در تاریخ ایران مقام ارجمندی بدست آورد مورخین بر آنند که از دوره اسکندر تا این زمان هیچ گاه ایران بمقامی چنین ارجمند نرسیده بود شاپور (در سال ۳۷۹ میلادی) بدرود زندگی گفت ودرزمان او دولت ساسانی اهمیت و اعتبار بسیار یافت .

اردشیر دوم . شاپور سوم و بهرام چهارم

اردشیر دوم بعد از برادر خود شاپور بتخت نشست پادشاهی ضعیف النفس بود و چون خواست از اقتدار و نفوذ نجبا بکاهد در سال چهارم سلطنت او را خلع کردند و پسر شاپور ذوالاکتاف را که شاپور نام داشت بتخت نشاندند

ازوقایع مهم سلطنت شاپور تقسیم ارمنستان است میان ایران وروم زیرا در زمان این پادشاه برسر ارمنستان بین ایران وروم نزاع درگرفت وچون دولتین مهیای جنگ نبودند این کشور را که مدت چند قرن موضوع اختلافات وجنگها بود بدین نحو تقسیم کردند که قسمت بزرگ آن جزو ایران وقسمت غربی که کوچکتر بود جزو امپراطور روم باشد (۳۸٤ میلادی)

بعداز شاپور سوم برادر کوچکش بهرام چهارم ملقب بکرمانشاه بسلطنت رسید (چون قبل از سلطنت حکمران کرمان بود اوراکرمانشاه میخواندند)

درعهد این شهریار پادشاه دست نشانده ارمنستان ایران که بخیال استقلال افتاده بود اسیر و محبوس گردید و مهمترین واقعه زمان این پادشاه تقسیم امپراطوری روم قدیم است بدوقسمت شرقی وغربی **تئودز** امپراطوری روم را بدوقسمت تقسیم کرد (۳۹۵ میلادی) سلطنت روم شرقی را که از این تاریخ بیزانس نامیده شد بـه **آرکادیوس** و امپراطوری روم غـربی



(کتیبه تاجگذاری اردشیر دوم در طاق بستان)

را به هنوریوس دادپایتخت قسمت اول کنستانتینوپل قسطنطنیه ومرکز قسمت دوم روم بود ازاین تاریخ ببعد ایران با روم شرقی همجوار شد

یزدگرد اول

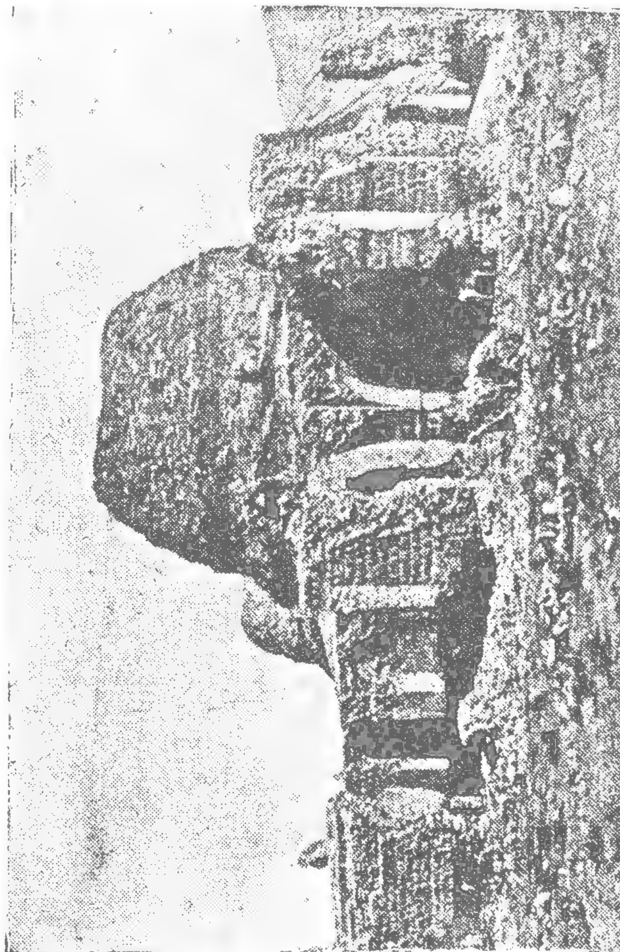
پس از کشته شدن بهرام چهارم یزد گرد اول پسر شاپور سوم بسلطنت رسید (٣٩٩ میلادی) در ابتدای کار از نفوذ روحانیان بکاست و از تعصب مذهبی مغ ها جلوگیری نمود باین جهت مردم او را گناهکار (بذهکار)گفته اند .

آرکادیوس امپراطور روم شرقی (یا دولت بیزانس) چون مرگ خود را نزدیك دید برای اینکه پسر کوچکش **تئودز** بی مانع بسلطنت برسد در وصیت نامه خود او را به یزدگرد سپردو خواهش کرد که از او حمایت کند .

یزدگرد هم مرد دانائی را برای تربیت تئودز بقسطنطنیه فرستاد و تئودز دوم بسر پرستی یزدگرد بزرك شده بر تخت سلطنت نشست وتا مدتی که یزدگرد زنده بود از جوانمردی و حمایت نسبت باو نکاست . یزدگرد رفتار خود را نسبت بهمسیحیان تعدیل کرد و فرمانی صادر نمود کـه عیسویان در بنا کردن کلیسا ها و اجرای آداب مذهبی خویـش آزاد اند . در زمان تئودز روم شرقی سخت موردهجوم قبایل شمالی بود و این مردم براثر فشار هونها برومشرقیوغربی حمله میبردند ودرنتیجه شهر روم پایتخت هزار ساله روم غربی بدست **آلاریك** نامی افتاد این موقع یزدگرد میتوانست بسهولت **شامات و آسیای صغیر و بین النهرین** را تصرف کند . ولی دوستی اوباآرکادیوس مانع تجاوز ایران بدولت روم شرقی گردید ، یزدگرد در سال ٤٢٠ میلادی در گذشت شهر یزد را از بناهای اومیدانند .

بهرام پنجم ملقب به بهرام گور

یزدگرد سه پسر داشت یکی پادشاه ارمنستان بود و دیگری هنگام مرك پدر در پایتخت نبود و بهرام پسر دیگر او در تحت سر پرستی منذر بن **نعمان** یکی از ملوك عرب حیره بسر میبرد .



قصر سروستان یکی ازبناهای پادشاهان ساسانی)

(حیره پایتخت ملوك لخمی در کنارفرات واقع بود وملوك لخمی خراجگذار پادشاهان ساسانی بودند این سلسله را در سیصد ودو میلادی خسروپرویزمنقرض کرد مؤبدان و بزرگان ایران که از کار های یزدگرد رنجیده خاطر بودند بسلطنت فرزندان او رضایت نداده شاپور راکه از ارمنستان برای تصرف تاج و تخت میآمد کشتند و یکی از شاهزادگان ساسانی‌راکه خسرو نام داشت بسلطنت برگزیدند بهرام بکمك منذر بن نعمان برخسروغلبه‌کرد وبجای پدر نشست.

طبق نوشته های مورخین ایرانی‌برای رفع نزاع بهرام‌وخسروقرار شدکه تاج سلطنت را میان دو شیرگذارند و هرکدام‌که آنرا بر داشت پادشاه باشد بهرام توفیق یافت و پادشاه شد.

در زمان بهرام هیاطله که مردمی صحرا گرد و جنگجو بودند و بهونهای سفید معروف میباشند بشمال شرقی ومشرق ایران حمله‌برده از قتل وغارت دریغ‌نکردند بهرام برای اغفال‌آنها متوجه‌آذربایجان‌شدودر نهان شبها راه پیموده خود را به هیاطله رسانید و در جنك سختی رئیس آنها راکه خاقان میگفتند بکشت و چنان ضربتی بآنها وارد کردکه تا بهرام درایران فرمان میراند جرأت تجاوزبایرانرا نکردند بهرام‌درجنك باهونها غنائم بسیاربدست آوردکه ازآنجمله تاج خاقان بود.

جنك باروم‌شرقی- بهانه این جنك فشارمغها بر عیسویان ایران بودکه ازوحشت بروم شرقی پناه برده ودرپناه امپراطور روم قرارگرفته بودند بهرام درخواست استردادآنها راکرد وچون تئودز ازبرگرداندن آنها سر باززد بهرام فرمان دادکه کلیه کارگران رومی‌راکه درمعادن طلا و نقره ایران‌کار میکردند توقیف‌کنند در نتیجه جنك بین ایران و روم درگرفت.

بهرام شخصاً بخاك روم تاخت وارز روم را محاصره كرد و چون طرفين ازجنك بهره اى نبردند روميها تكليف صلح كردند .

طبق اين معاهده مذهب مسيح در ايران و دين زردشتی در روم آزاد شد و دولت روم متعهد گرديد كه ساليانه مبلغی برای نگاهداری پادگانهای قوی‌درقفقاز بپردازد تابدينوسيله از تجاوزات‌مردم‌شمالی‌بحدود ايران وروم جلو گيری شود .

درزمان اين پادشاه ارمنستان جزو يكی از ايالات ايران گرديد و معروفست كه بهرام بهند رفت وايالات سند ومكران راپپادشاه هند بجهت استقامتی كه درمقابل‌هياطله كرده بود واگذارنمود ودوازده‌هزار‌نفر لوری را برای رامشگری بايران آورد. بهرام‌را از آن‌جهت‌بهرام گور لقب‌داده‌اند كه بشكار گورخر ميل‌فراوان‌داشت و گويندعاقبت درشكارگاه‌در باطلاقی فرو رفته نابديدشد (۴۳۸ ميلادی).

يزدگرد دوم

بعد ازبهرام‌گورپسرش يزدگرد دوم بسلطنت رسيد يزدگرد ابتدا دچارنزاع با هياطله شد وپس‌ازرهائی ازجنگهای شرقی‌بسر كوبی ارامنه كه بواسطه تعصب مذهبی‌شوريده بودند بارمنستان شتافت سردار قشون ارامنه را نابودكرد ورئيس روحانی‌ارمنستان راباده‌نفر ازكشيشان بزرك اسيرنمودومجدداًمذهب‌زردشت‌رادر ارمنستان رونق داد اين پادشاه نيز باروم‌معاهده‌كردوروميها متعهد شدندكه استحكاماتی درحدودايران بنا نكنند وساليانه مبلغی‌برای حفظ پادگان دربند بپردازند .

فيروز اول

بعد ازمرك پدرچون فيروز درسيستان بود برادركوچكش هرمز بتخت‌نشست فيروزبكمك هياطله برادر را از تخت سلطنت براندوخود

جای اورا گرفت . درزمان فیروزخشکی وقحط سالی سختی درایران بروز کرد فیروز دربهای غله تخفیف داد واز هرجا توانست آذوقه فراهم کرد واغنیا را وادار بکمك بضعفا نمود وبیاد بارانهائی که دراین فصل باریدعید آب ریزکان یاآب پاشان ازاین زمان معمول گردید. در این دوره هیاطله با تاخت وتازهای خود بحدود ایران زیان هائی بدولت ایران وارد کردند فیروز برای جلوگیری هیاطله متوجه نواحی شرقی ایران گردید موافق روایات مورخین ایرانی خوشنواز پادشاه هیاطله بصلح راضی شد مشروط براینکه فیروزدخترخود را باو بدهد فیروز پذیرفت و بجای دخترخود دوشیزه دیگری برای اوفرستاد خوشنوازمتوجه شد وازشاه ایران خواست که جمعی افسر برای تربیت قشون او بفرستد از سیصد نفر افسری که فیروز فرستاده بود برخی را خوشنوازکشته و بعضی را ناقص کرده پس فرستاد وپیغام داد که این اقدام جواب حیله‌ای بود که از شاه ایران سرزد بهمین مناسبت بین فیروز وهیاطله جنك درگرفت و در این جنك که در حدود دشت گرگان اتفاق افتاد فیروزمحصورو کشته شد . اوضاع ارمنستان نیزدرزمان فیروزخوب نبود از کارهائیکه بفیروز نسبت میدهندساختمان دیوار ضخیمی بودکه از دریای خزر در امتداد شمالی رودگرگان برای اینکه درمقابل هیاطله سدی باشدکشیده است وآثارخرابه‌های آن اکنون بسد سکندرمعروف میباشد .

بلاش

بعد ازفیروز برادرش بلاش بتخت نشست و با هیاطله صلح کرد و غنائمی راکه هیاطله درجنك بدست آورده بودند پس گرفت و متعهد شد سالیانه مبلغی خراج بآنها بپردازد .

واهان سردار ارمنستان از شاه ایران خواست که مذهب عیسی در ارمنستان آزاد شود ابتداء بلاش راضی نمیشد ولی چون برادر او مدعی سلطنت شد و واهان در این گرفتاری بشاه ایران مساعدت کرد بلاش پیشنهاد سردار ارمنستان را پذیرفت و دین عیسی در امنستان و گرجستان آزاد ورسمی گردید بلاش در(سال ٤٨٧ میلادی)در گذشت .

قباد اول

قباد پسر فیروز در زمان سلطنت بلاش مدعی تخت و تاج‌شد ولی توفیق نیافته نزد خوش نواز پادشاه هیاطله رفت وپس از سه سال که بلاش بمرد قباد مالك تاج وتخت ایران گردید قباد بر خزرها که از اقوام زرد پوست و در مغرب دریای مازندران بتاخت و تاز اشتغال داشتند غالب شد وغنائم بسیاری بدست آورد .

ظهور مزدك ـ درزمان قباد مزدك پسر بامداد که‌ظاهرا از اهل نیشابور بود مذهب تازه‌ای آورد و فتنه ای برپا کرد . قباد که از قدرت نجبا و نفوذروحانیون‌رنجیده خاطر بود دین مزدك را پذیرفت بزرگان و روحانیون قباد را خلع وزندانی کرده و برادرش جاماسب را بسلطنت برگزیدند . قباد از محبس فرار کرده نزد هیاطله رفت و بکمك آن‌هـا بایران برگشت و چون جاماسب مقاومتی از خود نشان نداده دو باره بر تخت سلطنت نشست و ظاهرا از پیروی دین مزدك سر باززد .

دولت روم بموجب معاهدات سابق مبلغی را که می‌بایست برای نگاهداری دربند قفقاز بایران بپردازد ببهانه اینکه چون دولت ایران مطالبه نکرده است ازپرداخت آن خود داری نمود . قباد هم با سرعت بارمنستان حمله بردو بر ارز روم و دیار بکرمسلط شد ودرکارپیشرفت بود که خبر تاخت و تاز هیاطله او را وادار بصلح باروميان نمودقباد پس

از صلح با روم متوجه هیاطله شد. رومیها از گرفتاری قباد استفاده کرده نصیبین را محاصره کردند . قباد پس از غلبه بر هیاطله متوجه‌روم شرقی گردید وفرمانی‌که بهرام گور راجع بآزادی مذهب عیسی درارمنستان و گرجستان داده بود لغو کرد و باعث‌شورش گرجستان شد قشون ایران گرجستان را اشغال کرد و رومی ها بارمنستان ایران تاختند وجنك‌ هائی بین ایران و روم اتفاق افتاد و بسیاری از لشکریان روم کشته شدند و ضعف سپاه‌روم در این زمان آشکار شد و با اینکه رومیها مغلوب شدندلشکر ایران‌از فتوحات‌خودنتیجه‌ای‌نگرفت‌ودرضمن این جنگها خبر مرك قباد رسید وطرفین دست از جنك کشیده اوضاع‌را بحال پیش باقی گذاشتند و این جنگها باعث ضعف دولت ایـران وروم شرقی گردید .این‌پادشاه‌بدستیاری پسرش خسرو انوشیروان بسیاری از مزدکیان راکه قدرت یافته بودند بکشت وخود درسن هشتاد ودوسالگی درگذشت قباد مردی آباد کننده بود و بنای بعضی از شهر های ایران‌را باو نسبت میدهند مانند گنجه و قلعه پیروز قباد در قفقاز و کازرون درفارس .

خسرو انوشیروان

قباد در اواخر عمر خسرو را که کوچکتر از پسران دیگر بود جانشین خود قرار داد و پس از مرك قباد خسرو بر برادران غالب شده بتخت پادشاهی‌نشست وباصلاحات داخلی‌پرداخت ودرقدم اول بقلع‌وقمع پیروان‌مذهب مزدك‌که باعث تشویش‌افکارایرانیان شده بودندمشغول‌شد ومزدك را با جمعی از پیروان خود دستگیرکرده بکشت سپس ترتیب پرداخت مالیات راکه وضع خوبی نداشت اصلاح کرد و از تعدیاتیکه از

طرف مأمورین دولت برمردم وارد می‌شدجلوگیری نمود وبرای سهولت اجرای احکام‌وجلوگیری از نفوذبزرگان‌ایران رابچهار بخش یا **پادگس** تقسیم کرد و برای هریك فرمانفرمائی با اختیارات کامل گماشت که آنها را **پادگسبان** مینامیدند . سپاه چریکی‌راتبدیل بقشون دائمی‌وبرای‌آنها جیره وحقوق معین‌کرد و دستور داد افراد قسمت سوار را از میان نجبا واشراف انتخاب کنند .

برای پیش رفت امر فلاحت بزارعین زمین وگاو وبذر بخشیدو برای جلوگیری ازتعدی مالکین ومأمورین دولت قضاتی بولایات فرستاد تا بعرایض مردم رسیدگی کنند و قلاعی برای جلوگیری از تاخت وتاز اقوام شمالی وشرقی در حدود شمالی‌ایران بساخت وبرای ازدیادجمعیت امر کرد که‌هرمرد باید تاهل اختیارکند وبرای رونق بازرگانی بایجاد و اصلاح راهها پرداخت . راهها و پلها و کاروانسراهای ویران را ازنو عمارت کرد . گدایانرا از تکدی بازداشت و ولگردان را جمع آوری نمود و بقدری‌برای آرامش ایران و رفاه مردم کوشش کرد که او را انوشیروان خواندند (یعنی شادروان)

از نظر سیاست خارجی ایران راکه‌مهیای جنك باروم نبود ودولت روم نیز گرفتار اختلافات داخلی بود بمصالحه دعوت‌کرد و عهدنامه ای باشرایط ذیل بین‌دولتین‌بسته‌شد .

۱ـ دولت روم متعهدشد که برای حفظ معابر قفقاز هرسال‌مبلغی بایران بپردازد .

۲ ـ ازولایات‌لازیکاهرچه قبل‌ازقبادطرفین‌درتصرف داشتنداکنون نیز داشته باشند .

۳ـ شهر دارا را برومیها واگذار کرد بشرطیکه آنرا مرکزقوای خود قرار ندهند.

٤ ـ ایران وروم باهم متحد باشند.

امپراطور ژوستینیانوس پس از این مصالحه بافراغت خاطر متوجه متصرفات اروپای خود شد وبرقسمتی ازاسپانیا وتمام‌ایتالیا مسلط گردید وچون انوشیروان قوی شدن دولت **بیزانس** رابرای ایران خطرناك‌دید ببهانه اینکه قیصر بدون‌مشورت بادولت‌ایران درکار امرای عرب‌مداخله نموده است (ملك غسان تحت‌حمایت روم شرقی‌میزیست ومنذر بن‌نعمان ازملوك‌لخمی‌دست‌نشانده‌ایران بود(سپاهی‌بشام‌فرستاده انطاکیه‌راآتش‌زد دولت روم‌از این‌ضربت ناگهانی‌مضطرب گردیدوچون‌درسایر نقاط مشغول جنك بود باشرایط زیر پیش نهاد صلح کرد : دولت روم مبلغی بعنوان غرامت جنك بپردازد و مبلغی هم برای نگاهداری در بندهای قفقاز تأدیه نماید .

ولی این‌صلح‌دوامی‌نکرد وبازجنك‌شروع‌شد . انوشیروان بولایت لازیکادرساحل دریای‌سیاه‌تاخت‌و باطوم رامسخر کردوخیال فتح‌قسطنطنیه راداشت که ظهورمرض طاعون اوراوادار بصلح‌نمود وبااین قراردادایران مقداری طلاازروم گرفت دوام‌این صلح‌بیش از چهار سال نبوروبار دیگر بر سر تصرف‌لازیکاجنك درگرفت‌وچون‌طرفین‌ازجنك خسته شده بودند قرار دادمتارکه‌بمدت پنج سال بین‌آنها بسته شدوبعد مبدل بصلح پنجاه ساله گردید باشرایط زیر :

١ ـ‌دولت‌ایران‌لازیکارابروم‌وامیگذاردمشروط براینکه‌دولت‌روم در مدت صلح سالی سی هزارسکه‌طلابدولت‌ایران‌بپردازد . ۲ـ‌مسیحیان

دراعمال دینی خود آزادند بشرط اینکه به تبلیغ نپردازند۳ـ دولت ایران پادگان دربند قفقازرا نگاه خواهد داشت .

نزاع با هیاطله وفتح یمن – چون انوشیروان ازطرف دولت روم آسوده خاطر شد باخاقان ترك همدست شده وبجنك باهیاطله که ازجانب مشرق ایران را مورد تاخت وتازقرارداده بودند پرداخت وپس از کشتن پادشاه آن قوم کشوراورا بتساوی بین خود وخاقان تقسیم کرد ورودجیحون سرحد شمالی شرق ایران گردید .

یمن – درزمان انوشیروان سیف بن ذی یزن که یکی ازشاهزادگان حمیر(هاماوران) بود بدربارایران پناهنده شد وبرای استردادتاج وتخت ازدست رفته ازپادشاه ایران یاری طلبید . انوشیروان سردارخود وهرز دیلمی را به یمن فرستاد . این سرداربا چندکشتی ازخلیج فارس و دریای عمان پیش رفت وپس ازغلبه بر لشکرحبشه یمن را بتصرف آورد **سیف بن ذی یزن** بدستورانوشیروان برفرازتخت یمن نشست وچون جمعی ازحبشی ها راکشت روزیکه درمیان غلامان حبشی خود بود بدست یکی از آنها مقتول گردیدانوشیروان حکومت یمن رابه وهرز سپرد وتاظهوراسلام این کشوردست نشانده ایران بود اعراب ایرانیان یمن راآزادنژادان مینامیدند .

جنك ایران باترکان وروم ان

خاقان ترك سفیری برای اتحاد با انوشیروان بایران فرستادوچون فرستاده او در ایران بمرد ویا بقولی مسموم گردید خاقان سفیری برای دعوت امپراطور روم بجنك با ایران بروم فرستاد وخود در حدود ایران بتاخت وتازپرداخت قیصر پیش نهاد خاقان ترك را پذیرفته شورش ارمنستان

را بهانه کرده لشکر بایران فرستاد . انوشیروان پسر خود هرمز را بدفع ترکان روانه کرد وخود فرماندهی سپاه را بعهده گرفته بآسیای صغیر حمله برد وشهر نصیبین راتصرف کرد . دولت روم با دادن پنج هزار سکه طلا از پیشرفت قوای ایران ممانعت کرد ومذاکرات صلح را پیش کشید . در این هنگام انوشیروان که هفتاد سال ازعمرش گذشته بود درسال(۵۷۲ میلادی) بدرود زندگی گفت .

خصال انوشیروان

دراینکه انوشیروان بزرگترین پادشاه ساسانی ویکی از سلاطین بنام ایران قدیم است تردیدی نیست . پادشاهی بود عادل و سختگیرودر اداره امورجنگی لیاقتی بسزا داشت و با شکست امپراطورهای روم دولت ساسانی را اقتداروعظمت بخشید هیاطله را ازصفحه روزگار بر انداخت . متجاوزین شمالی وشرقی ایران رابجای خود نشاند . حبشی‌ها را ازیمن اخراج کرده واین کشور را دست نشانده ایران کرد . انوشیروان آخرین پادشاه با اقتدارسلسله ساسانی وایران قدیم بود چنانکه پس ازاو دولت ساسانی بسرعت‌رو بانحطاط رفت . وزیرانوشیروان بزرگمهر(بوذرجمهر) که مردی باکفایت وعاقل بود درکار اصلاحات کشور ایران بانوشیروان کمك‌های شایانی نمود . انوشیروان‌درترویج علم وادب کوشش بسیارداشت ودرزمان اوبرای اولین مرتبه ایران با علوم یونانی آشنا شد وبرای‌جلب علمای خارجی‌وآوردن کتابهای سودمند کوشش فراوان مینمود . در ایام فراغت با دانشمندان مجالست میکرد وآموزشگاه معروف جندی‌شاپور درزمان اومحل علوم پزشکی گردید درعهد اوشطرنج و کتاب کلیله‌ودمنه

وکتب دیگری از هندوستان بایران آوردند . شهر تیسفون در زمان او باوج ترقی و آبادی رسید .طاق ایوان بارگاه خسروانوشیروان که حوادث روزگار تاکنون نتوانسته است در آن رخنه کند و بایوان مدائن یا طاق کسری مشهور میباشد . یادگاراین پادشاه و شاهد عظمت ایران باستانست



(طاق کسری در تیسفون)

هرمز چهارم

هرمز بعد از پدر بتخت‌سلطنت نشست و با دولت روم بزدوخورد پرداخت و برای طرفین از این نزاع نتیجهٔ قطعی بدست نمیآمد . خاقان ترك از اشتغال قشون ایران استفاده کرده در حدود ایران بتاخت و تاز پرداخت بهرام چوبین (چوبینه) بجلوگیری ترکان شتافت و در جنك سختی



(یکی ازقلعه های دوره ساسانی که دریك جام نقره نقش شده است

او رابکشت و در جنك دیگری پسر او را اسیر کرده غنائم بسیا ربدست آورد وترکها پذیرفتند که سالیانه بایران باج بپردازند . هرمز بهرام را بپاداش این‌خدمت فرمانده کل سپاه ایران نمود ومأمورجنك بارومیهاکرد در این جنك بهرام شکست خورد و هرمز بجای‌کمك‌بتوهین اوپرداخت و برای او جامه زنان فرستاد بهرام که تحمل این توهین را نداشت با لشکریان خود بشورش پرداخت ومتوجه تیسفون شدمردم که از حرکت هرمز نسبت به بهرام راضی نبودند بدست بزرگان و نزدیکان شاه هرمز راکور کرده و بزندان افکندند و پسرش خسرو دوم را پادشاه خواندند هرمز را بعضی ها پادشاهی خون ریز وگروهی رعیت نواز وعدالت گستر و آزادمنش میدانند، قتل هرمز در (۵۹۰ میلادی) اتفاق افتاد

خسرو دوم ملقب به پرویز

چون خسرو بتخت پادشاهی بر آمد بهرام چوبینه که دل خوش از پدر خسرو نداشت واز شاه جوان هم نمیخواست اطاعت کند وخوداز نسل یکی از خاندان بزرك ایران قدیم بود بر خسرو پرویز غلبه کرد و بتخت سلطنت بر آمد . خسروپرویز بهموریس (۱) امپراطور روم پناه‌برد واز او دربدست آوردن تخت وتاج ازدست‌رفته‌یاری طلبید ، قیصر بشرط تصرف ارمنستان هفتاد هزار سوار در اختیار خسرو گذاشت وخسرو با این سپاه بر بهرام غلبه کرد بهرام چوبین بخاقان ترك پناه برد و پس از مدتی بدست یکی از جاسوسان خسرو پرویز کشته شد .

جنگهای خسرو پرویز بادولت روم ـ چون‌موریس بدست یکی

---

۱ - Mauricius

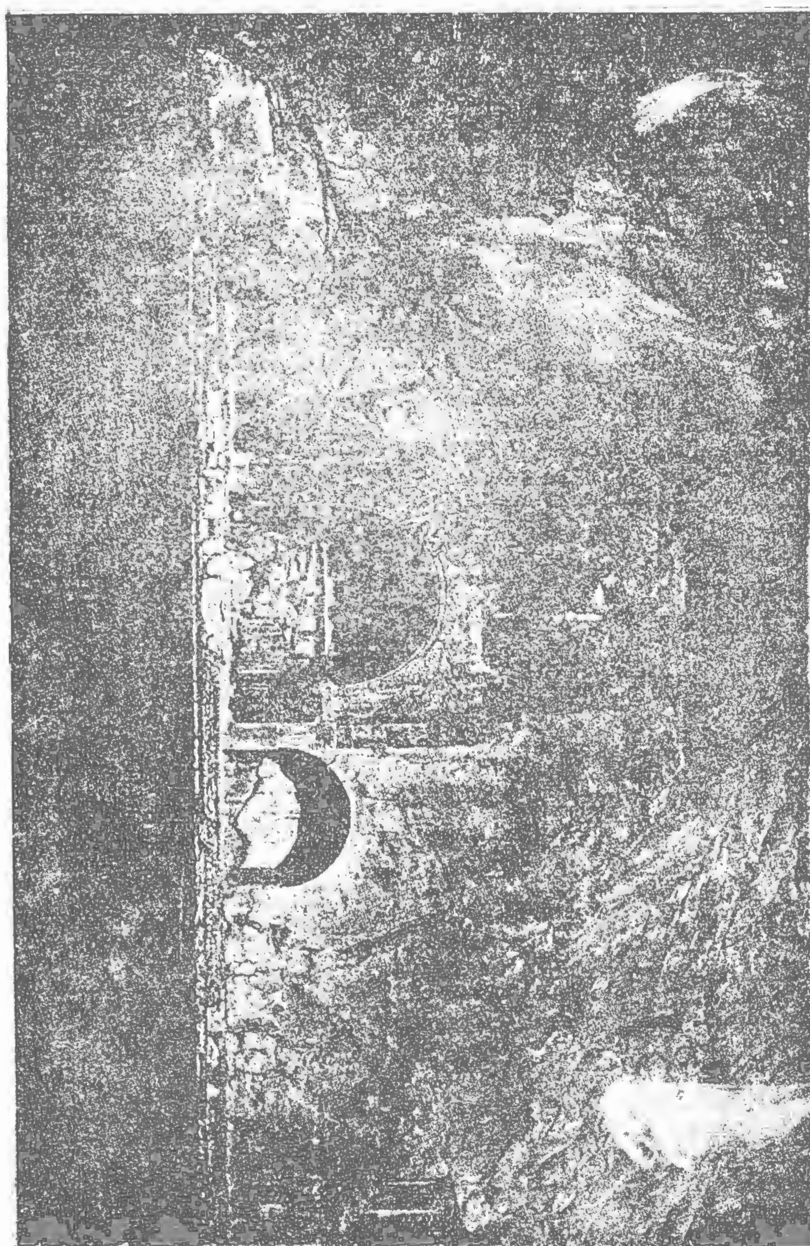
از سرداران رومی کشته شد پسر او بدربار ایران پناه آوردخسروپرویز قیصر جدیدرا برسمیت نشناخته و جنك با روم را شروع کرد و چنان با سرعت در آسیای صغیر پیش رفت که اهالی قسطنطنیه نگران شدند از طرفی لشکر ایران ارمنستان را فتح و بیت‌المقدس‌را تصرف کردندو صلیب حضرت عیسی را بایران فرستادند و پس از این فتح بزرك **فرخان** سردار ایران بر مصرتاخت وشهر اسکندریه‌رامتصرف‌شد ، شاهین‌سردار



(خسرو دوم درحال شکار نقش در جام نقره)

نامی دیگر ایران که شهر های آسیای صغیر را یکی پس ازدیگری تصرف کرده بود به قسطنطنیه نزدیك شد هرا کلیوس (هر قل) که بر تخت امپراطوری روم تکیه زده بود با سردار ایرانی ملاقات کرده و بصواب دید او سفیری برای مذاکرات صلح پیش خسرو فرستاد خسرو از سر غرور حاضر بمصالحه نشد و سفیر را به محبس انداخت مردم روم چون کشور خود را نزدیك با نقراض دیدند از جان و دل بیاری قیصر برخاسته ازجان ومال دریغ نکردند و نفائس کلیسا ها را برای تهیه قشون با و تسلیم نمودند هرقل با اردوی بزرگی که تهیه دیده بود بارمنستان حمله برد و سر دار ایران را شکست داد سال بعد نیز بر قشون ایران در آذربایجان غلبه کرد و بغارت شهر های ایران پرداخته آتشکده ها را خراب کرد . خسرو پرویز یك قسمت از اردوی خودرا بسرداری شاهین بفتح قسطنطنیه فرستاد و بقیه اردورا برای جلوگیری ازتجاوزات قشون روم مامور کرد شاهین موفق بفتح قسطنطنیه نشدو هرقل قصرخسرو پرویزرا که درنزدیکی تیسفون واقع بودغارت کرد ولی بگرفتن پایتخت توفیق نیافت چون خسر و پرویز سرداران بزرك خودرا میکشت ومردم از او متنفر شده بودند و بیشتر وقت خود را بعیاشی بسرمیبرد بزرگان کشور بکمك پسرش شیرویه در سال ٦٢٨ میلادی اورا کشتند وشیرویه را بجای او نشاندند .

خسرو پرویز بعد از انوشیروان معروف ترین پادشاه ساسانی است درباب حرمسرا وتجملات دربار اوداستانها گفته و سروده اند . دربار او بسیار با شکوه وچندهزارزن برای سرودن و نواختن درحرمسرای او بودند جنگها و تجمل دوستی این پاد شاه مردم ایران را که ازپرداخت مالیات



(حجاری زمان ساسانی درطاق بستان)

به تنك آمده بودند پریشان ورنجیده خاطر کرد و بابیست و پنج سال جنگهای بیهوده قوای ایران را تحلیل برد. خسرو پرویز ازسرغرور قوای خود را بی جهت در کشورهائی صرف کرد که حفظ آن در آن زمان برای ایران امکان پذیر نبودو بارد پیش نهادصلح هرقل قشون ورزیده زمان انوشیروان را ازمیان برده سرداران نامی ایران را یاکشت ویاآزرده خاطر کرد.

خسرو پرویز پادشاهی بود عیاش. ستم کاروخود پسند وحق ناشناس بیشتر دوره سلطنت اوصرف جنك شد و نه تنها ازاین جنگها بهره ای نبرد بلکه قوای ایران را ضعیف کرده بر فقر مردم افزود و دولت ساسانی را رو بانقراض برد. چون خسرو بتلقین زن عیسوی خود شیرین میخواست پسر محبوبه خود را ولیعهد کند شیرویه با مخالفین همدست شده پدررا بزندان انداخت و بهلاکت او تن درداد.

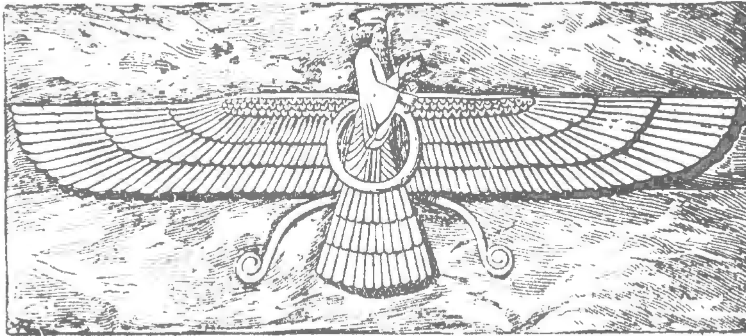
شهرت خسرو پرویز یکی از آن جهت است که مرزهای کشور ایران را بحدود زمان هخامنشیان رسانده ودیگر بجهت داستانهائی است که ادبا وشعرای دوره اسلامی از تجملات وعیاشی های این پادشاه گفته اند.

شیرویه یا قباد دوم

شیرویه بعد ازشروع بسلطنت بقباد معروف شد از کارهای او صلح با دولت روم است باشرایط زیر:

۱ـ طرفین آنچه ازخاك واسرای یکدیگر گرفته اند رد کنند.

۲ـ صلیب مسیح راکه ایرانیان ازبیت المقدس آورده بودند پس فرستند.



(مظهر اهورامزدا فره وهر)

شیرویه برای تحکیم مقام خود مالیاتهائی را که در زمان خسرو پرویز از مردم میگرفتند موقوف داشت ومحبوسین را آزاد و بمردمی که ظلم وتعدی شده بود بمهربانی رفتار کرد اما این حسن نیت دوام نکرده بزودی بدی فطرت خود را ظاهر ساخته تمام برادران را بکشت وپس از دو سال سلطنت بمرض طاعونیکه در ایران شیوع پیدا کرده بود بمرد .

انقراض دولت ساسانی – بعد از قباد پسر هفت ساله اواردشیر را بتخت نشاندند **شهر براز** سردار خسروپرویز که با پادشاه روم کنار آمده ومتحد شده بود بتخت سلطنت بر آمد ولی پس از دو ماه قشون ایران اورا کشتند وپوراندخت دختر خسروپرویز را بسلطنت برداشتند بعد از یکسال وچهارماه پور اندخت درگذشت وخواهرش آذرمیدخت بسلطنت ایران رسید چند ماهی از سلطنت او نگذشته بود که یکی از سرداران ایران بنام رستم فرخ هرمز به تیسفون لشکر کشید و آذرمیدخت راکور کرد وچون شیرویه بیشتر شاهزادگان ساسانی را کشته بود اوضاع ایران مشوش و اشخاص متعددی مدعی تاج وتخت ایران شدند چنانکه در مدت چهار ده سال بیش از ده تن بتخت سلطنت ایران نشسته و هلاك گردیدند سر

انجام یزدگردبن شهریار نواده خسرو پرویزرا که درفارس پنهان میزیست وجوانی بی‌تجربه بودبسلطنت برداشتند وچون دراین‌زمان اوضاع ایران هرج ومرج وشخص لایقی ازخاندان سلطنت باقی نمانده بودکه‌ایران را ازپریشانی رهائی بخشد رشته کارها از هم گسیخته شد وکشور با عظمت ساسانی مورد تاخت وتاز مسلمین قرار گرفت وباهجوم‌عرب‌دولت‌بااقتدار ساسانی منقرض گردید .

فصل دوم

حمله عرب بایران

شبه جزیره عربستان از قدیم مسکن اعراب بود واین مردم بیابان گرد باطراف کشور خود تاخت وتازهائی کرده ودولت های کوچکی در نزدیکی سوریه وفرات تشکیل کرده وجمعی از آنها شهرنشین شده بودند مانند غسانیها مطیع دولت روم ودولت حیره که اطاعت از ایران داشتند.

نهضت بزرك اعراب پس ازطلوع اسلام بواسطه اتفاق کلمه وایمان بخدا واطاعت از خلیفه بسرعت غیرقابل تصوری پیش رفت . مسلمین در این نهضت بزرك خودبادو دولت مهم آنروزمواجه بودندیکی امپراطوری روم که در نتیجه جنگهای طولانی رمقی نداشت ودیگر دولت ساسانی که بواسطه جنگهای بیست وپنجساله خسرو پرویز ناتوان و فقیر و از سرداران بزرك نامی کسی باقی نمانده بود اختلافات دینی عیسویان و زر دشتیان وبروز طاعون وخود سری حکام وناتوانی لشکر ایران در نتیجه جنگهای طولانی مزید برعلت بود اعراب صحرا گرد تازه نفس مسلمان شده معتاد بسختی ها که با تعلیمات اسلامی ووحدت عقیده از هلاکت روی گردانی نداشتند ودر راه خدا ورسیدن بثواب از هیچ نوع فداکاری خود داری نمی نمودند بر کشوری تاختند که گذشته از آبادی و ثروت تشتت عقاید مذهبی ونفوذ بی اندازه نجبا وروحانیون و فرسودگی قشون فقر وپریشانی وزیادی ظلم وجور بمنتهای درجه خود رسیده بود.

دوره اول جنگهای ایران وعرب

درزمان خلافت ابوبکر

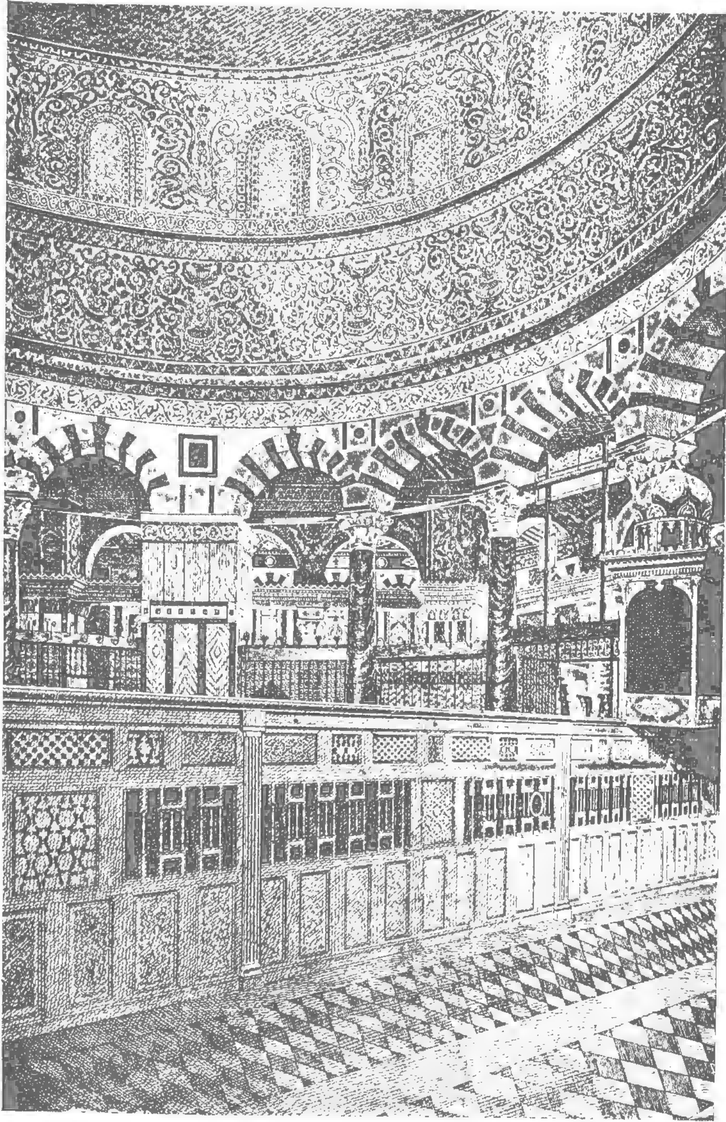
نبرد زنجیر - درسال دوازدهم هجرت(٦۳۳ میلادی)درزمان خلافت ابوبکر **ولید** و **مثنی** سرداران عرب بایران تاختند چون سربازان ایران زنجیرهائی حاضر کرده بودند که اسرای عرب را زنجیر کنند این نبرد که درمرز ایران وعربستان نزدیك خلیج فارس اتفاق افتاد بجنك زنجیر معروف شد . هرمز مرزبان ایران بدست **خالد** سردار عرب کشته شد .

ایرانیان منهزم گشته وسرداران عرب تابصره پیش آمدند و بفتوحاتی نائل شدند .

جنك دیگر درمحل **مذار** بین فرات ودجله روی داد که این بار نیز **خالد** و **مثنی** برسردار ایران **قارن** غلبه کرده بسیاری ازمردم ایران را بکشتند ازطرفی خالد شهربزرك حیره را تصرف کرده مرکز عملیات جنگی خویش قرارداد .

دوره دوم درعهد خلافت عمر

۱ - جنك پل ابوبکر درسال سیزده هجری درگذشت و بعمر جانشین خود سفارش فتح ایران را کرد درزمان این خلیفه ایران بدست مسلمین فتح شد وسلسله ساسانی منقرض گردید . مثنی سردارعرب ازشط فرات گذشت وقشون ایران بسرداری **بهمن جادو** بفرمان **رستم فرخزاد** سپهبد ایران ببابل رسیدند ابوعبید ثقفی بیاری **مثنی** رسیده وبابستن پل بر شط فرات



(قسمت داخلی مسجد عمر)

نبرد راشروع کردند قشون ایران بافیل های جنگی باعث اختلال و وحشت لشکر عرب شد ابوعبید بفیل سفیدی حمله کرده براو زخمی زد فیل او را زیر پای خود هلاك کرد در نتیجه اعراب مغلوب شده و چهار هزار تن از مسلمین کشته شدند . در نبرد دیگری که نزدیك کوفه فعلی اتفاق افتاده سردار ایران کشته و سپاهیانش پرا کنده شدند و مسلمین تا حدود پایتخت را غارت کردند .

۴ - نبرد قادسیه – عمر که از کارهای شام فراغت یافته بود لشکری عظیم تهیه دیده بسرداری **سعد ابن ابی وقاص** درسال چهارده هجری مامور جنك با ایران کرد و چند تن را برای دعوت یزدگرد بمذهب اسلام روانه ایران نمود یزدگرد سفرای مسلمین را رانده و رستم فرخ زاد حاکم خراسان را که فرمانده کل سپاه ایران بود باصد و بیست هزار نفر بجنك مسلمین روانه کرد این جنك در قادسیه (جنوب نجف امروزی) اتفاق افتاد و چهار روز دوام داشت روز چهارم جنك سختی در گرفت در این هنگام طوفانی از خاك و شن برخاست و تند بادی روی بایرانیان وزیدن گرفت و خاك و شن بر روی و چشم ایرانیان ریخت چون بین لشکر ایران از وزش این باد خاك آلود اختلالی بزرك بروز کرد مسلمین از موقع استفاده کرده باحملات شدید خود قلب لشکر ایران را شکافتند و اسپهبد ایران رستم فرخ زاد را کشته سراو را بنیزه زده صدای قاتل رستم بلند شد که من رستم را کشتم چون کمکی بقشون ایران نرسید درفش کاویانی که مزین بجواهرات گرانبها بود بچنك اعراب افتاد یزدگرد پس از این شکست درصدد مصالحه با مسلمین برآمد ولی سعد بن ابی وقاص که با استهزاء تکلیف صلح را رد کرده بود باسپاه فراوان بمدائن حمله برد . یزدگرد که از نزدیك شدن مسلمین بپایتخت



(دورنمای قسمتی از عربستان)

اطلاع حاصل کرد از تیسفون بیرون رفت . مسلمین نخست قسمت غربی شهر را که درمغرب دجله قرار داشت وسلوکیه نامیده می شد محاصره کردند پس از مدتی بخش شرقی مدائن را که تیسفون می نامیدند گرفتند یزدگرد باخزائن وحرمسرای خود بحلوان (سرپل زهاب)رفت مسلمین پس از تسخیر مدائن غنائم وثروت این شهر باعظمت را بغارت بردند از جمله غنیمت ها فرش بزرك جواهر نشان ایوان خسرو بود که آنرا بهارستان کسری می نامیدند . این قالی را بایك پنجم از غنائم بمدینه مرکز خلافت فرستادند و بفرمان عمر قالی بهارستان را قطعه قطعه کرده ویکقطعه آن بیست هزار درهم بفروش رفت . بایددانست که اعراب تا آنروز شهری از حیث عظمت و ثروت وجلال مانند مدائن ندیده بودند وچنان از دیدن آن همه تجمل و ثروت متحیر شدند که سر از پا نمی شناختند بسیاری از وسایل زندگانی مردمان شهرنشین را تاآن وقت ندیده وحتی طلا را نمیشناختندو کافور را نمك می پنداشتند .

۳ ـ جنك جلولاء ـ چون خبر فرار یزدگردو جمع شدن عده‌ای ازقشون ایران درحلوان بسعد رسیدجنك بین مسلمین و ایرانیان درجلولا درگرفت سر دارایران مهران رازی مغلوب و غنائم بسیار بدست اعراب افتاد . مسلمین بحرین ازراه دریا بساحل خلیج فارس حمله بردندولی مغلوب شده ببصره برگشتند . هرمزان حاکم خوزستان بر آن شد که اعراب را ازاهواز بیرون کند ولی اهواز بدست مسلمین افتاد و اعراب هرمزان رادستگیر کرده بمدینه نزدعمر فرستادند وازپس ازچندی بدست پسرعمر کشته شد .

۴ ـ نبرد نهاوند ـ عمر مایل نبود که مسلمین از کوههای غربی ایران

(زاگروس) بداخله فلات تجاوز کنند. قسمت های فتح شده را برای مسلمین کافی میدانست ومیل داشت که نواحی تسخیر شده راامن ومنظم کند. مسلمین چون شنیدند که یزدگرد درری وخراسان لشکری انبوه گردآورده است از خلیفه دوم اجازه حمله بایران را گرفتند. مسلمین بسرداری **نعمان** بن مقرن درصدد حمله بری بودند که خبر رسید قشون یزدگرد درنهاوند است. این بود که بنهاوند شتافت ودرسال ۲۱ هجری در نهاوند جنك بسیار هولناکی رخ داد، لشکر ایران بسرداری فیروزان چند ماه ازپشت سنگرها دربرابر عرب بجنك تدافعی پرداخته ازجنك دردشت احتراز داشتند ودر دشت زدو خوردهای کوچك روی میدادچون مدت جنك بطول انجامید وآذوقه لشکرعرب روبااتمام می رفت **نعمان** حیله ای بکار برد باین معنی که عقب نشست وچنین وانمود کرد که چون خبرفوت خلیفه راشنیده است بمدینه میرود. فیروزان از شنیدن این خبر فریب خورده بتعقیب مسلمین پرداخت همین که سپاه ایران ازسنگرخارج شده وبدشت نهاوند که موردنظر نعمان بودرسیدند مسلمین که دردشت بهتر می توانستند جنك کنند برگشته حملات سخت کردند باانیکه نعمان درهنگام جنك کشته شد **حذیفه** سرداردیگر عرب باغلبه برلشکرایران جنك را بپایان رسانید و این فتح بین مورخین عرب بفتح الفتوح معروف شد.

قتل یزدگرد — مسلمین پس ازفتح نهاوندمدت ده سال بامدافعین هریك ازشهر های ایران جداجدا جنگیده ویکی راپس از دیگری تسخیر کردند. یزدگرد پس از شکست نهاوند ازری باصفهان وکرمان و بلخ ومرورفت واز **فغفور** چین وخاقان ترك یاری خواست آنهااز دادن کمك امتناع کردند. یزدگرد که از همه جا مایوس شده بود از سوء نیت

ماهوی سوری مر زبان مرو که قصد کشتن او را داشت آگاه شد فرار اختیار کرد و بآسیابانی که بقول فردوسی خسرو نام داشت پناه برد تا شب را در آسیا بگذراند . شب هنگام آسیابان یزدگرد را بطمع لباس فاخر وجواهرات گرانبها کشت و با مرگ اوچراغ دودمان ساسانی که‌مدت ٤١٦ سال برایران پرتوافکنده بودخاموش شد .

گر چه پس از جنگ نهاوند طبقه اصناف و کارگران که از مغها ناراضی بودند تسلط مسلمین راپذیرفتند ولی رعایا درتحت اوای‌مالکین خودبزودی بحکومت عرب تن ندادند ندایالات مدتها پا فشاری کردندپادشاهان وامرای محلی تاچند قرن پس‌ازاستیلای عرب باقی ماندند (مانند شاهان مازندران و گیلان) ایرانیان پس‌ازجنگ نهاوند روح استقلال طلبی‌خودرا ازدست نداده برعلیه خلفای بنی‌امیه شورشها کردند تاآنجاکه خلافت‌بنی امیه را منقرض‌وخلفای عباسی را روی‌کار آوردند وباین هم اکتفا نکرده از نفوذ دردربارخلافت ومبارزهٔ باعباسیان دست‌نکشیده تا درقسمت های مختلف ایران دولت هائی‌تأسیس‌نمودند واسماً خلافت بغداد راشناخته‌و رسماً مستقل بودند (مانند دیالمه وغیره) استقلال سیاسی‌ایران ازاواخر قرن سوم هجری بتدریج شروع شد وصفحه‌تازه‌ای درتاریخ ایران گشود ومرحله نوینی‌را پیش آورد .

فصل سوم

تمدن و فرهنگ ایران در دوره ساسانیان

سازمان کشوری و طبقات مردم - رئیس سازمان مرکزی را در زمان ساسانیان **بزرگ فرماذار** میگفتند که با چند وزیر زیر دست خود کشوررا اداره میکرد . فرماندارهرقسمت ازکشور اگر از خاندان سلطنت بود شاه لقب داشت و اگر سرحد دار بود مرزبان نامیده میشد فرمانداران چند ناحیه تابع استاندار بودند و شهرهای هر استان رئیسی داشت که اورا شهریك می نامیدند و رئیس هر ده را دهیك میگفتند .

مردم عهد ساسانی بچهار طبقه تقسیم میشدند :

۱- آتروان یا روحانیان .

۲- ارتشتاران یا سپاهیان .

۳ - دبیران

٤ - واستریوشان یا کشاورزان .

علمای دین را مؤبدان و نگاهبانان آتشکده هارا هیربدان و قضات را

داوران ومربیان دین را دستوران میگفتند.

اشراف و بزرگان درجه اول را آزادان واعیان درجه دوم رادهگان مینامیدمند. هریك از طبقات روحانی وسپاهی ودبیر وزارع و کاسب رئیسی داشتند. رئیس روحانیون را مؤبدان مؤبد ـ رئیس سپاه را اران اسپهبد رئیس دبیران دبیربد و رئیس زارع و کاسب را واستریوشان سالار مینامیدند.

در زمان اشکانیان هفت دودمان درایران ممتاز بودند که قسمت



(نای زن ـ نقش در جام نقره)

های بزرگی ایران را در زیر نفوذ خود داشتند . دودمان هفتم خاندان ساسانی بود .

اردشیر بابکان از قدرت خاندانها بکاست و همه رامطیع دربار کرد تازمان انوشیروان وضع بهمین منوال بود انوشیروان کشور را بچهار بخش (یاپادگس) تقسیم کرد و بر هر بخش فرمانفرمائی بنام پادگسبان فرستاد . دراواخردوره‌ساسانی پادگسبانان‌چندان اطاعت ازمرکز نداشتند لازکشاورزان مالك زمین‌بفراخور حال مالیات میگرفتندوازصنعت



(نقوش عهدساسانی در جام نقره)

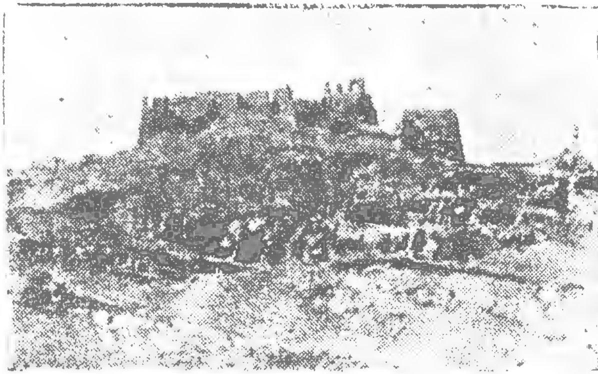
گران و کسبه مطابق در آمدشان هرسال مبلغ معینی اخذ میشد از روحانیان و درباریان وسپاهیان مالیات گرفته نمی شد و از بقیه مالیات اخذ میگردیدو گاهی پادشاهان درروزجلوس خراج گذشته رامی بخشیدند.

سپاه - تازمان انوشیروان نیروی کشور در دست فرمانده کل سپاه بود انو شیروان برای کاستن قدرت اران اسپهبد فرماندهی سپاه‌را بچهار پاد گسبان سپرد .

سپاهیان ایران از اسواران (سواران) وپایگان (پیاده گان) مرکب‌بود درایران قدیم اسواران اهمیت بسیار داشته وبزرگان دراین صنف خدمت میکردند . ازپیاده گان که‌بدنبال‌لشکرمیرفتند درجنگهای کوهستانی وخراب کردن قلعه‌هاونگاهداشتن اسیران استفاده‌می‌شد.

اسلحه سپاهیان عهد ساسانی عبارت ازشمشیر و تبرزین و گرز و سپرونیزه وکمندوتیر وکمان ووسایل دفاعی آنها جوشن نیم تنه و ران وسینه‌وزره است(برگستوان)وازوسایل‌جنگی آنهافیل بود .

دین رسمی کشور . عقاید و مذاهب عهد ساسانی - اردشیر بابکان مذهب‌زردشت‌را در ایران‌رسمی کرد وتاآنزمان ایران‌دین رسمی نداشت وهرقسمت از مردم ایران‌در معتقدات مذهبی آزاد بودند . طبق روایات مورخین شرقی زردشت‌در قرن‌هفتم‌قبل از میلاد درکناردریاچه ارومیه (رضائیه)متولد شده‌ودر اوائل نیمهٔ اول قرن ششم قبل از میلاد بدرود زندگی‌گفته‌است . مورخین غربی تولدزردشت‌رادرمشرق دانسته وعقیده دارندکه‌کتاب دینی زردشت اوستا در زمان مادیها نوشته شده و بعقیده بعضی فقط یك‌ربع از اوستا دردست است و اوستای کنونی به‌پنج قسمت تقسیم میشود.



(آتشکده ویران نزدیك اصفهان)

اسکندر مقدونی تخت جمشید را آتش زد و اوستارا بسوخت. یونانیها نسخهٔ دیگرآنرا از گنج **شاپیگان** که‌محلش معلوم نیست بیرون آورده قسمت های‌علمی آنرا بزبان یونانی ترجمه کرده اند. بلاش اول اشکانی‌اوستارا جمع‌آوری‌کرد. در زمان اردشیر اول‌ساسانی **تنسر** رئیس روحانیان ایران یاهیربد هیربدان اوستارا مرتب‌کرد و شاپور اول ترجمه های یونانی* وقسمتی ازاوستارا ازهندبدست‌آورده برآن افزود.

زردشتیان خدای‌یکتارا **اهورامزدا** میگفتند(وجودقابل‌ستایش) وعقیده داشتند که**اهورامزدا** در ابتداء عالم ارواح را که‌نورانی‌وپاك‌و مقدس‌است آفریده‌وپس‌از آن‌خرد پلید که‌تاریك و ناپاك‌میباشد و **اهریمن** نام دارد بوجود آورده است. مخلوقات اهریمن زشتی وپلیدی‌و تاریکی وکینه وحیوانات موذی هستند. پاکی و روشنائی وراستی و درستی از مخلوقات‌اهورا مزداست.

اهورامزدا زردشت را به پیامبری برگزید. کتاب زردشت اوستا نام دارد. زردشت‌در کتاب‌خود مردم رابستایش‌خداوند ومبارزه بااهریمن



(یکی از نقوش عهد ساسانی در جام)

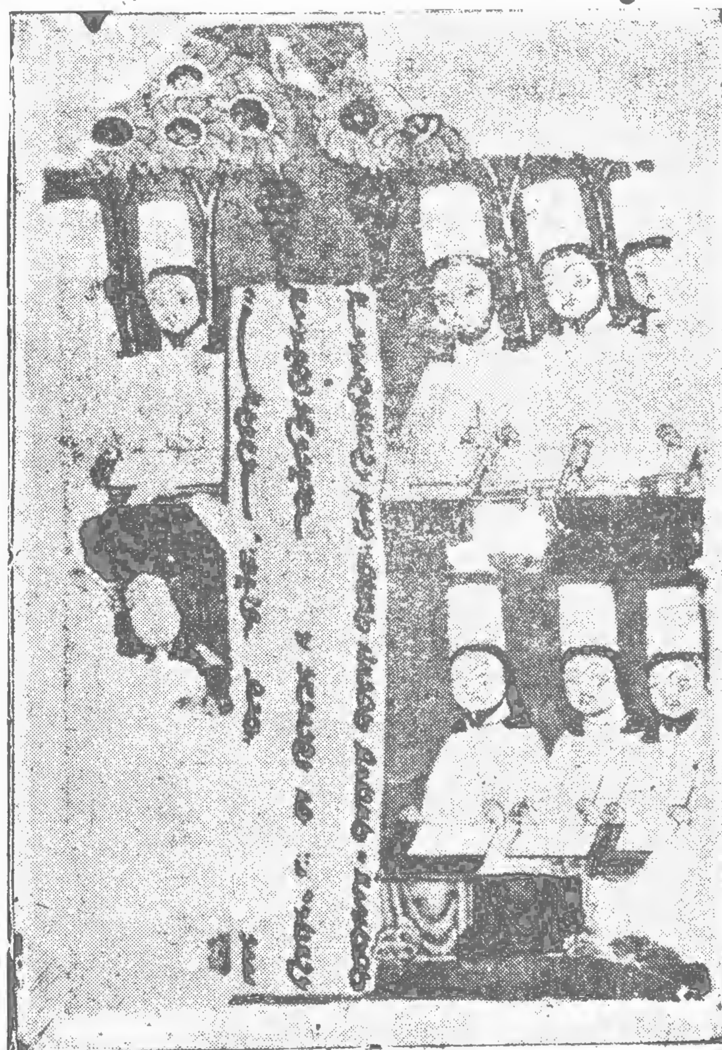
راهنمائی کرد . میگفت مردم بایدباکارهای خوب بر قوای نا پاك اهریمن غالب گردند . زردشت محل نیکانرا بهشت وجای پلیدان راجهنم وکسانی راکه اعمال خوب و بدشان مساوی بود محلی بین بهشت و دوزخ قرار داد میگفت در مبارزه اهریمن با اهورامزدا غلبه قطعی نصیب اهورامزدا میشود برای کمك باورمزد و رستگاری بعد از مرك باید مردم ازسه اصل مقدس پیروی کنند . اندیشه نیك . گفتارنیك . کردار نیك . زردشتیان آب و خاك و آتش را مقدس میشمردند و آتش راستایش میکردند و برای

حفظ آتش آتشکده ها میساختند و هیچ گاه نمی گذاشتند آتش مقدس خاموش شود .

مانی وعقایداو - اصل‌مانی رااز همدان میدانندولی آثار مکشوفه قرن اخیرحاکی است که درنزدیکی بابل‌متولد شده و پدرش بابك نامی بوده[۲] است‌مانی‌درجوانی‌بتحقیق‌مذاهب مختلفه‌پرداخت گویند دودفعه باو الهام شدکه مذهب‌خودرا میان‌مردم منتشر کند درسال ٤۵ عمر خود در ابتدای پادشاهی شاپور اول‌عقاید خود را که بر دو اصل خوبی و بدی (یا روشنائی وتاریکی) قرارداشت اظهار کرد : کتابی بنام شاپورگـان برای شاپورنوشته تقدیم شاهنشاه کرد وموردنوازش‌قرار گرفت .

شاپور اجازه‌داد که مانی‌بانتشار عقاید خود بپردازد پس ازده‌سال شاپور برمانی‌خشم گرفت وپیغمبر ایرانی‌بآسیای مرکزی رفت و در آنجا بنشرعقاید خود پرداخت‌چنانکه اخیراً در **تورفان** واقع‌درآسیای‌مرکزی کتابهای خطی بزبان‌ترکی وپهلوی راجع بمذهب مانی پیدا شـده‌است پس ازمرگ شاپور مانی‌بایران آمدودرزمان بهرام اول بتحریك موبدان زردشتی بدستور پادشاه‌مانی راکشتند وباکشته شدن مانی‌مذهب‌اوازبین نرفت ودر ایران وآسیای‌مرکزی باقی‌ماند . مسلمین پیروان‌مانی رازندیق میگفتند کتاب معروف مانی **ارژنك** یا **ارتنك** نام داشت و بنقاشیهائی مزین بود ومقصود مانی‌از نقاشیهای کتاب خوداین بود که خوبی وبدی‌را بانواع و اقسام صورتها بنمایاند و بعضی را عقیده‌برآنست که کتابـهای مانی ازآن جهت بصورت‌های زیبا مزین شده تا مردمان‌جاهل‌بدان‌توجه کنند .

مانی خدارا صاحب روشنائی واهریمن را مالك بدی و تاریکی



(نقاشی مانوی)

میدانست و میگفت تاریکی و روشنائی همیشه بوده و خواهند بود و خوبی‌ها زائیده روح خوب و زشتی ها از روح بد بوجود میآیند و هیچگاه خوبی و بدی از بین نرفته همیشه بوده واز یکدیگر جدا خواهند بود نتیجه

آنکه معتقدات مانی از مذهب دیگر اخذ و ترکیب شده و روح مذهب زردشت بیشتر در آن هویداست .

مزدك و عقاید او - مزدك پسر بامداد از مردم نیشابور بوده در زمان قباد ظهور کرد و کتابی آورد که اکنون در دست نیست قباد بمذهب او گروید ولی انوشیروان پیروان این مذهب را برانداخت ولی مزدکیان با نامهای مختلف مانند خرم دینان وغیره تا حدود سیصد هجری در ایران باقی بوده و مکرر با خلفای عباسی جنك کردند و بکلی مغلوب و معدوم شدند .

مذهب مزدك بعقیده مانی بی شباهت نبود زیرا معتقد بود که روشنائی بکلی از تاریکی جداست و مانند مانی کشتن حیوانات وخونریزی را منع میکرد وعالم را مرکب از آب وخاك و آتش میدانست معتقد بود که عالم ارواح مانند این عالم تشکیل شده آقای آسمانها بر تختی نشسته و چهار قوه (شعور - عقل - حافظه - شادی) بدستیاری شش وزیر عالم را اداره میکنند وزیر ها در میان دروازه روح درحرکتند . انسانیکه چهارقوه و شش وزیر و اختیارات ارواح دوازده گانه را در خود جمع کند بمرتبه ای میرسد که دیگر مسئولیتی ندارد .

مهر پرستی - مهر معبود قدیم آریائی بود اوستا اورا بزرگترین ایزدان و حامی روشنائی میداند وزردشتیان معتقد بودند که مهر ازطرف خداوند مأموریت دارد که شر و بدی را دفع کند و او را حامی آفتاب میدانستند. این مذهب در آسیای صغیر رواج گرفت و سپس بیونان رفت و بعدها با لمان وفرانسه وانگستان قدیم سرایت کرد بااینکه درقرن سوم میلادی پیروان کلیسا درمحو آثار آن همت گماشتند . اکنون نیز اثراتی از مهر پرستی

درنزد عیسویها باقی مانده است . مانند عیدتولد مسیح که پیش ازعیسویت عید تولد مهر بشمار میرفت .

مذهب بودائی وعیسوی – دردوره ساسانی مذهب بودا ازطرف شمال شرقی ومذهب عیسی ازطرف مغرب بداخله ایران سرایت کرد .

آثار مذهب بودائی درافغانستان بدست آمده چنانکه آتشکده نوبهار بلخ راکه بعضی مورخین عرب آنرا آتشکده پارسی میدانند عبادتگاه بودائی بوده وخانواده برامکه که جدآنها **برمك** رئیس آتشکده بودلقب خود راازبرامکه گرفته وبودائی هااین لقب را برئیس دیربودائی میدادند وقدمای مورخین عرب آتشکده نوبهاررا **بیت الاصنام** میخواندند .

مذهب عیسی در ابتدای دوره ساسانی کم وبیش در ایران انتشار پیداکرد شاپورچون عیسویان را باطناً مایل بروم میدانست مالیات سنگین بر آنهابست وایشان راازخدمت سربازی معاف داشت. خلاصه دردوره ساسانیان عیسویان ایران زمانی آزاد ومواقعی دچارسختگیری پادشاهان میشدند یکی ازمواد عهدنامه انوشیروان با روم آزادی عیسویان ایران بود ودر اواخردورهٔ ساسانی عیسویان ایران کاملا آزاد بوده وتشکیلات مذهبی داشتند

فرهنك دردوره ساسانی

علوم وصنایع در پرتوامنیت دولت ساسانی رونق گرفت و پرورش اخلاقی وپرهیزازبدی وتوجه بنیکی که ازتعلیمات زردشت نتیجه شده بود درقلب مردم ایران رسوخ یافت ایرانیان تا مزاحمتی ازطرف پیروان عقاید مختلفه نمیدیدند بآزارآنها نمی پرداختند . بیشترپادشاهان ساسانی بعلم ودانش توجه داشتند کتابهائی ازخارج بایران آورده وازکتب علمی یونانی

وهندی وسریانی بزبان پهلوی ترجمه هائی کرده وبر کتاب اوستا افزودند شرح وتفصیل اوستا **بزند وپازند** معروف بود . علم و سواد بیشتربین طبقه‌روحانی واشراف رواج داشت پادشاهان ساسانی درجندی‌شاپورخوزستان مدرسه بزرك پزشکی برپاکرده وازفلاسفه فراری از روم در تدریس این



(قصر فیروز آباد فارس از بناهای پادشاهان ساسانی)

دانشکده استفاده کردند شعر و موسیقی مخصوصاً درزمان خسرو پرویز رواج کامل داشت. بسیاری از آوازهای ایرانی امروز از مخترعات موسیقی دانهای بزرگ آندوره **باربد** . **نکیسا و رامتین** میباشد که نام آنها در اشعار فارسی زیاد دیده میشود.

فرزندان اشراف و بزرگان و پادشاهان خواندن و نوشتن و چوگان بازی و شکار می آموختند .

خط و زبان — خط عهد ساسانیان سه نوع بود یکی مخصوص نوشتن کتیبه‌ها که درروی سنك یا سکه نقش میکردند . دیگر خطی که باآن کتاب و نامه مینوشتند . دیگر خط اوستائی که برای نوشتن کتاب اوستا اختراع

[illegible]

(نمونه خط پهلوی)

شده بود و علت اختراع این خط این بود که در تلفظ و آهنگهای کتاب مقدس و دعا های قدیم در نوشتن و خواندن اشتباه نکنند . ریشه خط پهلوی از آرامی های سامی نژاد گرفته شده که بین عراق و شام مسکن داشتند .

زبان عهد ساسانی و اشکانی پهلوی بود ولی بین پهلوی اشکانی (مردم شمال شرقی ایران) و پهلوی ساسانی (ساکنین جنوب شرقی ایران) اختلاف هائی بود و در آن لغت عرب بسیار وارد شده بود . در دوره ساسانی لغت عربی را می نوشتند و فارسی آنرا میخواندند . مثلا می نوشتند **باب** میخواندند **در** بزبان فارسی امروز ما از دو ریشه پهلوی اشکانی و ساسانی گرفته شده است .

[illegible]

(نمونه خط اوستائی)

زمانیکه دولت ساسانی منقرض شد و اعراب بر کشور ایران غالب شدند خط و زبان عربی متداول گردید و بسیاری از کتب قدیم ما از بین رفت دانشمندان ایرانی مانند **عبدالله بن مقفع** و غیره کتابهائی را از پهلوی

بعربی برگرداندند که معروف ترین آنها **خداینامه** نام داشت که تاریخ پادشاهان ایران بود و بعدها بفارسی ترجمه‌شدو **فردوسی** مطالب تاریخی کتاب خودرا از آن گرفته است .

دیگر از ترجمه های **ابن مقفع** کلیله و دمنه است که‌اصلش از هندو بزبان پهلوی ترجمه شده بود .

آثار و نقوش و سکه‌های عهدساسانی - مهم‌ترین بنائی که‌ازدوره ساسانیان برپامیباشد **طاق کسری** یا ایوان **مدائن است** ارتفاع طاق بیست و نه متر و درچند فرسنگی جنوب بغدادقرار داردو در وصف آن‌شعرای ایران وعرب اشعار نیکوئی‌سروده اندکه مشهور ترین آنها قصیده‌خاقانی است‌دیگر از آثاردوره ساسانیان یکی مجسمه بزرك شاپور است‌درشهر شاپور نزدیك کازرون که درمیان‌غاری‌افتاده ودراکتشافات اخیر آثار قصور و آتشکدهٔ عهد ساسانی در این‌شهر بدست آمده است دیگرقصرشیرین‌در مرزعراق که‌خسروپرویز برای محبوبه عیسوی‌خود شیرین بنانهاده بود . درفارس هم خرابه قصربزرگی بنام‌**سروستان** از آثارآن دوره باقی است درسایرنقاط ایران آثار بناهائی کم وبیش ازاین دوره یافت‌میشود

ازکتیبه های‌معروف عهدساسانی‌یکی کتیبه‌اردشیر بابکان‌درنقش رستم فارس‌ودیگر دو کتیبه ازشاپور اول‌یکی‌درنقش‌رجب‌فارس‌ودیگری درحاجی آبادفارس‌از هرمز و نرسی‌و بهرام‌اول وشاپور دوم‌وسوم‌نیز کتیبه هائی باقی مانده است که بیشتر آنها شرح فتوحاتی است که پادشاهان ساسانی بیادگاردر دامن کوههای برسنك کنده اند و نسب خود واسم ولایاتی را که گرفته اند درآن ذکر شده است سکه‌هائیکه‌ازساسانیان در دست است بیشتراز طلاو نقره‌دریکطرف صورت‌پادشاه‌ودرطرف دیگر

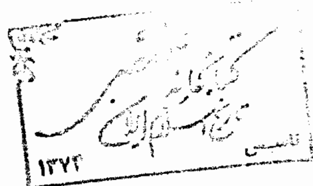


(مسکوکات نقره شاهان ساسانی)

صورت آتشدان یا چیزی شبیه بآن نقش شده ودرحاشیه نام پادشاه و گاهی سال ضرب سکه قید گردیده است. سکه های طلا را **دریك یا ذریك** میگفتند ومسکوکات مسی که ارزش آن کم بوده است **پشیز** می نامیدند.



(تنك نقره از دورهٔ ساسانی)



قسمت دوم

تاریخ عرب پیش از اسلام

مختصری از وضع جغرافیائی عربستان - شبه جزیره عربستان محدود است از طرف شمال ببادیة‌الشام وقسمتی از بین النهرین و از مشرق بخلیج فارس ودریای عمان و از جنوب باقیانوس هند و خلیج عمان و از مغرب بدریای سرخ و کمی بیشتر از سه ملیون کیلومتر مربع وسعت دارد از حیث پستی و بلندی عربستان فلات بزرگی است که کوهها در اطراف آن قرار گرفته اند از جنوب بشمال بموازات دریای سرخ رشته کوهی است که قسمت غربی آن بواسطه شیب زیاد حکم فرورفتگی را دارد واعراب آنرا **غور** میگفتند وقسمت شرقی که شیبش ملایم میباشد **نجد** مینامیدند . نجد دارای ریگزارها وصحاری لم یزرع است چنانکه درجنوب **حضر موت و ربع الخالی** ودرشمال صحرای **نفود و بادیة‌الشام** قرار گرفته و این صحراها خشك و سوزان و پیوسته باد های گرم در آن جریان دارند .

آب وهوای عربستان صحرائی وخشك و تمام این ناحیه در منطقه گرم وخشك قرار گرفته و بواسطه رشته کوه غربی بخار آب در بابه نجد نمیرسد وتا اندازه ای غور ویمن از باران بهره مند میشوند بهمین جهت آب درعربستان اهمیت حیاتی داشته وجمع آوری آن در محلهای معین و سد بندی از قدیم زیاد مورد توجه بوده است چنانکه **سد مآرب** را



برای جمع آوری آب شهر سبا ساخته بودند و چون این سد خراب و سیلاب شهر سبا را ویران ومردم آنرا هلاك نمود این سیل درقرآن کریم بنام سیل ارم ذکرشده است . ناحیه حضرموت در جنوب و کشور عمان

در مشرق و در شمال عمان **احسا و بحرین و کویت** قرار گرفته که بخاك عراق منتهی میگردد . سرزمین کناره دریای سرخ را **حجاز** مینامیدندکه شهرمهم آن مکه ودرشمال آن مدینه واقع شده است

سکنه و جمعیت عربستان – ساکنین عربستان را اعراب سامی نژاد



(شتربانان عرب)



(زنهای بدوی عرب)

تشکیل میدادند و بدودسته **بدوی و حضری** تقسیم میشدند بدوی ها مردمی غارتگر ویاگله دار وبسیار قانع و مهمان نواز وجوانمرد بودند که در صحاری بچادر نشینی خو گرفته وبیشتر ایام‌سال برای چرانیدن گله های خود در حرکت بودند **حضری** ها (شهر نشین ها) که از قدیم بر نواحی حاصلخیز دست یافته وشهر نشین شده بودند با ایرانیها وهندیها بدادوستد و بازرگانی پرداخته و بین آنها و مردم صحرا نشین بیشتر اوقات دشمنی وزد وخورد واقع میشد بازرگانان عرب ادویه وعاج وپارچه های قیمتی و طلا ودیگر چیزها از هندوستان وافریقا تهیه کرده از راهی که ازحدود یمن‌وخاك‌حجاز بشامات میپیوست بروم میفرستادند و بهره‌زیادمیبردند درنتیجه درامتداداین راه‌بازرگانی دولت های مستقل وشهرهای آباد بوجود آمد مانند**حضرموت‌وسبا** (یاماَرب) در جنوب و مکه و مدینه در حجاز وغیره . تقریبا یك قرن پیش ازمیلاد حمیریها (هام آوران) دولت سبارا منقرض کرده‌و بریمن‌دست‌یافتند .

۱-دولت‌یمن- درجنوب غربی عربستان و رو بروی حبشه قرار داشت و پیوسته میان آن‌دو دولت بر سر بازرگانی و غیره اختلاف‌وزد وخورد بود . سرانجام حبشه یمن را تصرف کرد و دین مسیح را در این کشور انتشار داد چون یکی از پادشاهان حمیر که دین رسمی خود را مذهب یهود قرار داده بود عیسویان را کشتار نمود دولت روم بکمك حبشی های هم دین‌خود برخاست وسردارحبشه**ابرهه**یمن راتصرف‌کرد وکلیسای بزرگی‌درآنجابساخت وعرب را وادار کرد که آنجارا زیارت گاه‌خودقراردهندچون‌اعراب‌نپذیرفتندلکشری‌برای‌خراب‌کردن عبادتگاه قبائل‌عرب‌یعنی کعبه بمکه‌فرستادسپاهیان‌ابرهه‌درراه‌بمرض‌آبله‌مبتلا گشته مراجعت‌کردند.



(زنان عرب)

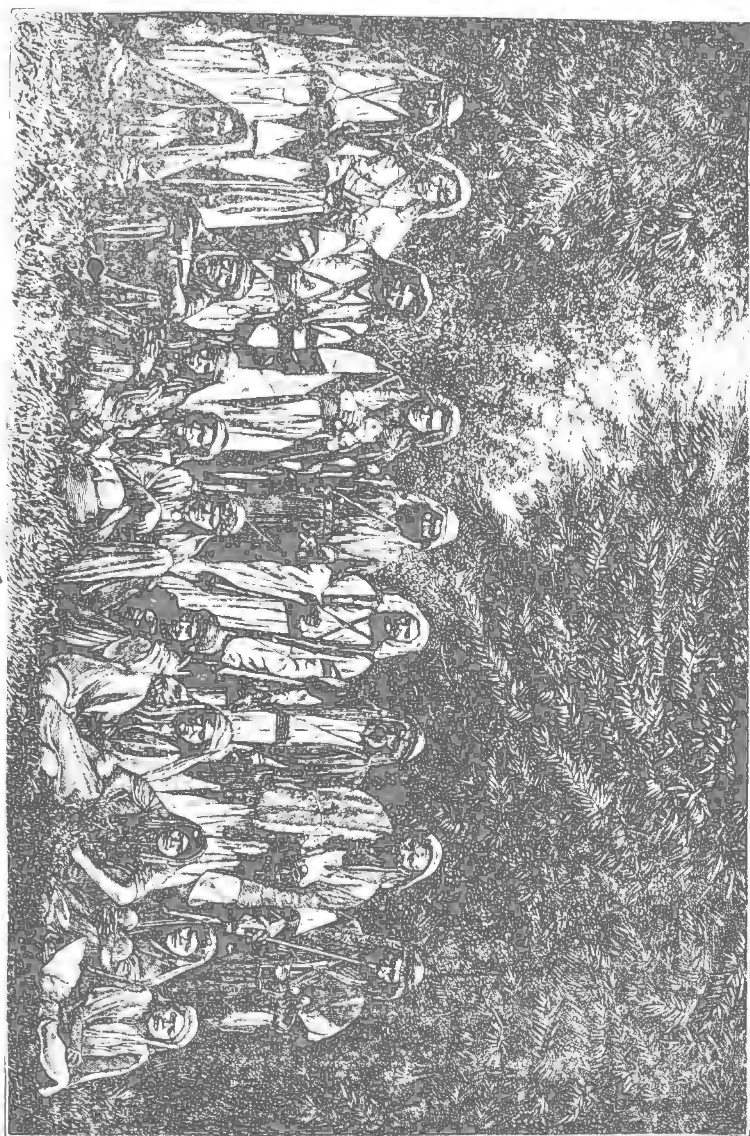
واین واقعه را اعراب عام‌الفیل خوانده ومبدء سال شماری خود قراردادند بنا بر روایات اسلامی خداوند ابابیل را (نوعی از پرندگان) مأمور کرد تا سنك وگل برلشکر حبشه باریدند ودرنتیجه قسمت عمده لشکر حبشه را با فیلی که بر پیشاپیش سپاهیان در حرکت بود هلاك کردند وچنانکه درزمان انوشیروان ذکر آن رفت اهالی یمن ازخسروانوشیروان یاری طلبیده و وهرز دیلمی سردارایران یمن را تصرف کرد واین کشور تا ظهور اسلام جزو خاك ایران بود .

درشمال عربستان نیزدولت های نسبتاً معتبری وجود داشت‌مانند:

۲ ـ دولت نبطی ـ این‌دولت درجنوب فلسطین‌واقع وباعراق‌هم مرزبود شروع ترقی آن از قرن چهارم قبل‌ازمیلاد ودر۱۰٦ میلادی‌جزو متصرفات روم گردید . کار مردم این کشوربازرگانی وبزبان آرامی تکلم میکردند . خط عربی ازخط نبطی هاگرفته شده است .

۳ ـ تدمر ـ بین شام وعراق واقع بود. درتورات ذکری از نام آن شده است مردم آن ببازرگانی مشغول بوده و کاروانهائیکه از سواحل خلیج فارس بشام آمد و رفت میکردند از پایتخت آن تدمر یا **پالمیر** میگذشتند . مردم این کشوربواسطه تجارت با رومیان ثروتمند ومعروف گردیده وتقریباً یك قرن بعد از میلاد دولت تدمر تابع روم شد . روابط **اذینه** امیر تدمر را درزمان شاپوراول درتاریخ ساسانیان یادکردیم .چون **زنوبیا** زوجه اذینه از اطاعت روم سرپیچید و دعوی استقلال کرد رومیها پایتخت این کشورراویران کرده ودولت تدمررا ازمیان برداشتند.

۴ـ دولت حیره ـ این‌دولت که پایتختش‌حیره نام‌داشت وبین‌فرات ومدائن واقع بود در تحت حمایت پادشاهان ساسانی تشکیل‌شد . چون



(شیوخ بدوی عرب)

عده ای ازپادشاهان آن منذز نام داشته اند پادشاهان این سلسله رامناذره

هم میگفتند . خسرو پرویز آخرین امیرمناذره راکه نعمان بن منذرنام داشت هلاك کرد ودولت حیره را منقرض نمود وبا این اشتباه سدیراکه درمقابل اقوام وحشی عربستان قرار داشت از میان برد و راه را برای تاخت وتاز اعراب بداخله ایران بازکرد .

۵ - **غسانیان** - غسانیان‌اصلا ازمردم یمن بودند که درعهد ساسانی درحدود شامات دولتی‌تشکیل داده قدرت یافتند ومذهب مسیح داشتند. معروف ترین پادشاهان آن **حارث بن جبله**است که معاصر انوشیروان‌بود این دولت تبعیت از روم داشت وهمانطور که دولت حیره برای ایران در مقابل اعراب صحراگرد سدی بود . این دولت نیز در برابر قبایل وحشی بیابان گرد مانند سدی بود که مراکز بازرگانی شمال عربستان را برای دولت روم محافظت می نمود این‌کشور درلشکرکشی خسرو پرویزبشام منقرض گردید (٦١٤ میلادی)

٦- **دولت کنده** - مردم عیسوی‌کنده درقسمت شمالی‌نجد دولتی تشکیل‌دادند ویکی‌ازپادشاهان‌معروف‌آن **امرء القیس**شاعرمعروف‌عرب پیش از اسلام است .

طوایف‌عرب-طوایف‌عرب‌پیش‌ازاسلام‌رابدو‌قسمت‌بزرك‌**قحطانی** و **عدنانی** تقسیم‌میکنند قحطانیهانسب خود رابه **یعرب‌بن قحطان** نواده نوح پیغمبر میرسانند . عدنانیها خود را از اولادان اسماعیل پسر ابراهیم میدانند این طایفه پس از مدتها چادر نشینی بر حجاز و مکه دست یافته دارای اهمیت واعتبارزیاد شدند ویکی از طوایف عدنانی قریش است و پیغمبر اسلام از این طایفه بوده است

قریش وخانه کعبه - یك قرن پیش از ظهور اسلام ریاست شهر

کعبه بجدپنجم پیغمبر **قصی بن کلاب** که برطایفه قریش ریاست داشت رسید وبر اعتبار وثروت این طایفه افزود . شهر مکه چون در سرراه بازرگانی قرارداشت طایفه‌قریش که اختیار دار مکه بودند توانگر شدند حضرت ابراهیم درشهر مکه خانه‌ای بشکل مکعب بساخت وهرطایفه **بتی** را که خدای خود میدانستند در آن قرار داده و هرسال بزیارت آن میشتافتند عرب جنگجو و ستیزه گر برای خرید و فروش کالاو زیارت خانه کعبه در چهار ماه از سال جنك وجدال را حرام کرده و این چهارماه‌را ماههای حرام می گفتند مانند (محرم الحرام) هرسال طوایف عربستان متاع خودرا ببازارهای مکه که معروف ترین آنها بازار عکاظ بود میآوردندوشعرا اشعار خودرا میخواندند و بهترین اشعار را درخانه کعبه می آویختند . زمانیکه **محمد بن عبدالله ص** به پیامبری بر گزیده شدهفت قصیده معروف درخانه کعبه آویخته بودند که آنهارا **معلقات سبعه** می گفتند .

فصل دوم ظهور اسلام

عبدالله که یکی ازاخلاف قصی بن کلاب رئیس طایفه‌قریش وجدپنجم پیغمبر بودبا **آمنه دختروهب** مزاوجت کردودرسال(۵۷۰میلادی)سال‌عام الفیل درچهل ودومین سال سلطنت انوشیروان ازاین ازدواج درمکه فرزندی به وجود آمد که **محمد** نامیده‌شدچون عبدالله درجوانی بدرود زندگی گفت جد محمد عبدالمطلب نگاهداری کودك رابعهده گرفت و بعدازمرك عبدالمطلب ابوطالب که‌عم محمد بود بپرورش او پرداخت محمد پس ازرشدبا عموی خود سفری بشام کردو براموربازرگانی واقف‌شدوچون امانت‌ودرستی اوزبان زد

خاص‌وعام گردید به**محمد امین** ملقب گردید و باسرمایه خدیجه‌یکی‌از زنان‌متشخصه عرب ببازرگانی ومسافرت پرداخت و درسن بیست و پنج سالگی باخدیجه ازدواج کرد.

محمددرسن چهل‌سالگی (۶۱۰ میلادی) زمانیکه در **کوه‌حرا** بعبادت وتفکرمشغول‌بود به پیغمبری‌بر گزیده شدواین‌سال‌را بعثت‌گویند پیغمبر اسلام‌پس‌از بعثت‌مردمرا به‌پرستش‌خدای‌یگانه‌دعوت‌کرد نخست‌خدیجه و بعدعلی‌بن‌ابیطالب پسرعم او اسلام‌آوردندچون‌عدهٔمسلمین‌زیاد شد کفار مکه‌باحضرت‌محمد(ص) بمخالفت برخاستند.چیزیکه‌این‌موقع باعث پیش رفت کار پیغمبرشداسلام‌آوردن **حمزه** عموی‌پیغمبر(ص)وعمربن‌خطاب‌بود که‌دو نفراز بزرگان‌مشهورعرب بودند چون‌پیغمبر(ص) ازمرك خدیجه و ابوطالب‌بسیارمتاثرواز خشونت‌کفاردر زحمت‌بود باعده‌ای‌از اهالی**یثرب** (مدینه) که‌پیش‌ازاین‌پیغمبر راملاقات‌و اسلام‌آورده‌بودندقرار گذاشت که‌با پیروانش‌به‌یثرب‌مهاجرت‌کندواهل آنجا قول حمایت دادند.

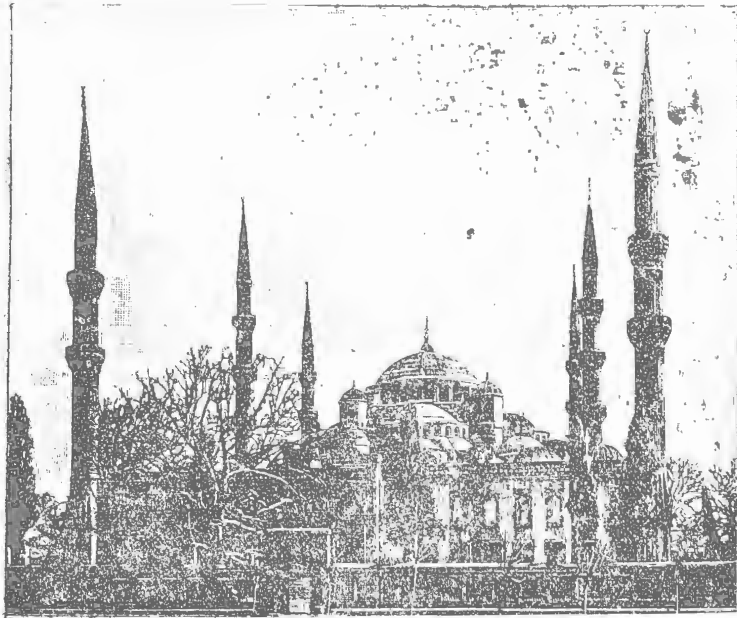
درشصت ودوفرسنگی‌شمال مکه‌شهری‌بود که‌آنرا یثرب‌میگفتند ودوطایفه مهاجریمن بنام**اوس‌خزرج**درآنجاسکونت‌اختیار کرده و غالبا باهم در نزاع بودندو یهودیان این شهربکار بازرگانی اشتغال داشتند. اصحاب‌پیغمبردرمدت‌سه‌ماه به‌یثرب رفتند وحضرت چون‌درصددمهاجرت برآمد کفار بت‌پرست تصمیم‌بقتل حضرت گرفته‌قرار گذاشتند که‌ازهرقبیله یك‌تن‌در کشتن‌پیغمبرشرکت‌کندچون‌این خبر بحضرت محمد(ص) رسید شبانه‌بهمراهی ابوبکر درغاری‌پنهان‌شده‌و بعد روانه‌یثرب شدپس از ورود پیغمبر بیثرب (۶۲۲میلادی)اینشهر را **مدینة النبی** نام‌دادند واین سال را مسلمین‌آغازتاریخ‌خود گرفتند که‌بسال‌هجری‌معروف‌است مسلمینیکه‌ازمکه بمدینه‌هجرت‌کردند**مهاجرین**واهالی مهماندار مدینه را **انصار**خواندند



(خانه کعبه)

غزاوات یا جنگهای حضرت محمد (ص)

غزوه بدر - کاردعوت حضرت رسول تادرمکه بودبواسطه مخالفت قریش چندان پیشرفت نکرد ولی درمدینه که مردم بداشتن چنان پیشوائی



(منظره شهر مدینه)

افتخار میکردند کار دعوت بالا گرفت و اهل مدینه را باهم متحد کرد و با لشکری که از مهاجرین و انصار ترتیب داده بود بسرکوبی قبائل یهود وعیسوی وبت پرست مخالف پرداخت و برای اینکه اهل مکه را بقبول دین خود مجبور کند بجلو گیری قافله های بازرگانان مکه که از شام و فلسطین میآمدند شروع کرد وجنگهائی که شخص پیغمبر درمدت ده سال در اطراف مدینه نمود **غزوه** نام دارد .

غزوه بدر جنگی است که حضرت رسول در سال دوم هجرت در کنار چاههای بدر (واقع میان مکه ومدینه) باکاروانیکه ازشام بمکه میرفت نمود وفاتح شد .

غزوه احد - درسال سوم هجرت لشکری از قریش برای تلافی جنك بدر بسمت مدینه حرکت کردند پیغمبر درنزدیك کوه احد درشمال مدینه بجنك پرداخت این جنك بشکست مسلمین ختم گردید و حمزه عموی پیغمبر کشته شد .

غزوه خندق - درسال پنجم هجرت قریش بعزم تصرف مدینه حرکت کردند مسلمین براهنمائی سلمان فارسی دور مدینه را خندق کنده بدفاع پرداختند پیغمبر باجمعی از لشکریان خود ازشهر بیرون رفته درمقابل دشمن قرار گرفت پهلوانان قریش پیش آمده مبارزطلبیدند علی علیه السلام بر عمرو بن عبدود تاخته اورا کشت وچون زمستان در رسید کفار که کاری ازپیش نبرده بودند مراجعت کردند .

چون یهودیان مدینه دراول باحضرت ازدر دوستی در آمدند وسپس راه نفاق پیش گرفتند حضرت به تنبیه آنها پرداخت و **قلعه خیبر و فدك** راتصرف کرد و مرحب پهلوان نامی یهود بدست علی کشته شد . حضرت درسال ششم هجرت بامشرکین قریش معاهده متارکه جنك بمدت ده سال بست و نامه ها بسلاطین اطراف ازآنجمله **هراکلیوس** قیصر روم و **خسرو پرویز** پادشاه ساسانی نوشت وآنهارا بدین اسلام دعوت کرد قیصر روم جوابی مؤدبانه نوشت ولی خسرو پرویز نامهٔ حضرت را پاره کرده به **بازان** حاکم ایرانی یمن دستور داد صاحب نامه را گرفته وروانه ایران کند . سلطان مصر بافرستادن تحفه وهدایا عذر آورد لیکن پادشاه حبشه مسلمان شد.

فتح مکه وغزوه تبوك - چون اهالی مکه بر خلاف عهد نامه رفتار کردند حضرت رسول مکه را فتح وبتهای خانه کعبه را شکست و با مردم بملایمت ومهربانی رفتار کرد سپس سی هزار نفراز لشکر اسلام را بشمال

عربستان ومتصرفات روم فرستاد مسلمین شمال عربستان‌را فتح کرده و تا تبوك پیش رفتند . درسال‌دهم هجرت‌حضرت‌رسول بزیارت خانه خدارفت این حج را که آخرین سفر حضرت بزیارت بیت الله‌بود حجة الـوداع نامیدند .

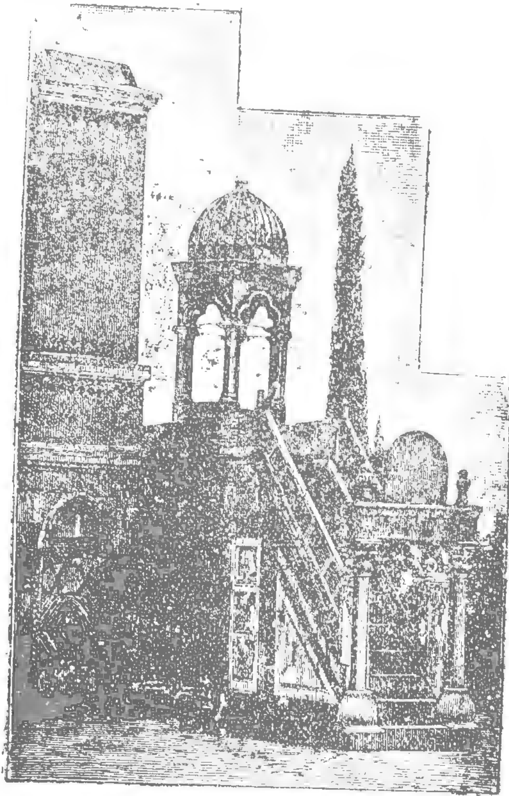
غدیر خم وانتخاب‌علی بجانشینی نیزدر این‌سال اتفاق‌افتاد.حضرت محمد(ص)درسال‌یازدهم هجرت‌درگذشت وپدر زنش ابوبکر جانشین‌وی گردید .

فصل سوم - خلفاء راشدین

خلافت ابوبکر - درزمان ابوبکر بسیاری ازمسلمین‌راه مخالفت رفتند وبعضی بادعای پیغمبری بر خاستندکه از آنجمله **مسیلمه کـذاب** بود ابوبکر باقدرت لشکراسلام برمخالفین غلبه‌کرد و لشکری بشام و فلسطین فرستاد واین‌دو ناحیه‌را ازدست رومیها خارج ساخت و چنانکه درتاریخ ساسانیان بیان‌شدسرداران اسلام در حدود مرزهای ایران پیش رفتهائی کردند . ابوبکر پس‌ازدوسال خلافت‌درمدینه‌وفات یافت .

عمر - ابوبکردرسال‌سیزدهم هجرت هنگام وفات عمررابجانشینی خود انتخاب کردعمر پس‌ازرسیدن بخلافت لقب امیرالمؤمنین برخودنهاد ودرزمان اولشکر اسلام باسه جنگ‌معروف **قادسیه - جلولا - نهاوند** ایران‌رافتح وسلسله ساسانی‌را منقرض کردندچون قشون اسلام شهرهای عمده شام‌وفلسطین رافتح کردعمر به‌بیت‌المقدس رفت وحکومت شام‌رابه **معاویه پسر ابوسفیان** سپرد معاویه‌در شام‌سلسله‌ای تاسیس کردکه‌خلفای آنرابه مناسبت‌جدش که امیه‌نام‌داشت بنی‌امیه‌میگویند .

عمر درسال ۲۳ هجری در موقع مراجعت از مکه بمدینه‌بدست

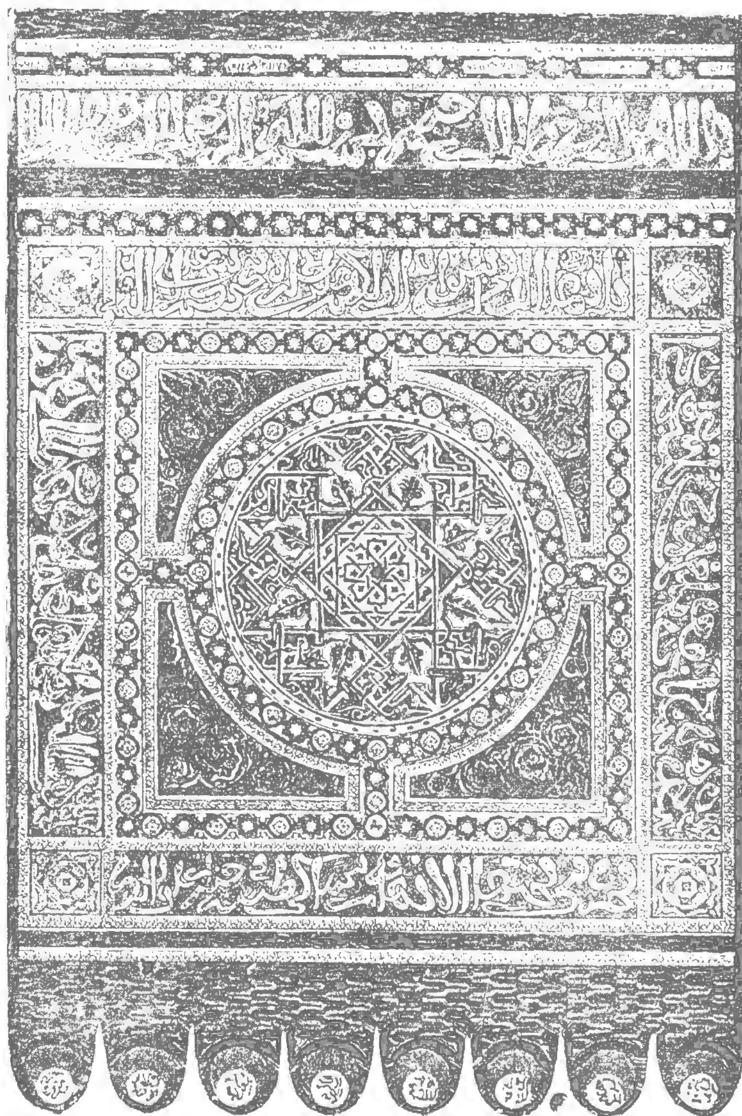


(محراب عمر در بیت المقدس)

یکنفر ایرانی میهن پرست بنام **فیروز** ملقب **به ابولؤلؤ** مجروح وبهمان زخم درگذشت.
بنای شهر کوفه وبصره ووضع تاریخ هجری را بعمر نسبت میدهند .

عثمان ـ بعد از عمر خلافت به عثمان که مردی سالخورده و بی کفایت بود رسید طرفداری این خلیفه از کسان و نزدیکان خود باعث شورش جمعی ازسرداران و بزرگان عرب گردید ودر نتیجه یاغیان درسال ۳۵ هجری درمدینه اوراکشتند . ازوقایع زمان اوفتح طرابلس و ارمنستان وبقیه متصرفات آسیائی روم است یزدگرد آخرین پادشاه ساسانی در زمان خلافت عثمان کشته شد وقسمتهائی ازایران بتصرف مسلمین درآمد.

خلافت علی ابن ابی طالب علیه السلام ـ جماعتی ازمسلمین پس از رحلت حضرت رسول علی (ع) رابحق دانسته عمر وعثمان را غاصب



(بیرق موحدین)

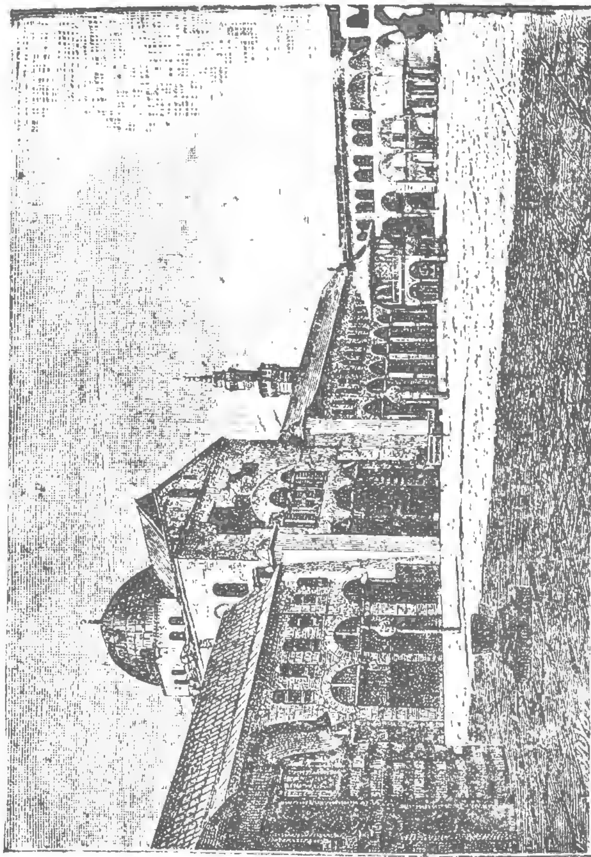
خلافت میدانستند و غیر از بنی امیه که بمناسبت خویشاوندی با عثمان صاحب ثروت و مقام شده بودند بقیه مسلمین که از سوء سیاست عثمان رنجیده

خاطر شده بودند بطرفداری علیع برخاسته اطراف آنحضرت را گرفته‌و با او بیعت کردند . معاویه که داعیه خلافت داشت مخالفان علی (ع) رادر شام جمع کرده بخونخواهی عثمان قیام کرد و علی (ع) راقاتل‌عثمان شمرد و آتش اختلافی راکه از پیش از اسلام‌بین دوخاندان بنی‌هاشم وبنی‌امیه مدتی رو بخاموشی میرفت از نو برافروخت .

جنك جمل - دوتن ازصحابه پیغمبر بنام طلحه و زبیر که داعیه خلافت داشتند دربصره علم طغیان بر افراشته و عایشه زن پیغمبر را هم با خود همداستان کردند علی (ع) کوفه را مرکز خود قرار داده و بعزم جنك با مدعیان متوجه بصره شد ودر جنگی که اتفاق افتاد **طلحه وزبیر** مقتول وعایشه اسیر گردید و چون عایشه در این جنك بر شتری‌سوار بود این نبرد بجنك جمل معروف شد .

جنك صفین - بعد از جنك جمل علی (ع) بمقابله‌لشکر معاویه رفت و در صفین (محلی بین عراق وشام) جنك درگرفت چون‌معاویه و عمرو عاص دیدندکـه نزدیك است قشون علـی (ع) غالب شود بحیـله جزوه‌های قرآن رابرسر نیزه کرده فریاد کردندکه ما تابع‌قرآن‌و برادریم علی (ع) خدعه دشمن رادریافت ولشکررا بجنك‌ترغیب کردولی‌سپاهیان بمتارکه راضی شده و علی (ع) را مجبور بتعیین حکم کردند و قرار شد از طرفین دوتن بحکمیت انتخاب شده وهرچه رأی دادندطرفین‌بپذیرند ازطرف لشکر علی (ع) مردی‌ساده‌لوح بنام **ابو موسی اشعری** وازجانب قشون معاویه عمروعاص که مردی زیرك وحیله‌کار بود انتخاب شد .

عمروعاص ابو موسی را فریب داد و ابوموسی در مجلس حکمیت علی را ازخلافت معزول کرد پس‌ازاوعمروعاص بخلاف قراری که گذاشته



(حیاط مسجد بزرگ دمشق)

بودند بخلافت معاویه رای دادگروهی از طرفداران علی چون از پیمان شکنی عمروعاص وحیله او واقف شدند از رای حکمین سرپیچی کرده بمخالفت برخاستند .

این جماعت که ازپیروی علی رو گـردان شده واطاعت امراورا نکردند بخوارج معروف شدند وچهارهزار تن ازخوارج در نهروان گرد آمدند علی(ع) باهمراهان خود بسرکوبی آنانان پرداخت وبا اینکه‌عده

زیادی از خوارج کشته شدند عقیده آنها از بین نرفت ودرعراق و مصرو ایران تامدت چند قرن بمخالفت باخلفا فتنه‌ها برانگیختندو عبدالرحمن معروف به‌ابن‌ملجم که یکی‌از خوارج نهروان‌بود در نوزده رمضان سال ۴۱ هجری درمسجدکوفه ضربت مهلکی بعلی(ع) - زدو آن حضرت پس از پنج سال خلافت بفاصله دوشب بعد از آن‌درگذشت.

خلافت حسن بن‌علی (ع) - بعد از شهادت حضرت علی (ع) مسلمین بخصوص مردم کوفه حسن بن علی‌را بخلافت اختیار نمودند و معاویه‌هم بپشتیبانی پیروان خود رسمابخلافت نشست . حسن‌بن‌علی (ع) که مردی ملایم و صلحجو بود پیشنهاد صلحیکه‌معاویه‌کرده بودپذیرفته و مقام خلافت را بمعاویه واگذار کرد و ازکوفه بمدینه آمده ودر آنجا مسموم گردید ومدت خلافت اونزدیك بشش ماه بود .

فصل چهارم- خلافت بنی امیه (از ۴۲ تا ۱۳۲ هجری)

معاویه حکمران شام جمعی ازمسلمین و بزرگان را بادادن مال وفشار دور خود جمع کردو خلافت‌را ازطایفه بنی هاشم بخانواده خود انتقال‌داد.این خلیفه مردی‌باتدبیر و پشت کاردار بودو برخلاف خلفای راشدین که بسیار ساده زندگی میکردند و از این حیث با سایر مردم فرقی نداشتند بتقلید سلاطین ایران



(سکه خلفای بنی‌امیه)

و امپراطور روم در باری باشکوه ترتیب داد .

معاویه بر **تونس** در شمال افریقا دست یافت وشهر **قیروان** را در جنوب آن سرزمین بساخت در زمـان او بسیاری از شهر های ایـران مانند هرات وکابل و غیره سر بشورش بر داشتند ولی از قیام خود نتیجه ای نبردند . معاویه خلافت راکه در زمان خلفای راشدین انتخابی بود در خانوادهخود موروثی کرد و پسرخودیزید رابولایتعهدی انتخاب نمود و از مردم برایاو بیعت گرفت وخوددرسن هفتاد دوسالگی در گذشت .

یزید ـ در زمان معاویه اهالی حجاز از بیعت به یزید خود داری کردند و در زمان او مردم کوفه بمخالفت برخاستند . یزید از بزرگان عرب بیعت خواست از میان آنها **حسین بن علی(ع) وعبدالله بن زبیر** امتناع کردند حسین بن علی (ع) بدعوت مردم کوفه از حجاز بعراق رفت یزید **عبیدالله بن زیاد** حاکم بصره را فرمان داد که از ورود او بکوفه جلوگیری کند ابن زیاد **عمر پسر سعد بن ابی وقاص** را بجلو گیـری امام حسین(ع) فرستاد . حضرت ناچار در **کربلا** فرود آمد و درجنك معروفی که دراین محل اتفاق افتادخود و هفتادودوتن ازفرزندان و نزدیکان و یارانش بشهادت رسیدند و خانواده او را باسارت بشام بردند (٦١ هجری) یزید برای دستیگری عبدالله بن زبیر عازم فتح مکه شد وکعبه را سنگباران وقسمتی از آنرا آتش زد .

یزید نزدیك به سه سال خلافت کرد ودر مدت خلافت کارهای زشت بسیار از او سرزد که از آن جمله واقعه کربلا وغارت مدینه وآتش زدن کعبه بود . یزید ستمکاری بسیار کرد و از فسق وفجور پرهیز نداشت آشکارا

شراب مینوشید و در نتیجه مسلمانان ازاو متنفرشده با عبدالله بن زبیر بیعت کردند یزیددرصدد سرکوبی او بود که‌در(٦٤هجری)درگذشت وفرزندش معاویه پس ازسه ماه‌خلافت‌مستعفی‌شدمعاویه ویزید و فرزند او راکه از اعقاب ابوسفیان بودند **آل سفیان** میگویند.



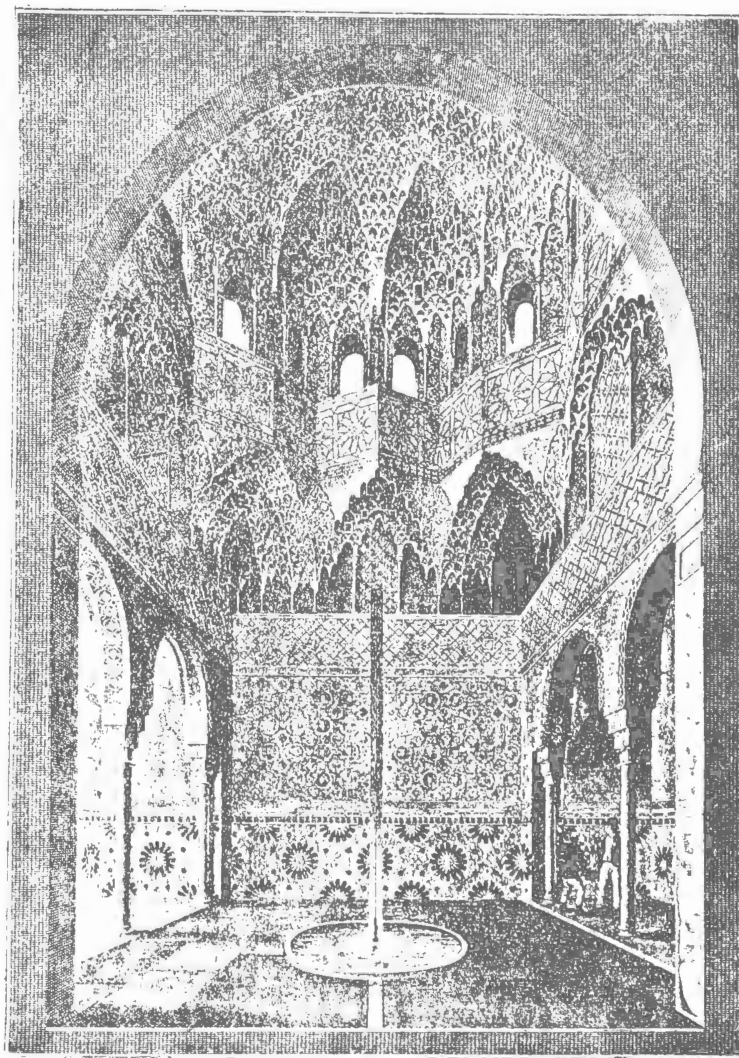
(سکه خلفای اولیه اسلام)

خلافت مروان - پس ازمعاویة بن‌یزید یکی از بزرگان بنی‌امیه بنام **مروان بن‌حکم** خلیفه شد و خاندان او را که شعبه دوم بنی امیه میدانند مروانیان گویند .

عبدالملك - عبدالملك پسرمروان یکی ازخلفای معروف‌بنی‌امیه است درابتدای خلافت عبدالملك مختارپسر ابو عبید ثقفی که ازبزرگان کوفه بود بخونخواهی امام حسین (ع) قیام‌کرد و ایرانیان عراق دور او جمع شده‌قاتلین امام حسین(ع) راهلاك کردند . مختاردرجنك با**مصعب** برادرعبدالله بن زبیر کشته شد .

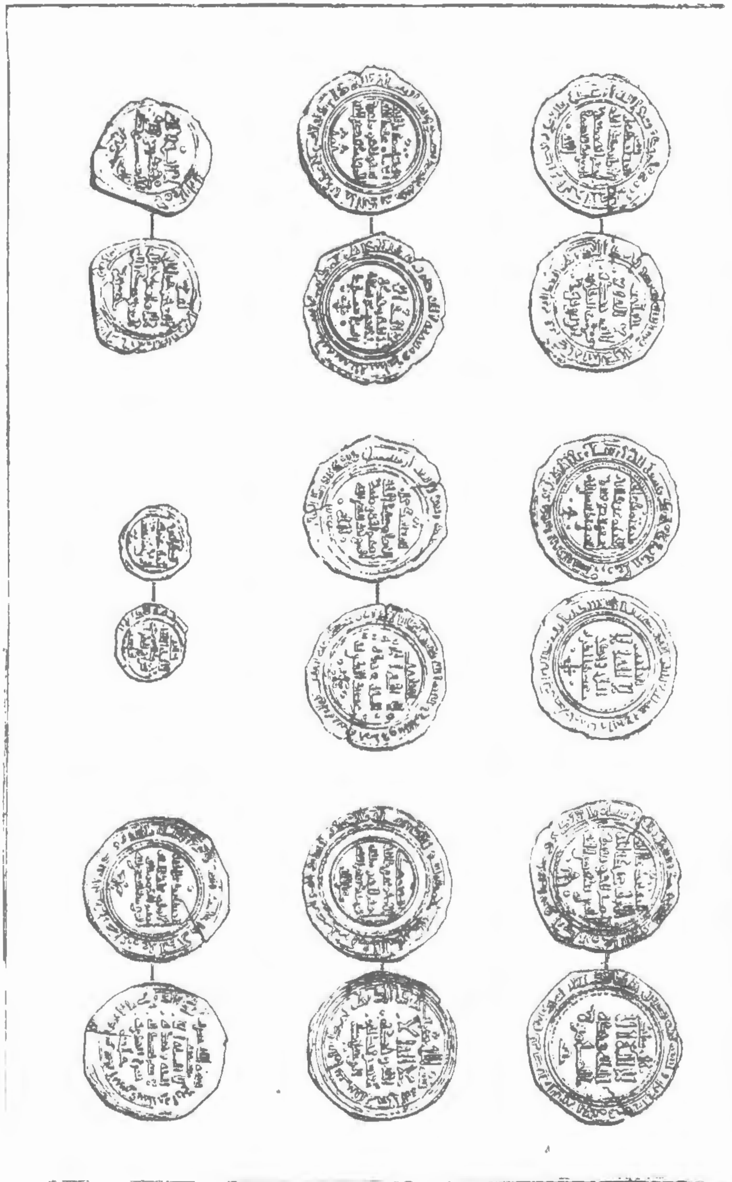
درزمان‌عبدالملك حجاج بن‌یوسف‌سردارسفاك عرب‌درمدت‌بیست سال حکمرانی خود در عراق ظلم وخونریزیهای بسیار نمود . عبدالملك فرمان دادکه دفاتر دیوانی را که بفارسی و یونانی و غیره نوشته میشد بزبان عربی‌بنویسند . این خلیفه درسال٨٦هجری‌مرد وپسرش**ولید** بجای

اونشست در زمان ولیدبن عبدالملك . موسی بن‌نصیر شمال افریقا را فتح کرد وطارق بن‌زیاد از تنگه بین‌اروپاوافریقاوارد اسپانیا گردید و



(طالار ابن سراج درقصر الحمراء اسپانیا)

ازاین زمان کوههای ساحل این تنگه **جبل الطارق** نامیده شد و بتدریج



(سکه های مسلمین اسپانیا)

مسلمین براسپانیامسلط شدند. چون اولین ایالت اسپانیا که بتصرف مسلمین درآمدو **اندا لوزی** [1] نام داشت اعراب این نام را معرب نموده . **آندلس** خواندند و بعدها تمام اسپانیارا باین اسم نامیدند .

بعد از مرگ ولید (۹۳هجری) **سلیمان** پسر عبدالملك جانشین او گردیدو بعد ازسلیمان که مردی بی کفایت بود پسرعمش **عمر بن عبد العزیز** که مردی پرهیزکار بود بجای او نشست این خلیفه باتقوی بعد از سه سال مسموم گردید و **یزید بن عبدالملك** خلیفه شد ودر زمان او بنیان دولت اموی در ایران وعراق سست گردید . بعد از یزید پسر دیگر عبدالملك **هشام** خلیفه شدودر زمان اوحدود ممالك اسلامی توسعه یافت .

درعهد این خلیفه پادشاه فرانسه **شارل مارتل** [2] ازاختلاف مسلمین برسرغنائم استفاده کرده در **پواتیه** [3] (جنوبی فرانسه) مسلمانان رامغلوب واز پیشرفت آنان در خاك فرانسه جلوگیری نمود . فتح پواتیه یکی از وقایع مهم تاریخ اروپاست .

فصل پنجم - خلفای بنی عباس

سخت گیری های بی مورد بنی امیه به مسلمانان غیر عرب واهانت و خواری بسیاری که نسبت باین مردم (که آنها راموالی یعنی بندگان میخواندند روا میداشتند ورفتار ناشایستی که باخاندان بنی هاشم میکردند باعث رنجش خاطر مسلمانان و مخصوصا ایرانیان که باسوابق درخشان تاریخی ازهرجهت برعرب برتری داشتند شدوایرانیان که انتقام رافرصت می جستند ازنفاق مسلمین استفاده کرده بیاری بنی هاشم قیام نمودند .

۱- Vandalouzi ۲- Charl-Martel ۳- Poitié



(مسجد ایا صوفیه درقسطنطنیه)

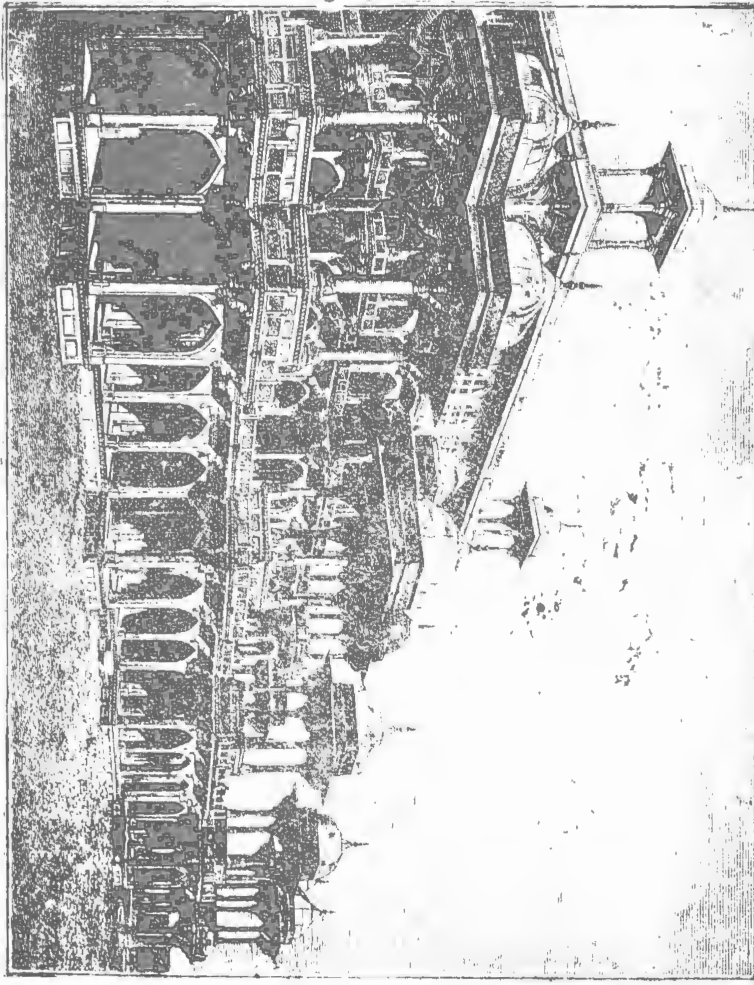
درزمان حشام بن عبد الملك **محمد بن‌علی** کـه از اعقاب عباس عموی پیغمبر(ص) بود دعوی امامت کرد . فرزندان او **ابراهیم و سفاح و منصور** همه در نهان بدعوت پرداخته و ابراهیم یکی از بزرك مردان باعزم ایرانی‌راکه ابو مسلم نام داشت برای مخالفت با امویان و دعوت بخلافت عباسیان بخراسان فرستاد ایرانیان که تحمل‌آن همه خواری و اهانت را از طرف بنی امیه نداشته و عظمت دولت ساسانی را از یـاد نبرده بودند به ابومسلم روی‌آورده وباآن سردار بزرك ازخراسان‌بعراق رفتند وسفاح رابرمسند خلافت‌نشاندند . مروان ملقب به**حمار**درجنگی کـه در کنار رود **زاب** (از شعبات دجله) اتفاق افتاد مغلوب و فراری شدودرخاك مصربهلاکت رسید . ابومسلم مظفرانه‌وارد دمشق شدوبساط

خلافت نود ساله امویان را برچید .

سفاح و منصور - سفاح که از اعقاب عباس عموی پیغمبر بود بیش ازچهارسال خلافت نکرد وپس ازمرك او(۱۳۶هجری) برادرش **منصور دوانیقی** بجای‌او نشست وسراسرقلمرودولت اسلامی بجزاسپانیاکه‌بدست شعبه ای از امویان باقی ماند بقیه بـاو تعلق گرفت . منصور بغداد را در شمال مدائن بساخت آنرا مرکز خلافت خود قرار داد و برای بنای شهردستورداد که مدائن‌را ویران کنند وآجرهای آنرا دربنای بغدادبکار برند .

ازکارهای‌زشت منصورکشتن **ابومسلم و ابن مقفع** دانشمندایرانی وآزاروسخت‌گیری های بیمورد نسبت بخاندان علی (ع) بود . درزمان منصورایرانیان‌قدرت‌یافته‌ودردستگاه‌خلافت نفوذکردندو بمناسبت‌نزدیکی بغداد بمرز ایران بسیاری ازآداب ورسوم وعلوم وفنون ایرانی دربغداد رواج گرفت .

هارون‌الرشید - منصوردرسال (۱۵۸هجری)درگذشت وپس‌ازاو پسرش **مهدی** و بعد **هادی** خلافت کردند بعد از مهدی**هارون الرشید** بخلافت نشست هارون معروفترین وبزرگترین خلیفه عباسی است و در زمان‌اوخلافت عباسیان شوکت واعتبار بسیاریافت وکشور های اسلامی‌رو بآبادی رفت وعلم وهنررواج گرفت . وزارت هارون **با یحیی برمکی** بود برامکه اولادان برماك نامی‌بودندکه مؤبدآتشکده بلخ بود . پسراوخالد بدست ابو مسلم مسلمان شده و بوزارت سفاح رسید یحیی پسر خالد و فرزندان او**فضل وجعفر** دردربارهارون‌صاحب‌قدرت ونفوذکلی‌شده **اداره** امورکشوررا دراختیارخود گرفتند ودربارهارون را شبیه بدربارساسانیان



(مقبره یکی از بزرگان مسلمین در اسکندریه)

کردند . برامکه مردمانی اصیل و بخشنده و ایران دوست بودند و دست حکام عرب را از کارها کوتاه کرده ایرانیان را بمشاغل بزرگ گماشتند و در بسط و پیشرفت فرهنگ ایران کوشش فراوان نمودند و با بخشش و

رعایت حال زیر دستان بقدری مورد محبت مردم وصاحب اقتدار و نفوذ شدند که وجود آنها باعث وحشت خلفای عباسی گردید .
هارون نسبت بآل علی(ع)ظلم بسیار رواداشت وامام موسی کاظم (ع)رادر زندان بغداد شهید کردوخود درسفری که برای خواباندن شورش خراسان نمود درسال)۱۹۳هجری)درطوس درگذشت .

مأمون – هارون امین را که از زوجه عرب خود زبیده بود ولیعهد قرار داد و پسر کوچك خود مأمون را که مادرش ایرانی بود بولیعهدی امین انتخاب کرد . امین پس از دو سال پسر خود موسی را بجانشینی بر گزید و مأمون را که در خراسان اقامت داشت به بغداد طلبید . مأمون از اطاعت امین سر پیچید و بیاری ایرانیان خود راخلیفه خواند و چون اعراب طرفدار امین بودند ایرانی ها که از عرب کینه دیرینه در دل داشتند **طاهر بن حسین** را با لشکری گران بجلو گیری **علی بن عیسی بن ماهان** سردار امین که عازم خراسان بود روانه کردند طاهر که او را ذوالیمینین هم خوانده اند در اطراف ری سردار امین را مقتول و سپس به بغداد تاخته امین را سر برید وسر او را مانند سردارش علی بن عیسی بخدمت مأمون فرستاد (۱۹۸هجری) ماموون پس ازشش سال طاهر راحکومت خراسان داده وخود به بغداد رفت و بر کرسی خلافت بر آمد چون طاهر دانست که مأمون گرچه اورا ظاهراً مورد نوازش قرار داد استباطناً از قاتل برادرخود بیمناك میباشد درخراسان دعوی سلطنت کرد و اگر چه یك روز بیشتر سلطنت او دوام نیافت و بدست غلام خود کشته شد لیکن سلسله نیمه مستقل طاهریان را در خراسان تأسیس کرد و

نیشابور را پایتخت خویش قرار داد .

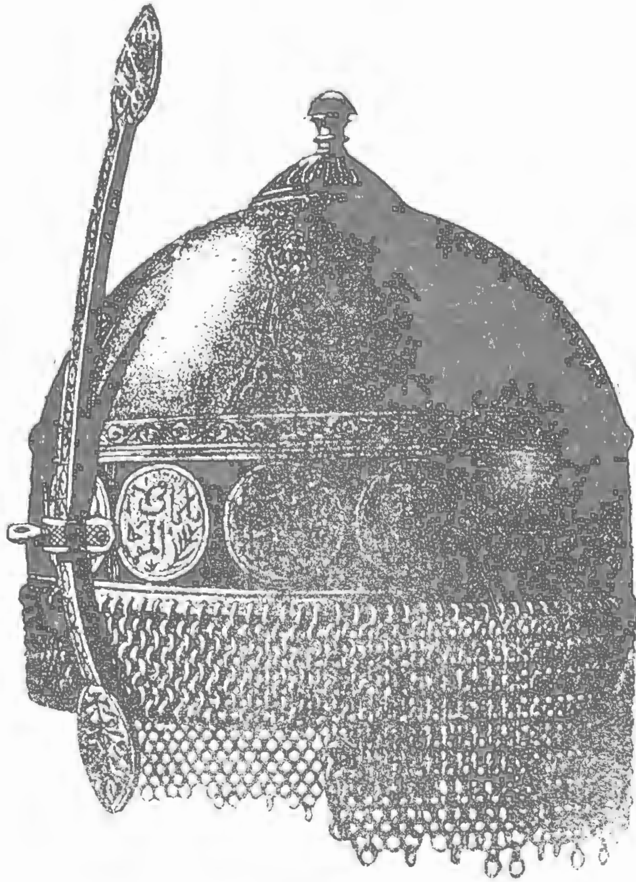
مأمون که مادرش ایرانی وخود را از علویان جدا نمیدانست ودر میان ایرانیان پرورش یافته بود بکمك ایرانیان که طرفدار آل‌علی(ع) بودند بر برادر غلبه کرد و به تشویق وزیرخودر **فضل بن سهل سرخسی** امام هشم شیعان **علی بن موسی الرضا** (ع) را از مدینه بخراسان خوانده ولیعهد خویش قرار داد و برای جلب حمایت علویان وایرانیان لباس سیاه راکه شعار آل‌عباس بود بلباس سبز که‌شعارخاندان علی(ع)بود مبدل‌ساخت لیکن‌مامون بزودی ازترس خاندان عباس که‌ازحرکات او راضی نبودند تغییر عقیده داده وزیرخود را مقتول وامام هشتم را مسموم نمود ومرکز خلافت خود را از خراسان به بغداد انتقال دادوچون از ایمان‌مردم‌ایران نسبست بآل علی (ع) وحشت داشت برادر فضل را که حسن نام داشت بوزارت خود برگزید ودختر او را بزنی گرفت این خاندان ایرانی که طالب‌عظمت ایران‌بودند مانندبرامکه به‌همین‌خود خدمات فراوان کردند.

مأمون به تشویق پسران سهل بجمع آوری دانشمندان پرداخت وبغداددر زمان اویکی ازمراکز بزرك علمی اسلامی گردیدوکتب بسیار از یونان و ایران وروم بزبان عربی برگردانده شد خود در محضرعلماء حاضر میشد و چون از دانش بی بهره نبود با آنها بگفتگوهی پرداخت ودر نتیجه بغداد مرکز علم و ادب و در زمان او بزرگترین مهد تمدن اسلامی گردید.

المعتصم بالله-مأمون در سال ۲۱۵ هجری درگذشت و برادرش معتصم که‌جوانی هیجده ساله بود بخلافت‌نشست.

دراواخر ایام‌عهدمأمون‌نفوذ ایرانی‌هادر کارهازیادوقدرت‌اعراب کم

شده بود بهمین جهت خلفا برای نگاهبانی خود بایرانیها وعربها اطمینان نکرده کارهای بزرگ‌را به‌غلامان‌ترک سپردند . و بواسطه قدرتیکه‌ترکها در دستگاه بنی عباس یافتند‌خلیفه ازترس ایشان اقامت در بغداد راجایز ندانسته شهر **سامره** را در شمال بغداد ساخته مرکز خلافت قرارداد.



(کلاه خود یکی‌ازشاهزادگان عرب‌مصری)

درعهد مامون سردار معروف‌ترک‌او **افشین** بربابك **خرمی** که‌اصلا از مردم زنجان ومدت بیست سال‌بدشمنی عرب‌قیام کرده بود و مردم را

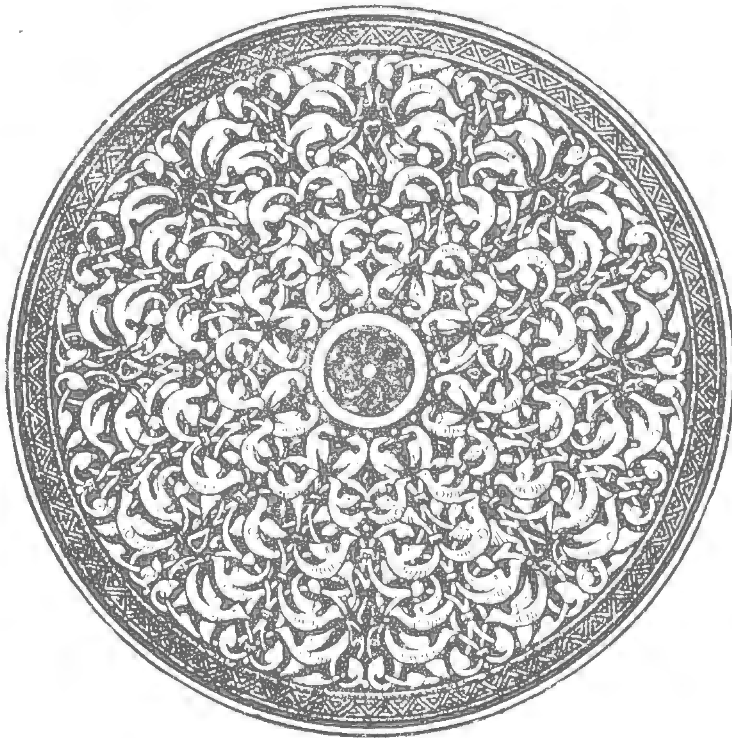
بکیش جدید(شبیه بآئین مزدك)دعوت میکرد غلبه‌نمود . نفوذ وقدرت ترکان‌وعدم اطمینان خلیفه بر ایرانیان‌وعرب باعث اختلال و ضعف دولت عباسیان گردید چنانکه بعد از معتصم جز بین‌النهرین محلی برای خلفا باقی نماندو کشور های اسلامی‌تجزیه شدو ایرانیان دعوی استقلال کردند وچون‌بانفوذ ترکان‌دیگرقدرتی‌برای خلیفه‌باقی نمانده بودپادشاهان‌ایران دوست **آل بویه** ازضعف‌دستگاه خلافت‌استفاده کرده دارالخلافه‌راتسخیر وخلفا را دست نشانده خود کردند .

بعد ازمعتصم‌سی نفر بخلافت رسیدند وباوجود ناتوانی سیاسی و نظامی از لحاظ دینی مورد توجه واحترام مسلمین بودند و آخرین آنها **المستعصم بالله** است که‌در سال ٦٥٦ هجری بدست **هلاکو خان** مغول مقتول و بساط پانصد ساله آل‌عباس‌برچیده شد.

فرهنگ و تمدن اسلامی

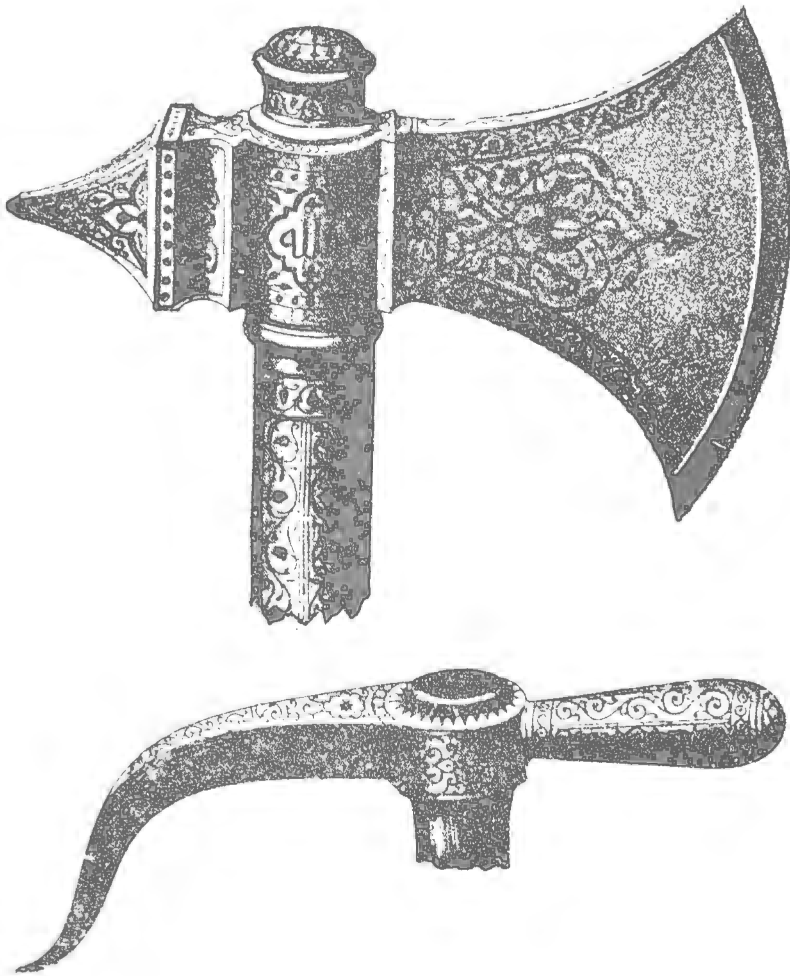
بایددانست که‌پیش‌ازظهوراسلام اعراب که‌مردمی‌جنگجوو راهزن بودند از تمدن ملل مجاور خود (مصر ـ ایران ـ روم)بهره ای‌نبردەوجز شعر وشاعری هنری نداشتند .

ظهور اسلام بسیاری ازعادات زشت اعراب را از بین بردومسلیمن ازجمله ایرانیها بتمدن اسلام خدمات گرانبها کردند وچون خلفای اولیه مسلمین پس ازخلفای راشدین خواستنددستگاه خلافت را مانند دربار ایران وروم ترتیب دهند ناگزیر از راهنمائی ایرانیان متمدن شدند و تا زمان‌**عبد الملك** بن **مروان** دیوانهاودفاتردرباری بپارسی نوشته میشد وسکه ها ایرانی بود بنی عباس بتقلید شاهان ساسانی دربار ی با شکوه



(یکدوری مسی ساخت مسلمین)

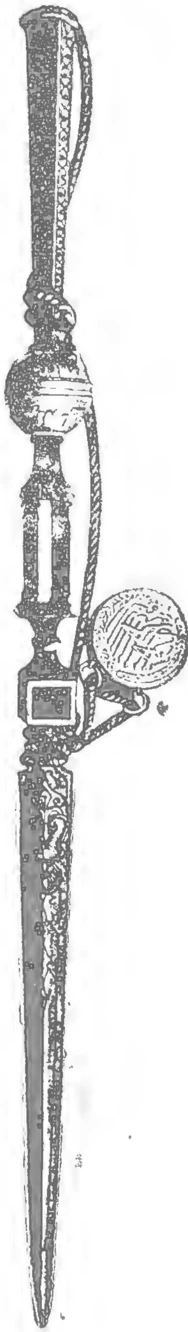
ترتیب داده آداب ورسوم ایرانیان راپذیرفتند ووزرائی برای خود ازمیان مردم کاردان ایران انتخاب نمودند (برامکه و آل سهل وغیره) وچون کارهای دیوانی وامورودولتی راایرانیان که سابقه تمدن درخشانی داشتند اداره میکردند از اینرو درتمدن اسلامی سهم بسزائی داشته اند ایرانیها بسیاری از کتب علمی وادبی وتاریخی خود رابزبان عربی ترجمه کرده واز این راه برمعلومات مسلمین افزودند ودانشمندان اسلامی که بیشترایرانی بودند ودرعلوم پزشکی وتاریخ وجغرافیا وفلسفه وریاضی وهیئت وادبیات



(تبرزین های یکی از شاهزادگان مصری)

دانشمندان بنامی داشته‌اند در ایجاد و توسعه تمدن اسلامی بسیار مؤثر گردیدند وپس از آنکه کتب اسلامی بزبان لاتینی ترجمه شد اساس دانش و فرهنك اروپا درقرون وسطی گردید چنانکه کتاب قانون **ابوعلی سینا** که درعلم پزشکی بود تا این اواخر درآموزشگاههای اروپا تدریس میشد و بیشتر

نویسندیگان صرف و نحو لغت عرب ایرانی بوده اندکه چون کتب خود را بعربی نوشته‌اند آثار آنها را جزو تمدن عرب محسوب میدارند ودرحقیقت شرح تمدن اسلامی رابایدبخشی‌از تاریخ تمدن ایران‌دانست .



(زوبین یکی از شاهزادگان مصری)←

قسمت سوم

فصل اول - تجزیه دولت عرب و شروع استقلال ایران

در عهد هارون الرشید اهمیت وعظمت دولت بنی‌عباس بمنتهای قدرت وعظمت رسید وازشروع خلافت **متوکل** روبضعف رفت وایرانیها اززمانیکه ترکها در دستگاه خلافت صاحب اختیار گردیدند موقع را برای رهائی از زیر باراستیلای عرب مناسب دیده علم استقلال برافراشتند وبتدریج نواحی مختلف ایران را ازقلمرو نفوذ بنی عباس خارج کردند ایرانیها درقیام برعلیه حکومت عرب وبیرون آوردن ایران‌اززیر تسلط خلفا بر سایرین پیش قدم‌بوده وتاتوانستند در نگهداری آداب و رسوم وملیت وزبان خود کوشیدند ودرپرتو همین کوشش روح ملی‌خودراحفظ کرده وبرخلاف‌سایر ملل‌مغلوبه که محکوم‌زبان ورسوم‌مسلمین گردیدند ایرانی‌های‌بعد ازاسلام‌دارای آداب‌ورسوم وزبان خاصی شدند که با عرب تفاوت بسیار داشت .

طاهریان «۲۰۵ تا ۲۵۹ هجری»

مامون پس ازغلبه برامین طاهر ذوالیمینین را چنان که در

پیش گفتیم درسال ۲۰۵ هجری بحکومت خراسان فرستاد او بعد از یك سال نام مامون را ازخطبه انداخته ادعای استقلال کرد و پس از یکروز بدست غلام خود کشته شد .

طلحه وعبدالله – بعد ازطاهر یکی ازپسرانش طلحه وپس ازاو پسر دیگرش عبدالله بحکومت رسید از وقایع زمان عبدالله جنك با **بابکیان** و **مازیار بن قارن** حکمران طبرستان بود عبدالله مردی عاقل و مدبر بودو بسال ۲۳۰ هجری در گذشت .

بعد ازعبدالله پسرش **طاهر** و بعد ازاو فرزندش **محمد** که مردی عیاش وشراب‌خوار بود بحکومت رسید ودرزمان او **حسن بن زید علوی** به پیشوائی مردم طبرستان برخست وطبرستان و گرگان رابگرفت محمد بدست یعقوب لیث صفاری که ازسیستان قیام کرده بوداسیر شد وحکومت طاهریان در ۲۵۹ هجری باگرفتاری او خاتمه یافت .

اهمیت طاهریان ـ ظهور طاهریان از نظر تاریخ ایران اهمیت بسیار دارد زیرا ایرانیها پس ازدویست سال اطاعت از حکومت عرب بنیان دولت ملی ایرانی را بنا نهادند مرکز حکومت طاهریان شهر نیشابور بود .

درآذربایجان وارمنستان یکی ازخانواده های ایرانی نیزدر برابر حکومت عرب قیام کرده بیرق استقلال بر افراشت اولین فرد این خاندان **ابوساج** نام داشت بهمین جهت بدودمان ساجیان آذربایجان معروف شدند .

فصل دوم - صفاریان ۲۵۳ - ۲۹۱ هجری

یعقوب - درسال ۲۳۲ هجری در سیستان شخصی بنام **صالح** بر خلیفه قیام کرد و از جمله دلاورانی که درمیان سپاهیان او بود و در عالم مردانگی نظیر نداشت یعقوب پسر لیث رویگر است که مدتی عیاری پیشه کرد و یارانی جمع نمود و خیالات بلندی در سر داشت پدر یعقوب رویگر بود بهمین مناسبت خود او را صفار و فرزندانش به صفاریان معروف شده‌اند . یعقوب که مردی میهن پرست و جوانمرد و بخشنده بود بزودی سیستان و افغانستان را تصرف کرده بر نیشابور مسلط شد و دولت طاهریان را برانداخت و پس از تسخیر فارس وخوزستان برای بیرون بردن ایران از زیر بار نفوذ خلفای عباسی به بغداد لشکر کشید **معتمد** خلیفه عباسی برادر خود **موفق** را بجلوگیری او فرستاد . دو لشکر در حدود قصر شیرین بایکدیگر روبرو شدند سپاهیان عرب بواسطه راندن آب درمیان لشکر ایران باعث پراکندگی آنها شده یعقوب ناگزیر بخوزستان عقب نشست و پیغام‌های محبت آمیز خلیفه را بچیزی نشمرد و در خوزستان بجمع آوری سپاه پرداخت تا انتقام خود را از خلیفه بگیرد ولی از بدبختی ایران بیمار شد و درسال ۲۶۵ هجری در جندی‌شاپور در گذشت . یعقوب نخستین پادشاه مقتدر ایرانست که بر قسمت عمده ولایات ایران مسلط شده و بقصد رهائی ایران و سرنگون کردن کاخ فرمانروائی عرب ببغداد تاخته است .

عمرو لیث - عمرو پس از برادر باخلیفه صلح کرد و از طرف وی امارت خراسان . سیستان . فارس و کرمان باو واگذار شد . عمرو حاکم عرب نیشابور را که **رافع** نام داشت براند و باعث تشویش **معتضد** خلیفه

عباسی گردید خلیفه حیله ای اندیشید باین معنی که **اسمعیل سامانی** را از یکطرف بر ضد عمرو برانگیخت و از سوی دیگر فرمان حکومت خراسان را برای عمرو فرستاده و او را مامور جنگ با اسماعیل کرد در نتیجه بین عمرو و اسماعیل جنگ در گرفت و عمرو بدست اسماعیل اسیر گردید اسماعیل او را به بغداد فرستاد و امیر سیستانی بعد از دو سال در حبس خلیفه در گذشت.

عمرولیث مانند برادر مردی ایران دوست و دلیر و با سیاست و همت بود این فرمانده بنام، درباری ترتیب داد که از حیث شکوه بدربار شاهان ساسانی بی شباهت نبود. ثروت و شکوه دربار و آبادی و امنیت و لشکر ایران در زمان او اشتهار زیادی داشته است.

چون فرزند عمرو در زمان پدر در گذشت نوه‌اش طاهر جای او را گرفت و چند سالی درفارس و سیستان حکومت کرد و پس از او تنها کسی که از این خاندان معروف است **خلف ابن احمد صفاری** می‌باشد که چند بار باسلطان محمود غزنوی جنگ کرده است خلف مردی دانشمند و علم دوست بود و علماء و دانشمندان را گرامی داشته و شعرا او را مدح کرده اند. مرکز صفاریان **زرنج** یکی از شهرهای قدیمی سیستان بوده‌است.

اهمیت صفاریان — صفاریان از نظر توجهی که بزبان و آداب ملی خود داشتند در تاریخ ایران اهمیت شایانی دارند. زبان فارسی در زمان آنها رونق گرفت. خطبه را که تا آن زمان بعربی میخواندند بدستور یعقوب بفارسی ترجمه و از آن پس باین زبان خوانده شد و **محمد بن وصیف** شاعر فارسی زبان دربار او بود یعقوب شعرای ایران را بگفتن شعر فارسی تشویق میکرد و گفته اند که محمد بن وصیف اول شاعر ایرانی است که بزبان فارسی شعر سروده است جانشینان یعقوب هم از هر جهت به آبادی و عظمت ایران افزودند و در زمان این سلسله ایرانیان بزنده کردن

زبان وتاریخ و آداب ومراسم ملی خود کوشش فراوان کرده‌اند .

فصل سوم سامانیان (۲۷۹ - ۳۸۹ هجری)

سامانیان از اولادان شخصی بودند بنام **سامان** ومورخین نسب این خاندان را به بهرام چوبینه سردار خسرو پرویز میرسانند .

سامان در ماوراء النهر بساربانی سر میکرد و چون مانند یعقوب همتی بلند داشت و خیالات عالی در سر میپروراند عیاری پیشه کرد و صاحب قدرت و نفوذ شد . اسد پسر سامان باچهار فرزند خود (نوح - احمد — الیاس - یحیی) درخراسان مورد توجه مامون قرار گرفته و به حکومت بلاد خراسان منصوب شدند ودر زمان طاهر ذوالیمینین نیز بحکومت باقی ماندند .

نصر و اسمعیل احمد پسر خود نصر را بحکومت سمرقند گماشت و او از طرف خلیفه فرمانروای کلیه ماوراءالنهر شد وحکومت بخارا را به برادر خویش اسماعیل واگذاشت . چون **رافع بن هرثمه** در خراسان خروج کرد و با اسماعیل طرح دوستی ریخت . بداندیشان به نصر گفتند که اسماعیل خیال دارد بکمك رافع ترا بردارد ودر ماوراء النهر مستقل گردد . نصر درنتیجه این سعایت بجنگ با اسماعیل پرداخت واسیر شد. اسمعیل برادر را به بخارا آورده احترام تمام کرد واورا بعزت بسمرقند فرستاد وخود به نیابت اودر بخارا باقی ماند تا در سال ۲۷۹ هجری نصر در گذشت و اسماعیل در ماوراءالنهر مستقل گردید .

اسماعیل سامانی - اسماعیل درماوراءالنهر از تجاوز ترکان بخوبی جلو گیری کرد و بر عمرولیث غلبه نمود و بفرمان خلیفه بحکومت ماوراء

النهروخراسان وسیستان وری و گرگان و طبرستان منصوب شد وحدود دولت خود را تا قسمت بزرگی‌ازعراق عجم بسط داد . وفات اودر۲۹۵ هجری اتفاق افتاد .

اسمعیل امیری شجاع وجوانمرد وپرهیز کاربود و درباب عدالت‌و پرهیز کاری اوداستانها گفته اند .وزیراو **ابوالفضل بلعمی** مردی دانشمند وشاعرپرور بوده است .

احمد و نصر – پس از اسماعیل پسرش **احمد** بحکومت رسید و چون درسال ۳۰۱ هجری شبانه بدست غلامان خود کشته شد امیر شهید لقب یافت . بعد ازقتل او پسرش نصراول که بیش از هشت سال نداشت بامارت انتخاب شد .

نصربن احمد سی‌سال حکومت کرد ودر این مدت بیشتر بنشرعلم وادب وتشویق دانشمندان وشعرا پرداخت ونام نیکی از خود بیادگار گذاشت و بعد ازاسماعیل مشهورترین فردخاندان سامانی است . درابتدا وزارت اوبا ابوالفضل بلعمی بود و بدستور این وزیر کتاب کلیله و دمنه از عربی بفارسی ترجمه شد ورودکی شاعر آنرا به شعر درآورد دیگر از وزراء او **ابوعبدالله محمدجیهانی** است که مردی فاضل ودانش‌پرور بوده است .

نوح اول ـ عبدالملك اول ـ منصور اول

بعد ازنصرپسرش **نوح** وپس از اوفرزندش **عبدالملك** بجای پدر نشست . عبدالملك دراواخر پادشاهی حکومت وسپهسالاری خراسان را **بآلپ تکین** سپردواو بعدهاسلسله‌غزنوی‌راتأسیس کردوچون درهنگام گوی بازی‌ازاسب‌بزمین‌افتاده‌جان‌سپرد برادرش‌منصوراول‌دربخارا بپادشاهی‌نشست.

آلپ تکین ازپادشاهی منصور راضی نبود و اورا نظر بکمی سن لایق پادشاهی نمیدانست ازاین رو منصور نسبت به آلپ تکین کدورت پیداکرده اورابه بخارا خواست آلپ تکین اطاعت نکرد وباقشون منصور بجنك پرداخت وپس از غلبه برمنصور بافغانستان رفت وغزنین را مرکز خود قرارداد .

نوح بن منصور

نوح دوم پسرمنصور که یکی از امرای مشهور سامانی است **عتبی** راکه جوانیدانشمندوکاردان بود بوزارت انتخاب کرد چون **ابوالحسن سیمجور** سپهسالاراردوی خراسان با این انتخاب مخالفت نمود بتحریك عتبیمعزول وکشته‌شد وبجای‌او **ابوالعباس تاش** (ملقب‌به‌حسام‌الدوله) سپهسالارار دوی خراسان گردید . چیزی نگذشت که ابوالحسن سیمجور پسر**ابوعلی سیمجور** که به سپهسالاری خراسان رسیده بود ازفرمان‌نوح سرپیچید . امیرنوح از**سبکتکین** جانشین وداماد آلپ تکین کمك خواست وبیاری او ابوعلی را مغلوب کرد. امیر نوح سبکتکین را مورد محبت قرارداده به پسرش محمود **سیف الدوله** لقب بخشید .

امیرنوح مردی ضعیف النفس و بی اراده بود ودرعهد او بواسطه اختلاف بین سرداران وبزرگان ضعف دولت سامانی شروع گردید .

منصوردوم وعبدالملك دوم

در زمان جانشین نوح **منصور** محمود پسر سبکتکین در غزنین

وخراسان قدرت یافت و پس از منصور دوم برادرش عبدالملك دوم بپادشاهی رسید و چون دولت سامانی بسیار ضعیف شده بود **ایلك خان** پادشاه ترکستان بخارا را تصرف کرده عبدالملك را محبوس و سلسله سامانی را منقرض نمود (۳۸۹ هجری)

سامانیان نه نفر بودند که نام آنها در این شعر ذکر شده است.

نه تن بودند ز آل سامان مشهور هریك بامارت خراسان مامور
اسماعیلی و احمدی و نصری دو نوح و دو عبدالملك و دو منصور

اهمیت سامانیان - سامانیان از آن نظر در تاریخ ایران اهمیت دارند که به تکمیل کاری که طاهریان وصفاریان شروع کرده بودند پرداختند و با اینکه ظاهرا اطاعت از خلفای عباسی داشتند لحظه‌ای از آبادی و ترقی واحیای رسوم و آداب ملی ورونق زبان فارسی غافل ننشستند و در بیرون بردن ایران از زیر نفوذ عرب کوشش بسیار کردند. سامانیان بکمك وزرای دانشمند خود مانند ابوعبدالله جیهانی وابوالفضل بلعمی وفرزندش ابوعلی بلعمی وسایر دانشمندان ایرانی بزنده کردن تاریخ و ملیت ایران و زبان فارسی بوسیله نظم و نثر همت گماشتند و پایه فرهنگ وتمدن وادبیات ایران بعد از اسلام را استوار ساختند.

فصل چهارم - دیالمه آل زیاد آل بویه

دیلم قسمتی از نواحی کوهستانی گیلان امروزی را شامل بوده و رشته کوه البرز این ناحیه را از عراق جدا میکرد اصولا مردم گیلان و مازندران را بواسطه روح جنك آوری در پناه کوههای البرز و جنگهای انبوح وباطلاقهای کوچك و بزرك فراوان پس از انقراض سلسله ساسانی

مدتها در برابر حملات لشکر اسلام پایداری کرده و بهمان کیش اجدادی خویش یعنی زردشتی باقی ماندند ومسلمین نتوانستند بر تمام آن‌نواحی دست یابند . دیلم‌نظر بکوهستانی بودن پناهگاه خوبی برای سرکشان واولادان علی (ع) ومخالفین‌خلفای عباسی شد ودیالمه‌امراء وپادشاهانی بودندکه از این سرزمین برخاسته بر خلفاشوریده‌اند وشامل دو سلسله میباشند : آل‌زیار – آل‌بویه

در زمان خلفای **اموی‌وعباسی** آل علی (ع) از جور خلفا بایران پناهنده شده بیشتر در مازندران وگیلان سکونت اختیار کرده‌ومردم را بمذهب شیعه دعوت کردندکه‌بعضی از آنهابواسطه جنگهائی که‌باسامانیان کرده ودر قسمت های مختلفه مازندران نفوذ و شهرت و حکومت یافته اند بعلویان معروف میباشند و دین شیعه را در سواحل دریای خزر رواج دادند .

یکی از علویان ساکن‌**ری**بنام **حسن بن‌زید علوی** ملقب **بداعی کبیر** بدعوت مردم طبرستان ودیلم ازری‌بمازندران رفت ووسلسله‌علویان را درطبرستان‌تشکیل داد.

آل‌زیار – یکی ازبزرگان معروف دیلم **اسفار پسر شیرویه** است که ابتدا با **ماکان کاکی** جزو سرداران علویان بودند اسفار (اسوار) برگرگان و طبرستان و ری استیلا یافت و یکی از سرداران او بنام **مرداویج‌ابن زیار** بتدریج قدرت یافته سلسله **زیاری** را تشکیل‌داد و اصفهان را پایتخت خویش قرار داد .

مرداویج مانند یعقوب لیث علاقه فراوان باستقلال ایران و ملیت ایرانی داشت و مایل بودکه با تصرف بغداد و انقراض دولت عرب‌ایران را باستقلال کامل‌برساند . مرداویج درزمانیکه‌عازم‌تصرف‌بغداد بود بدست

سپاهیان ترك خود دراصفهان بقتل رسید .

بعداز مرداویج برادرش **شمس المعالی قابوس وشمگیر** مدتی در طبرستان و گرگان حکومت نمود واو بزرگترین امیر خاندان زیاریست مردی عالم وکریم وجوانمرد وهنرمند بوددربار او مجمع فضلا و شعرا بوده و **ابو ریحان بیرونی** کتاب **آثار الباقیه** خودرابنام او نوشته است این پادشاه درسال ۴۰۳ هجری بقتل رسید ومقبره اودر گرگان بگنبد قابوس مشهوراست پس ازاودو پسرش **بیستون و قابوس** مدتی حکومت کردند.

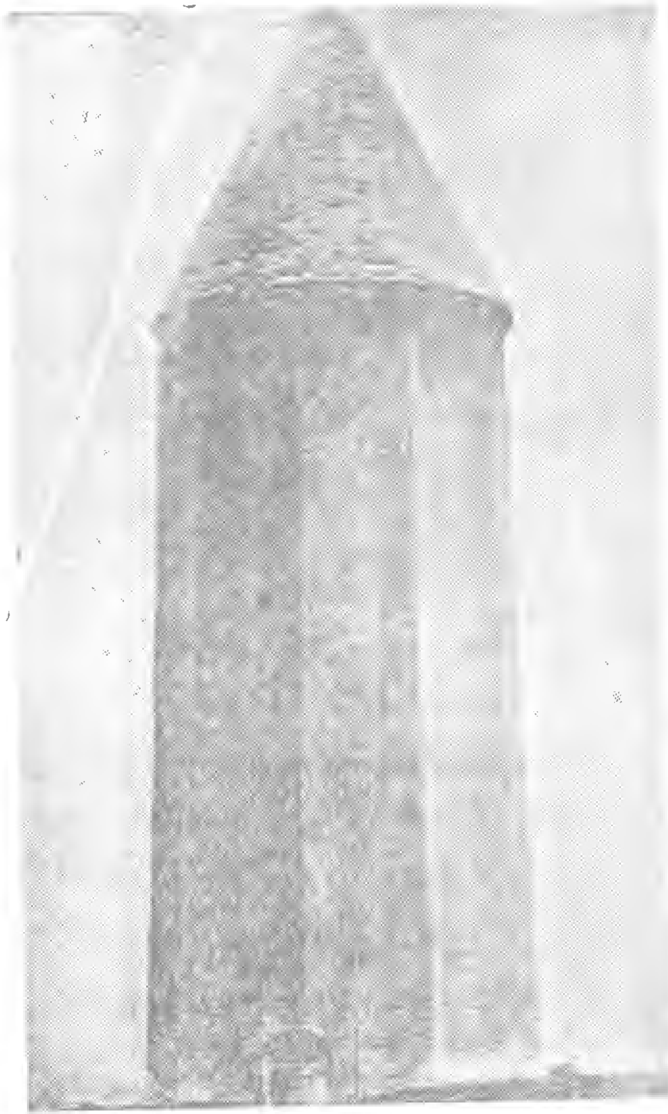
بعدازقابوس پسراو **فلك المعالی منوچهر** بحکومت رسیدومنوچهری شاعر معروف تخلص خود راازنام وی گرفته است . مدت حکومت این خاندانرا از۳۱۶ تا ۴۷۰ هجری نوشته اند .

آل بویه

علی - حسن واحمد . پسران ماهیگیری بودند بنام **ابوشجاع بویه** که ابتداء درخدمت ماکان کاکی سرداردیلمی بوده و بعدها بخدمت مرداویج درآمده وعلی از طرف این پادشاه بحکومت کرج (شهری بوده میان همدان واصفهان)منصوب شدو بتدریج اهمیت واعتبار یافته فارس وخوزستان رابتصرف آورد وفارس رامرکز حکومت خویش قرار داد وسلسله **دیالمه** را تشکیل داد احمدبفرمان برادر بزرك خودکرمان و خوزستان راتصرف کرده عازم بغداد شد ودر سال ۳۳۴ هجری بر خلیفه **المستکفی** دست یافته وپس ازمدتی اورا معزول و کورکرد خلیفه از راه تملق علی را **عماد الدوله** وحسن را **رکن الدوله** واحمدرا **معزالدوله** لقب داد .

عضدالدوله — علی عمادالدوله چون پسر نداشت عضدالدوله فرزند

رکن‌الدوله را جانشین خویش قرارداد واو بعدازمرك عمادالدوله بكمك



(گنبد قابوس)

پدر **خود** فارس و کرمان را مطیع نمود و رکن الدوله کشور خود را بین پسران خویش **عضدالدوله و فخرالدوله ومؤیدالدوله** تقسیم کرد . عضدالدوله فارس و کرمان را بارث برد و بغداد را تصرف کرد .

عضدالدوله مشهورترین سلاطین آل بویه است پادشاهی آباد کننده و علم دوست و شاعرپرور بود . از بناهای او یکی بیمارستان عضدی بغداد و دیگر بنای بند رودخانه **کر** معروف به **بند امیر** میباشد . **ری** را سلطان محمود غزنوی از **مجدالدوله** پسر فخرالدوله گرفت و بغداد را هم سلجوقیان از بهاء الدوله پسر عضدالدوله گرفتند و این سلسله در (۴۴۷هجری) پس از ۱۲۲ سال سلطنت منقرض گردیدند .

اهمیت آل بویه ـ اهمیت آل بویه در تاریخ ایران از چند نظر است .

۱ـ آل بویه بغداد را گرفته بنیان خلافت عرب را متزلزل کردند و با اینکه اسماً خلیفه را باقی گذاشتند رسماً حکومت سیاسی تازیان را از بین برده ضعف خلفای عباسی را فراهم کردند .

۲ـ چون سلاطین آل بویه شیعه مذهب بودند مذهب تشیع را در ایران رواج داده و مردم را در دهۀ اول محرم بعزاداری واداشتند و آل علی (ع) و متدینین شیعه را که از جور خلفا بایران پناه میآوردند مورد احترام قرار داده باعدل و انصاف حکومت کردند .

۳ـ بعد از تسلط عرب بایران بزرگترین دولت ایرانی را بوجود آورده در آبادی کشور و ترویج علم و ادب کوشش فراوان کردند وزراء دانشمند آنها مانند **ابوالفضل بن عمید** وزیر رکن الدوله و **صاحب بن عباد** وزیر فخرالدوله به تشویق دانشمندان و شعرا پرداخته



(بند امير)

ومخصوصاً ادبیات عرب را ترویج کردند . دیگر از وزراء دانشمند آل بویه حکیم ودانشمند ایران وفیلسوف بزرگ شرق **ابوعلی سینا** میباشد که کتاب قانون او درطب تا این اواخر در دانشگاههای بزرگ اروپا و آسیا کتاب درسی بوده است .



(ابوعلی سینا بتدریس طب مشغول است)

فصل پنجم ـ غزنویان

درخلافت عباسیان دیدیم که معتصم بواسطهٔ بیمی کـه از ایرانیان داشت وازاعراب هم نگران بود قراولان خاصه خود را ازمیان ترکان که درایران برفت وآمد وداد وستدپرداخته ودرشجاعت و بی باکی معروف بودند انتخاب کرد وازاین زمان ترکها در دربارخلفا نفوذکرده بشماغل بزرك رسیدند. زمانیکه سامانیان باآل بویه درزد و خورد بودند ترکها ازرود سیحون گذشته درشمال‌شرقی ایران ساکن شدند وسامانیان هم‌در جنگهای خود اسرای ترك‌را یاافروخته ویاخود بعنوان‌غلامی نگاهداشتند وچون ترکها مردمی‌شجاع وجنگجو بودند درخدمات لشکری بمناصب بزرك رسیدند و برای پیشرفت کار خود مذهب تسنن راکه آن زمان در ایران معمول بود پذیرفتند.

آلپتکین ـ غلام ترکی بودکه **احمد بن اسماعیل‌سامانی** او را به بندگی‌خریده و بعد ها دردربارسامانیان اهمیت واعتباریافته بود.

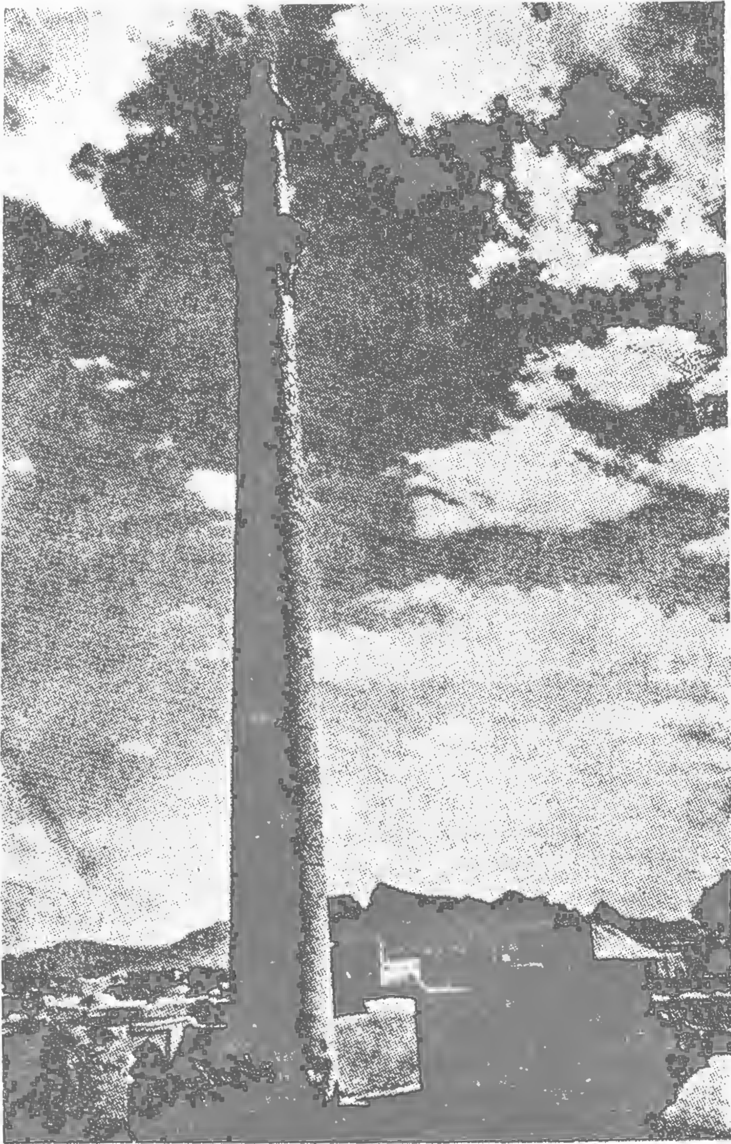
نوح دوم ـ پادشاه سامانی برای جلوگیری ازسرداریاغی‌خوداز **سبکتکین** غلام و داماد آلپتکین یاری خواست. آلپتکین‌که در عهد **نوح اول** حاکم و سپهسالارخراسان شده بود بواسطه اختلافی‌کـه بـا **منصوراول سامانی** پیدا کرد راه افغانستان پیش گرفت و حکومت آنجا را بخود اختصاص داد. بعد ازآلپتکین، سبکتکین جانشین‌اوشد وبزودی افغانستان را بتصرف‌آورده و چند سفرجنگی بهندوستان کرد. سبکتکین دوپسرداشت یکی **اسماعیل** که درافغانستان بود دیگر برادر بزرك او**محمود** که سپهسالاراردوی سامانیان ودرخراسان اقامت داشت.

سبکتکین اسماعیل‌را که درافغانستان بودبجانشینی خود انتخاب کرد .
پس ازمرگ سبکتکین چون این‌خبر به‌محمودرسید بغزنین روی‌آورده و
بکمك امراء طرفدار خود بر برادر غالب شده‌بجای پدر نشست وازمنصور
سامانی حکومت وسپهسالاری خراسان‌را خواست منصورنپذیرفت مدتی
بر نیامدکه سرداران سامانی منصوررادستگیر و کور کردند . چون‌محمود
براین قضیه اطلاع‌یافت بخراسان لشکر کشیده سرداران سامانی‌رامغلوب
و حکومت آنجا را به برادر خویش سپرد و از طرف خلیفه عباسی به
یمین الدوله ملقب گردید .

سلطان محمودغزنوی - محمود ابتدا با **ایلك‌خان ترك** که بر
بخارا مستولی شده بود صلح‌کرد و بعد بدعوت مردم سیستان که‌از ظلم
خلف بن‌احمد بتنك‌آمده بودندسیستان‌راتصرف کرده و خلف‌را بحبس
انداخت(۳۹۹ هجری) واز این‌زمان بسلطان‌مشهورشد .

لشکر کشی سلطان محمودبهندوستان - سلطان محمود پس‌از
غلبه بر سرداران و آخرین شاهزاده سامانی وخلف بن احمد صفاری و
ایلك خان وفتح خوارزم ازطرف ماوراءالنهر وخراسان آسوده‌خاطرشد
و باقشون‌کافی بعزم جهاد راه‌هندوستان پیش‌گرفت . وبیش از ده سفر
جنگی باین‌کشور کرد وباتسخیر بتکده معروف**سومنات** وسایر بتخانه
های هند غنائم بسیار بچنك آورد و او اول‌کسی است که‌زبان فارسی‌و
مذهب اسلام‌را درهندرواج داده‌است . آخرین فتح محمود گرفتن **ری**
از مجدالدوله دیلمی‌است . محموددر ٤۲۱هجری پس‌از ۳۱ سال‌سلطنت
و ٦۰ سال عمر بدرود زندگی گفت .

درزمان محمود ادبیات فارسی‌که اززمان سامانیان رونق گرفته



(مناره سلطان محمود درغزنین)

بود رواج بسیار گرفت وسلطان محمود با اینکه خود ترك زبان وادبیات فارسی را نمی فهمید برای جلب خاطر ایرانیان و رقابت با بزرگان و



(برج زمان محمود غزنوی)

پادشاهان ایران بتشویق ادبیات فارسی پرداخت وامراء ووزرای محمود نیز در این راه کوشش بسیار نمودند و دردوره او شعرای بزرگی مانند حکیم **ابوالقاسم فردوسی** ظهور کردند که باعث شهرت وشکوه دربار او شدند.

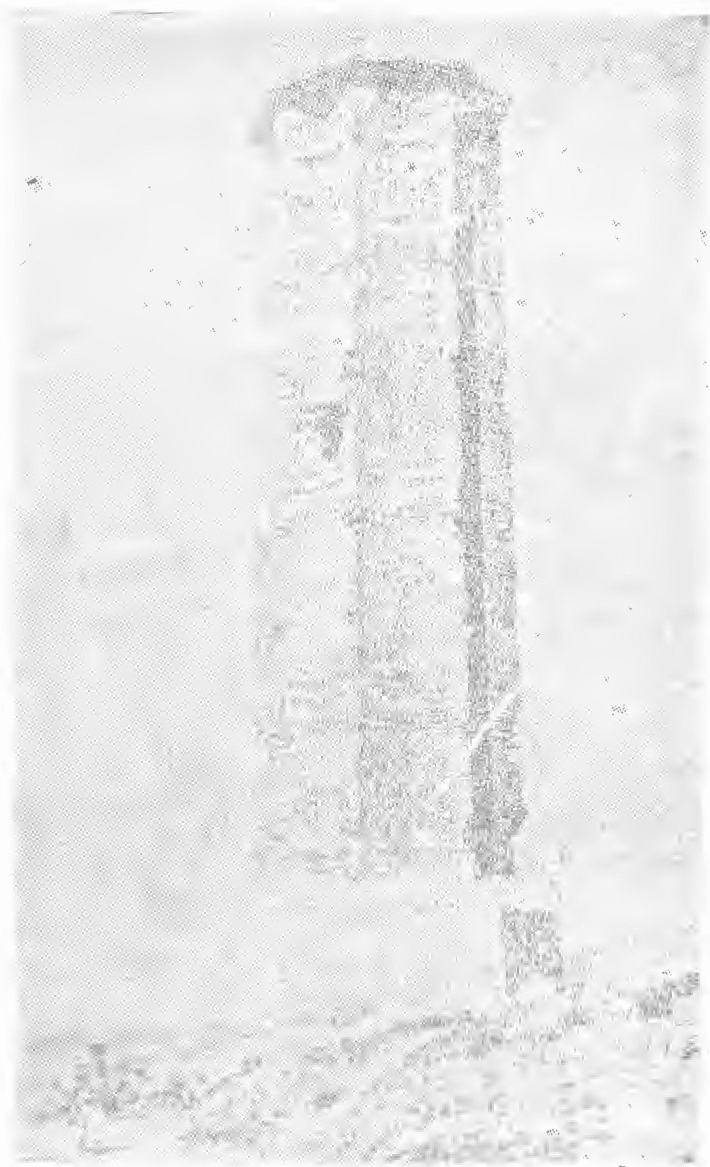
سلطان مسعود - پس از مرگ محمود پسر کوچکش **محمد** بتخت نشست ومسعود که این موقع ازپایتخت دور بود بجنگ برادر آمده اورا اسیر و زندانی کرد وخود بتخت سلطنت برآمد.

زمانیکه مسعود سرگرم جنگ در هندوستان بود ترکان سلجوقی که از زمان پدر او در ماوراءالنهر سکونت اختیار کرده بوده قدرت گرفته و تا حوالی مرو پیش آمده بودند. مسعود بجلوگیری ایشان شتافت ودر محل **دندانقان** (بین مرو وسرخس) شکست خورده راه غزنین وهندوستان پیش گرفت ودرراه هند بدست غلامان خود کشته شد(٤٣٣ هجری)

اوضاع غزنویان بعد از مسعود - پس از شکست مسعود مشرق ایران بتصرف سلاجقه در آمد ومتصرفات غزنویان منحصر بافغانستان و قسمتی ازهندوستان گردید وجمعی از غزنویان که صاحب اسم ورسم چندانی نبودند در قسمتی از افغانستان حکومت کردند که مشهور ترین آنها **بهرام شاه غزنوی** است که ازمشوقین ادبیات فارسی بشمار میآید. غزنویان هندرا **غوریان** در ٥٩٨ هجری برانداختند.

فصل ششم سلجوقیان

درمقدمه تاریخ غزنویان ذکر شد که ترکها از ضعف سامانیان استفاده کرده در شمال شرقی ایران ساکن شده وقبول مذهب اسلام کردند



(برج مسعود سوم غزنوی)

وریاست آنها با **دقاق** بود که چهار پسر داشت (اسرائیل . میکائیل .موسی. یونس) سلطان محمود که ازقدرت آنها میترسید **اسرائیل** را بگروگان



(برج طغرل در شهرری)

پیش خودخواند وچندطایفه ازسلجوقیان راازماوراء النهر کوچ داده در شمال خراسان سکونت داد . چون اسرائیل در حبس محمود درگذشت سلجوقیان درزمان مسعود برای کشیدن انتقام بخراسان تاختند و مسعود چنانکه دیدیم مغلوب آنها شده‌و **طغرل بیك** پسر میکائیل بر خراسان دست یافت .

طغرل اول – طغرل‌در ٤٢٩ هجری پس‌ازفتح نیشابور و تصرف اصفهان این‌شهر راپایتخت خودقرار داد سپس قشون به بغداد کشیده خلیفه **القائم بامر الله** رامطیع‌نمود ودرعراق و آسیای صغیر بفتوحاتی نائل آمد ودرمراجعت بری در (٤٥٥ هجری) درگذشت .وزارت اوبا **عمید الملك کندری** بود این‌وزیر فرمان دادکه دفاتر دولتی‌راکه‌بعربی نوشته میشد بفارسی بنویسند .

آلپ ارسلان – چون‌طغرل‌پسر نداشت آلپ‌ارسلان‌پسر **جغری بیك** جانشین اوشدودر اوائل کارعمیدالملك وزیررا کشته شغل وزارت را **بخواجه نظام الملك‌طوسی** ـ واگذار نمود . آلپ‌ارسلان پس‌ازآرام کردن افغانستان وماوراءالنهر بارمنستان وآسیای صغیر لشکر کشید . امپراطورروم شرقی **رومن دیوژن** (رومانوس‌دیوجانوس) باسپاهی‌گران بارمنستان آمدودرمحل **ملازگرد** بسختی شکست خورده اسیر گردید (٤٦٣ هجری) جنك‌ملازگرد ازنظر تاریخ‌اهمیت بسیار دارد زیرا از این تاریخ بتدریج‌دست رومیهااز ارمنستان وآسیای‌صغیر کوتاه شد وراه نفوذ ترکان به‌شبه‌جزیره بالکان‌بازگردید آلپ ارسلان در ماورالنهر بدست یوسف‌**کوتوال** (قلعه‌بان) بزخم‌کاردی ازپای‌درآمد (٤٦٥ هجری)

جلال الدین ملکشه – ملکشاه در٤٦٥هجری بجای‌پدر نشست



(مسجد جامع اردستان از آثار دوره سلجوقی)

و خواجه نظام الملك همچنان بوزارت باقیماند و **سلیمان** پسر **قتلومش** را بحکومت انطاکیه فرستاد واومؤسس سلاجقه روم است .

ملکشاه حدود کشورخود را ازمشرق بترکستان شرقی رسانید واز مغرب تا حدود آسیای صغیر را درتصرف داشت مقرخود را **اصفهان** قرار داد وازمعروفترین و بزرگترین پادشاهان سلجوقی است .

چون نظام الملك قدرت و اهمیت[۱] بسیار یافته[۲] بود بسعایت **تاج الملك** قمی ملکشاه اورا ازشغل خود بر کنار کرد واودر حدود نهاوند[۳] بدست فرقه اسماعیلیه کشته شد . تاج الملك که بوزارت رسیده بود چون لیاقت وسیاست خواجه رانداشت ازعهده اداره امورکشورعاجز ماندوچون در زمان ملکشاه کشور سلجوقی بسیار وسعت یافته بود این پادشاه هریك از متصرفات خویش را بیکی از بزرگان ویا اتابکان (مربیان اطفال سلاجقه) واگذاشت .

پس از ملك شاه بروز اختلاف در خاندان سلجوقی این حکام برای خود حکومتهای مستقلی تشکیل داده ضعف دولت سلجوقی رافراهم کردند .

ملکشاه چهار پسر داشت : **برکیارق . محمد . سنجر . محمود** بعد از مرك وی **ترکان خاتون** زوجه او محمودرا بسلطنت برقرار کرد ولی بزودی برکیارق اورا برکنار کرده وخود پادشاه شد و برادر خویش سنجر را بحکومت خراسان گماشت پس از برکیارق محمد آخرین پادشاه سلجوقی است که برقلمرو حکومتی سلجوقیان پادشاهی کرده است .

سنجر – پس از محمد سنجر مستقل گردید و سایر امراء سلجوقی ایران امر اورا اطاعت کردند وبواسطه طول عمروعده جنگهائی که کرده وشعرا ودانشمندان که گرد اوجمع بودند وازجهت جنك آوری و ادب دوستی در میان پادشاهان ایران بعد از اسلام بسیار معروف شده است .

نوشتکین که ابتداء غلام ملکشاه بود ازطرف آن پادشاه بحکومت خوارزم منصوب شد . بعد ازوفات او سنجر پسرش **قطب الدین محمد** را بحکومت خوارزم فرستاد واو به خوارزم شاه معروف گردید و پس ازمحمد **آتسز** جانشین اوشد .



(آرامگاه سنجر درمرو)

آتسز بکمك قراختائیان سنجر را مغلوب کرد ولی بعدها مطیع گردید. یکی ازوقایع مهم زمان سنجر شکست او از ترکان غز است که در حدود جیحون ساکن بوده وخراجگذار سلطان بودند . این ترکان بواسطه ظلم عمال سنجر طغیان کرده ووالی بلخ را کشتند سنجر با سپاه فراوان بسر کوبی آنها رفت . غزها بعذرخواهی پیش آمده وحاضر بغرامت وجریمه شدند .سنجر مایل بپذیرفتن عذر آنها بود ولی امراء طماع او مانع شده سنجر را بجنك تشویق کردند سنجر دراین جنك مغلوب و اسیر گردید وغز ها شهر مرو پایتخت سنجر و نیشابور را که یکی از شهرهای معتبر

ایران بشمار میآمد قتل و غارت کردند. عاقبت سنجر بکمك یکی از یاران خود رهائی یافته ودرسال (۵۵۲ هجری) پس از ۶۱ سال سلطنت در هفتاد وسه سالگی درگذشت وبا مرك اودولت سلجوقی ازشوکت و اعتبار افتاد. بعد از سنجر چند تن ازسلجوقیان در مرکزومغرب ایران پادشاهی



(گنبد علی درابرقو)

کرده، با اتابکان زدوخوردها کردند . آخرین ایشان **طغرل سوم** است که در جنگ باعلاء الدین تکش خوارزمشاه کشته شد (۵۹۰ هجری)

اهمیت دولت سلجوقی - دولت سلجوقی ازحیث وسعت وعظمت بزرگترین دولت ایران بعد ازاسلام‌است . سلجوقیان‌اولین دولتی‌هستند که بعد از اسلام با دولت روم شرقی جنگیده ودرآسیای صغیر قدرت و نفوذ خود رابسط داده و نام ایران را در خاطر مردم مشرق از نو تجدید کردند و باید دانست که سلحوقیان وزیر دانشمندی مانند **عمیدالملك کندری** و **خواجه نظام‌الملك** داشتند که باعث اعتباررونق دولت آنها شدند بخصوص وزیردانشمند و بزرك ایشان خواجه نظام‌الملك که یکی ازمردان بزرك تاریخ ایرانست و گذشته ازسیاست وکفایت در اداره‌امور دولت‌سلجوقی خود مردی‌دانشمند ودانش‌دوست بوده ودرشهرهای بزرك مانند بغداد واصفهان وهرات ونیشابور ابنیه و مدارس متعدد بناکرده که مشهور ترین آنها**مدرسه نظامیه بغداد**است . نظام‌الملك کتابی‌بنام‌سیاست



(گچ‌بری‌دوره سلجوقی)

نامه‌درروش‌و آداب وطرزامارت‌وسلطنت بفارسی‌نوشته که گذشته‌ازداشتن مطالب تاریخی یکی ازبهترین آثار نثرفارسی بشماراست .

دردوره سلجوقیان دانشمندان وشعرای بزرگی ظهور کردندمانند **غزالی‌طوسی** و**حکیم عمرخیام نیشابوری** و**مولانا جلال‌الدین‌بلخی** معروف **بمولوی** که در آسیای صغیرمورد توجه خاص وعام بوده است **انوری** و**امیرمعزی** و**سنائی** نیزازشعرای بنام این دوره اند .

اسمعیلیه - اسمعیلیه که بآنها**باطنیه** و**ملاحده** هم میگویندمردمی بودند که بجای امام موسی‌کاظم (ع)اسمعیل پسردیگراسام**جعفرصادق‌ع** را امام میدانستند ودرزمان سلجوقیان بانتشارعقایدخودپرداخته‌مخالفین خویش‌را بضرب‌کارد میکشتند رئیس‌ومؤسس این فرقه**حسن‌صباح**بود که قلعه **الموت**را مرکزخود قرارداده ودراندك مدتی‌قدرت بسیاربهم‌رسانید وفتنه بزرگی درسراسر ممالك اسلامی بر پاکرد . بعد ازحسن چند نفر درالموت براسمعیلیه ریاست‌کردند وآخرین آنها **رکن الدین خورشاه** نامداشت که‌در٦٥٦هجری بدست‌**هلاکوخان مغول** مغلوب‌وبساط ۱۷۰ساله اسمعیلیه برچیده شد .

اتابکان - پادشاهان‌بزرك‌سلجوقی‌زیردستان‌خویش‌را که‌مورداعتماد بودند، بتربیت اولادان خود میگماشتند. این مربیان بتدریج در دستگاه سلجوقیان قدرت حاصل‌کرده زمام بیشترکار های لشکری را در دست گرفتند وچون ضعف وتجزیه دولت‌سلجوقی شروع شد هریك‌ازآنهابنام یکی ازشاهزادگان که حکومت ناحیه ای را داشت زمام اموررا دردست گرفته و بعنوان نیابت سلطنت و بنام اتابك بحکومت پرداخت و چون شاهزادگان سلجوقی بتدریج ازمیان رفتند حکومت های مستقل‌تشکیل

دادند که معروفترین آنها اتابکان آذربایجان و اتابکان فارس میباشند. اتابکان آذربایجان بدست جلال الدین خوارزمشاه مغلوب و بعد سلسله آنها در آذربایجان منقرض گردید .

معروفترین اتابکان فارس **سعد بن زنگی** و پسرش **ابو بکر بن سعد** است که سعدی کتاب گلستان خود را بنام این اتابك نوشته است .

این سلسله را ایلخانیان ایران منقرض کردند .

فصل هفتم - خوارزمشاهیان

خوارزمشاهیان اولاد **نوشتکین** غلام ملك شاه سلجوقی بودند و نوشتکین از جانب سنجر بحکومت خوارزم رسید. بعد از نوشتکین **محمد** جانشین پدرشد و پس ازاو فرزندش **آتسز** جای اوراگرفت و به خوارزم شاه معروف گردید (٤٩١ هجری)

آتسز خوارزمشاه - بعد ازمحمد آتسز ازطرف سنجر حاکم خوارزم شد وچیزی نگذشت که ازاطاعت سنجر سرپیچید . سنجراورا معزول و دیگری رابحکومت خوارزم گماشت. آتسز دست نشانده سنجررا بیرون کرد وپس ازشکست سلطان سنجر ازقراختائیان بخراسان تاخت ولی بعدها مغلوب سنجرشده ازدرعذرخواهی درآمد وسنجراورا بخشید .

چون اوضاع خراسان بواسطه حملات قراختائیان وترکان غز مشوش وویران گردید وسنجر بواسطه گرفتاری های داخلی ازعهده آتسز برنیامد آتسز سلسله خوارزمشاهی را درخوارزم (واقع بین رودجیحون وساحل شرقی دریای مازندران) تأسیس کرد وبسال ۵۵۱ هجری درگذشت .

علاءالدین تکش - بعدازآتسز پسراو **ایل ارسلان** بسلطنت رسیدواز



(سنك قبر مرمر)

از ترکان قراختائی شکست خورده و کمی بعد در گذشت و پسرش سلطان شاه جانشین او گردید. تکش پسر بزرك **ایل ارسلان** مدتی با برادر زد وخورد کرده و پس از مرك او مستقل شد و طغرل سوم آخرین پادشاه سلجوقی



(کوزه سفالی)

را در ری کشت وخود در سال (٥٩٦ هجری) وفات یافت .

علاء الدین محمدـ بعد از تکش کشور وسیع او بعلاء الدین

محمدرسید واوقسمتی ازسرزمین قراختائیان راگرفته و سلسله **غوریان** راکه اززمان صفاریان درقسمتی ازافغانستان حکومت می کردند و با پادشاهان ایران روابط صلح وجنك داشته اند منقرض نمود و اتابکان آذربایجان وفارس رامطیع خودکرد وپادشاه کشوروسیعی گردید .

سلطان محمد چون از دشمنی ناصر خلیفه عباسی نسبت به خود آگاهی یافت برای سرکوبی اوعازم بغداد شدودر **اسدآباد همدان** بسیاری ازلشکریان اواز برف وسرما تلف شدند . این موقع خبرحرکت سپاه چنگیز خان مغول اورا بخوارزم برگرداند وچنانکه در تاریخ مغول خواهیم دید ازقشون مغول شکست خورده فرار اختیارکرد وپس ازمدتی سرگردانی بجزیره **آبسکون** واقع دردریای خزر گریخت ودرآن جزیره بسال ٦١٧ هجری در گذشت .

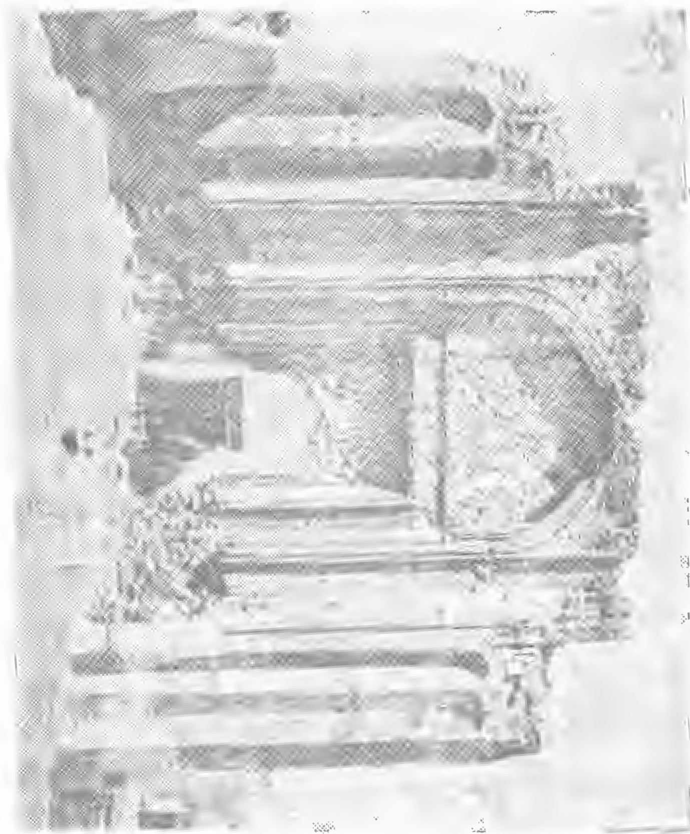
آخرین فرد لایق خاندان خوارزمشاهی **جلال الدین** پسر رشید **سلطان محمد** است که چندبار لشکرچنگیزرا شکست داد وسرانجام به سال ٦٢٨ هجری درکوههای کردستان ناپدید و بدست چند تن کرد که طمع درلباس اوکرده بودند کشته شد وسلسله خوارزمشاهی با قتل او به آخررسید .

فصل هشتم

تمدن و وضع حکومت وعلوم وادبیات ایران از انقراض ساسانیان تااستیلای مغول

پس از انقراض ساسانیان و فتح ایران بدست مسلمین بواسطه مقاومتهای ایرانیان درنقاط مختلفه اوضاع این کشور غیر منظم و سرداران عرب که خودرااز ایرانیان برترمیشمردند بسرکوبی مردم این سر زمین

پرداخته از ظلم و ستم فرو گذار نکردند وایرانیان آزادفکر بااینکه دیانت اسلام راپذیرفتند کاملا مطیع دستورفرمانروایان عرب نشده با طرفداری از آل علی(ع) بذوق وسلیقه خود دین اسلام را بصورت خاصی در آورده وبنام مذهب تشیع درایران رواج دادند وآنهائیکه نخواستند مذهب تازه را بپذیرند با تحمل پرداخت خراج سنگین ومالیات فراوان بدین اجدادی



(گنبد علویان درهمدان)

قدیم خویش باقیماندند. ایرانیان با استعداد مسلمان در دستگاه تازیان

بمناصب بزرك رسیده و کم کم اداره امور کشور ایران وقسمتی از ممالك اسلامی بدست آنها افتاد و چون خلفای عرب از ادارهٔ امور کشور بر نمیآمدند بزرگان ووزرای ایرانی در اصلاح حال امور کشور های اسلامی مخصوصا ایران بسیار مؤثر شده ووضع اجتماعی مردم ایران رو به بهبودی گذاشت واز قدرت استبدادی فرمانروایان عرب در ایران کاسته گردید .

حکومت پادشاهان ایران بعد از اسلام بر اصل قانون استوار نبود و عموما باستبداد سلطنت کرده بیشتر آنها براهنمائی وجدان ومذهب از عدل وانصاف عدول نمیکردند وچون با مرك پادشاهی قدرت او ازهم فرو میریخت غالباً برسر تخت وتاج بین مدعیان نزاع برمیخاست وایران میدان خودسری امرا ومحل تاخت وتاز متجاوزین میگردید. مذهب اسلام نتوانست ایرانیان را کاملا مطیع خلفا کند وبیشتر مردم ایران باداشتن مذهب شیعه ظاهراً از پادشاهان سنی مذهب ایران اطاعت کرده ودر باطن عقیده آنها غیر از مذهب رسمی ایران یعنی تسنن بود . آل بویه مذهب شیعه را رسمی شمردند ولی ترکان غزنوی وسلجوقی در مذهب تسنن تعصب بخرج داده مذهب تشیع را عقب زدند وتاظهور صفویه مردم ایران درپنهان از آن پیروی میکردند بواسطه غلبه عرب نفوذ قواعد اسلام وخط و زبان عربی در ایران رواج یافت و بسیاری از لغات عرب در زبان فارسی داخل گردید و خط عربی جای خط پهلوی را گرفت با این حال زبان ایرانیانی که در پناه کوهستان ونقاط دور از مرکز خلافت زندگانی میکردند تا حدی از نفوذ لغات عرب محفوظ ماند .

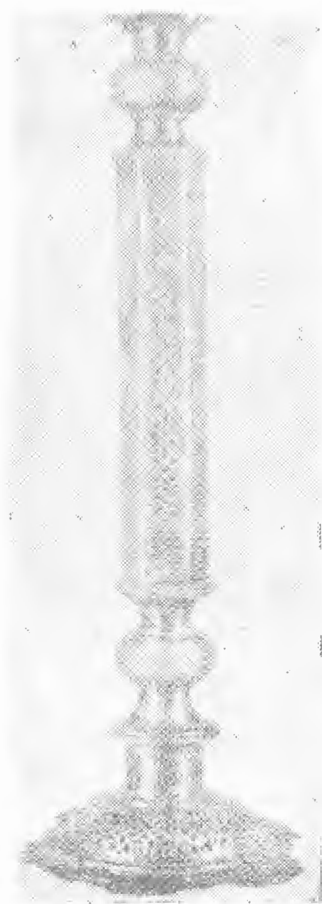
علوم و صنایع

تازمان خلافت عباسیان مسلمین جز باستقرار نفوذ اسلام در کشورهای اسلامی بامور دیگر توجهی نکردند و چون دولت بزرك اسلامی تشکیل گردید وخلفا از اداره امور آن برنیامدند اززمان منصور دوم خلیفه عباسی ناگزیر بسیاری از آثار تمدن ایران رااخذ کرده وازایرانیان متمدن دراداره امورکشور های اسلامی استمداد طلبیدند و ایرانیان در دستگاه خلافت قدرت و اعتباریافته و باتشویق خلفابنای تمدن اسلامی راگذاشته



(کوزه گلی)

وخود در این راه کوشش فروان کردندچنانکه نخست برای فهم معنی قرآن بقواعد صرف و نحوعربی پرداخته ودرفنون مزبورمعلم ادبای عرب گشتند و بیشتر دانشمندان ایرانی در این علوم از فصحای عرب بهتر شدند و شعرای ایران بزبان عربی اشعار نغز گفتند وهمچنین در فقه وحدیث وهیئت ونجوم وحساب وهندسه گوی سبقت را ازعلمای مسلمین ربودند.



(شمعدان برنجی)

در تاریخ وجغرافیا وادبیات بزرگان بنامی از ایران برخاستند وآثاری جاویدان از خود باقی گذاشتند. گذشته از علومی که ذکر شد دانشمندان ایران درفلسفه وطبیعیات رنج فراوان برده وصاحب آراء و عقاید مخصوصی شدند.

از علمای معروف ایران در نحوسیبویه فارسی و در فقه وحدیث **شیخ کلینی وشیخ صدوق و امام محمد غزالی طوسی** و در هیئت و ریاضیات **ابومعشر بلخی دیگر ابو ریحان بیرونی و حکیم عمر خیام** نیشابوری است. ازعلمای معروف فلسفه وطب و طبیعیات **ابو نصر فارابی**



(گنبد سرخ در مراغه)

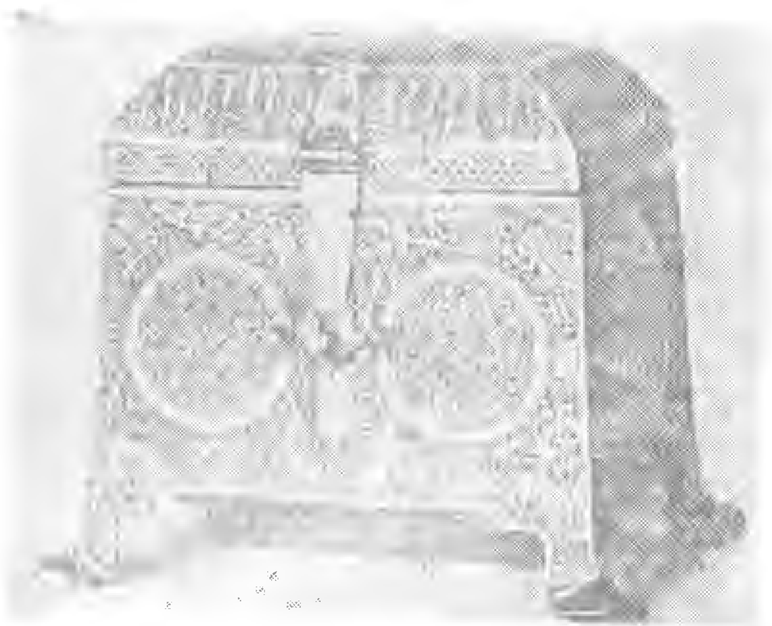
فیلسوف قرن چهارم و معروفتر از همه **شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا** است که کتاب شفاء او در حکمت وقانون او در طب بسیار مشهور میباشد دیگر **امام فخر رازی** و **خواجه نصیرالدین طوسی** و پزشک عالی مقام **محمد بن زکریای رازی** است .

از مورخین معروف ایران **محمد بن جریر طبری** و **ابوالفضل بیهقی** ودرتاریخ و جغرافیا **مسعودی** و **اصطخری** و **یاقوت حموی** و **زکریای قزوینی** معروف میباشند .

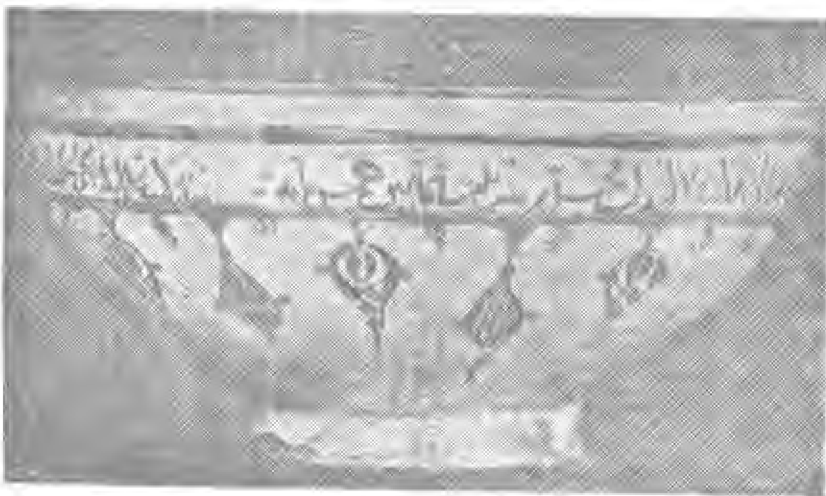


(آفتابه مسی)

صنایع ایران نیز در این عهد شروع بترقی کرد و امروز بسیاری از آثار هنری ایرانیان ازساختمان وظروف و کنده کاری روی فلزات وغیره در دست است که نمونه بارزی از ذوق و هنر ایرانیان قبل ازمغول بشمار میآید .



(صندوق برنجی)



(کاسه گلی)

زبان و ادبیات فارسی

بعد از تسلط عرب برایران بواسطه سخت گیریهای خلفاو حکومت دویست ساله عرب خط و زبان ایران رو بفراموشی رفت وخط و لغات عرب بین ایرانیهائیکه اسلام آورده بودند رواج گرفت و بعد از چند قرن خط پهلوی بکلی فراموش شد ایرانیان صدر اسلام برای نوشتن از خط عربی استفاده کرده و چون زبان و خط عربی خط علمی و ادبی و مذهبی واداری مسلمین شده بود ایرانیها از پیروی آن نا گزیر بوده و بزبان وخط عربی گفتند و نوشتند اما مردمیکه از مرکز خلافت عرب دور بوده ودردهات و نواهی کوهستانی زندگی میکرده و بعلم وادب توجهی نداشتند و با اعراب ومردم شهرها آمیزش نمیکردند زبان خویش را حفظ نمودند ولی خط عربی جای خط پهلوی را گرفت زیرا دانشمندان بیشتر کتب علمی ومذهبی



(ظرف یا کوزه سفالی منقش)

خودرا بعربی نوشتند ودر نتیجه خطعربی جایگزین خط ایرانی گردید.



(ظرف سفالی بانقش صورت ازآثارقرن ششم ساخت کاشان)

چون سلسله های سلاطین ایران ابتدا از مشرق وشمال‌شرقی ایران ظهور کردند لهجه های زبان‌فارسی معمول آن‌نوحی یاظهور چند نفرشاعر و نویسنده اهمیت و اعتبار یافته زبان رسمی ایران گردید ولهجه نواحی

دیگر ایران قدرت واعتباری پیدا نکرد وزبان فارسی امروزی ماهمان زبان معمول مردم خراسان وسیستان وماوراء النهر است .

چون ایرانی طبعا شاعر ودر ابتدا پادشاهان بتشویق شعرا پرداختند شعر فارسی بیش از نثر شیوع ورواج گرفت واولین شعر فارسی درزمان پادشاهان طاهری وصفاری سروده شد و گویند اولین شاعر پارسی زبان محمد بن وصیف سیستانی دبیر یعقوب لیث صفاری بوده است .

توجه سامانیان بشعر فارسی باعث ظهور یکعده شعرای بزرك شد مانند رودکی و دقیقی وغیره که حق بزرگی بگردن زبان فارسی دارند .

بعد ازسامانیان غزنویان دنباله اقدامات آنها را گرفته به تشویق شعرا پرداختند ودیالمه نیز دراینراه کوشش فراوان کردند ازشعرای معروف این دوره فرخی ومنوچهری وازهمه بزرگتر حکیم ابوالقاسم فردوسی صاحب کتاب شاهنامه است و کتاب قابوس نامه از آثار بزرك نثر این عهد محسوب میشود.

نظم و نثر فارسی درعهد سلجوقیان رونق و اعتبار فراوان یافت و گویندگان ونویسندگان بزرگی در این دوره ظهور کردند که مشهورترین آنها در شعر انوری و سنائی و مسعود سعد و سوزنی و خاقانی و نظامی گنجوی ست مشهورترین نثرنویسان این دوره عبارتند از نصرالله منشی شیرازی که کلیله و دمنه را از عربی بفارسی بر گرداند دیگر خواجه نظام الملك صاحب کتاب سیاست نامه وابوالفضل بیهقی نویسنده تاریخ غزنویان وغیره

فصل نهم ـ استیلای مغول و تشکیل حکومت ایلخانان در ایران

ایران بواسطه موقع جغرافیائی و قرار گرفتن درمجاورت کشور

های متمدن از قدیم مورد توجه فاتحین اطراف واقوام صحرا گرد مهاجم بوده و از این راه صدمات بسیار دیده است . وحشیان زرد پوست که از رود سیحون تا اقیانوس کبیر و بین سلسله هیمالیا و فلات تبت سکونت داشتند بواسطه مساعد نبودن سرزمین خود همه وقت بکشور های متمدن اطراف خود تاخته اند و ایران که به توران نزدیکتر بود بیشتر مورد نظر و طرف توجه آنها قرار میگرفت بهمین جهت از قدیم ترین ازمنه تاریخی بین ایرانی و تورانی جنگ و دشمنی وجود داشت و بیشتر این زد و خوردها در حدود شمال شرقی ایران اتفاق میافتاد .

بعد از تسلط عرب بر ایران بسیاری از ترکان زرد پوست توران بماوراءالنهر آمده مذهب اسلام را پذیرفتند و در شمال شرقی ایران برفت و آمد پرداختند و این تورانی های زرد پوست درقسمت های مختلفه سرحدات شمال وشمال شرقی ایران سکونت اختیار کرده وعده ای از آنها بعنوان غلامی در دستگاه خلفای عباسی و امرا و پادشاهان ایران داخل خدمت شدند وچنانکه دیدیم جمعی از آنها اهمیت و اعتبار یافته و حتی به تشکیل سلسله های سلطنتی بزرگی توفیق یافتند

ترقی و اهمیتی که تورانی های مسلمان در دستگاه خلافت و ایران پیدا کردند تورانیهای غیرمسلمان را به طمع و جنبش واداشت و چنانکه دیدیم چند بار از عهد سامانیان تا عصر سلاجقه از شمال شرقی بایران تاختند ولی قدرت سلاطین مانع نفوذ و تسلط آنها گردید . مغول که در شمال آسیای مرکزی در دشت **گبی و مغولستان** میان سرزمین آباد چین **شمالی و دشت سیبری و فلات تبت** بچادر نشینی و بیابان گردی دردرجات پست تمدن زیسته و با گله داری و شکار زندگی خودرا تامین مینمودند پیوسته بمساکن آباد و حاصلخیز چین و ایران توجه داشتند.

پس ازحرکت طوایف تورانی ازمساکن خود بطرف مشرق اقوام وطوایف ترك مغول جای ایشانرا گرفته وهرطایفه ازاین قوم که بایران نزدیك میشدند طایفه دیگری جای اورا گرفته وبتدریج از آسیای مرکزی ودشت سیبیری بسمت شمال شرقی ایران درحرکت آمدند .

درزمان سلطنت سلطان محمدخوارزمشاه مغول بریاست چنگیز خان سیل آسابطرف ایران سرازیر شده وکشور عزیز مارا عرصه تاخت و تاز و قتل وغارت قرار دادند .

سلطان محمد خوارزم شاه که خودترك نژاد بودراه را برای تجاوز این این قوم وحشی بکشورما باز کرد وکشور آباد ایران را که در آن عصر بزرگترین ممالك اسلامی محسوب میشد. ازنادانی وناتوانی بدست مغولان وحشی وغارتگر سپرد .

اوضاع کشورهای اسلامی مقارن حمله مغول وضع نامساعدی داشت زیرا سلطان محمدخوارزمشاه ترکان فراختائی را که در مشرق و شمال شرقی ایران مانندسدی دربرابر قبائل زرد پوست وحشی بودند از میان برداشت وبابر انداختن سلسله پادشاهان کوچك ایران برکشوری بزرك فرمانروا شد . ترکان سلجوقی در آسیای صغیر باعیسویان وکردان ایوبی در مصروشام باصلیبیون درجنك وجهاد بودند و خلیفه اسلام از قدرت سلطان محمد خوارزمشاه دروحشت بوده و درنهان از دشمنی واخلال در کار ایران دریغ نمیکرد ودرنتیجه نفاق ودوروئی وجنك ونزاع درکشور های اسلامی حکمفرمابود .

ظهور چنگیز

چنگیز که نام اصلی او تموچین است پس از مرك پدر بریاست قبیله

خود انتخاب شدو بزودی اقوام ترك و مغول رامطیع نموده کاراو بالا گرفت وحدود متصرفات خودرا ازمشرق بهچین واز مغرب بسرزمین قراختائیان رسانید وشهر قرهقروم رادرمغولستان پایتخت خویش قرارداد . چنگیز پس ازتسخیر قسمت عمدهچین بمغولستان بر گشت و مساکن قراختائیان یعنی ترکستان شرقیرا تصرفنمود دراین موقع سهنفر نماینده باهدایائی چندبخدمت سلطانمحمد فرستاد واظهاردوستی کرد پادشاه ایران سفرای مغولرا اکرام کردو باحترام تمام بر گرداند . زمانیکه سلطان محمد در عراق عازم جنك باخلیفه بودپانصد نفراز تجارمغول واردشهر اترار (در شمال غربیسیحون) شدند . غایر خان حاکماین شهر کهبا سلطانمحمد قرابت داشتبه بهانه اینکه اینجماعتبجاسوسی آمدهاند همه آنهـا را بکشت چنگیز ازاینخبر بخشم آمده وازسلطان محمدحاکم اتـرار را برایمجازات خواست سلطان ازبیخبری و غرور اطاعت نکرده فرستاده چنگیزراهم بکشتچنگیز پسازشنیدن اینواقعه بالشکرخود از چهار سمت ایرانرا موردتعرضقرار داد ودرجنك اول که درحدودرودسیحون اتفاق افتاد فرزند رشید سلطان محمد جلال الدین بخوبی ازآنها جلو گیری نمود .

درسال ٦۱۳هجری چنگیز باچهار پسر خود بماوراءالنهـر حمله برد ولشکریان مغول پس ازمنهزم کردن سلطانمحمد شهر هایآبـاد و پر ثروت ماوراء النهر مانند سمرقند و بخارا وخجند واترار را بباد قتل و غارت دادند ومرتکب فجایع بسیارشدند . چنگیز دربخارا فرمان بآتش زدنشهر وقتل عام مردم داد وسپس دودسته از سپاهیان را بتعاقب سلطان محمدکه فرار اختیارکرده بود فرستاد . اینقشون بسیاریازشهر

های خراسان راویران نموده بری رسیدند و آن شهر آبادراغارت و ویران کردند . خوارزمشاه که این زمان در قزوین بود چون خبر تصرف ری را بدست مغول شنید بمازندران گریخت و بجزیره آبسکون (در کنار مرداب گرگان) پناه برد و در آنجا بسال ٦١٧ هجری بمرض قولنج وفات یافت درحالیکه کفن نداشت .

سلطان جلال الدین خوارزمشاه — پس از مرگ سلطان محمد سلطان جلال الدین پسر رشید وجنگ آور او باسیصد نفر سپاهی به نیشابور آمد وچون باسپاهیان کم خودتاب مقاومت بامغول رانداشت بافغانستان رفت و بجمع سپاه پرداخت . قشون مغول پس ازتصرف بخاراو خوارزم شهر های آباد و پر جمعیت خراسان را مانند **مرو و طوس نیشابور** یکی پس ازدیگری غارت وویران کرده مردم آنرا از دم تیغ گذراندند لشکریان مغول پس ازانهدام نیشابور وتسخیر شهرهای افغانستان بغزنین که مرکز اردوی سلطان جلال الدین بود شتافتند و در جنگی که اتفاق افتاد سپاه مغول بسختی شکست خورد .

چنگیز پس ازشنیدن این خبر باقشون گران بدفع جلال الدین آمد و جنگ سختی بین سپاه او و جلال الدین درحدود رود سند در گرفت بااینکه جلال‌الدین دراین جنگ شجاعت ورشادت بسیار کرد و دادمردانگی بداد بواسطه کمی سپاهیان خود ازعهده چنگیز برنیامد وراه هندوستان را پیش گرفت و پس ازگذشتن از آب سند بخاک هند قدم گذاشت و بعضی نواحی آن کشور راتصرف کرد. جلال الدین پس ازمرگ چنگیز ازراه بلوچستان بایران آمدو سپس متوجه بغدادشدو خلیفه راکه باپدرش دشمن بود بسختی مغلوب کرد و آذربایجان و گرجستان راتصرف نمود .



(مرك سلطان محمد خوارزمشاه در جزيره آبسكون)

آخرين جنك جلال الدين بامغول در نزديكى اصفهان اتفاق افتادو باوجود رشادت

بسیاراز عهده قشون مغول برنیامده متواری گردید واسرانجام در کوههای کردستان بدست چند نفر کردکه طمع درلباس او کرده بودند کشته شد .

(٦٢٨ هجری)

تقسیم متصرفات چنگیز و مرگ او

چنگیز در سال ٦١٩ هجری بمغولستان مراجعت نمود و **اگتای** را بجانشینی خود انتخاب کردودر سال ٦٢٤ هجری در سن ٦٦ سالگی عالمی رابامرگ خود ازنگرانی ووحشت نجات داد.

چنگیز مردی قوی بنیه وباعزم واراده وهوش وتدبیربود و برای انتظام امور لشگر و کشورخود قوانینی وضع کرد که آنرا **یاسا** میگفتند افراد لشگر ازاین مرد خونریز و کینه توزترس ووحشت داشتند وازمجازات سخت او فرمانش رابی چون وچرااجرامیکردند — چنگیز چهار پسر داشت که به ترتیب عبارت بودند ازجوجی ، **اگتای**، جغتای، تولی

بعد از چنگیز کشور های وسیع او بین پسران و نزدیکانش تقسیم گردید.

اگتای قاآن - اگتای که بجانشینی چنگیز وریاست مغول انتخاب شده بوددرشوائی که ازمغول تشکیل شد تصمیم گرفت سه اردوی بزرگ یکی بجهت فتح روسیه ویکی برای تصرف چین شمالی روانه کند ویك اردوهم بتعقیب سلطان جلال الدین خوارزمشاه بپردازد که شرح آن درپیش گذشت اردوی اول پس ازتسخیر روسیه تالهستان پیشرفتند وتادویست سال روسیه رازیر استیلای خود داشتندواردوی دوم درطرف چین بپیش رفت زیادی نائل نیامدند .



(وزیر جغتای در حال مجازات)



(جلوس اکتای قاآن درحضور بزرگان مغول)

اگتای قاآن مردی کریم و بخشنده‌و آبادکننده بود و در عهد



(اگتای و پسران او)

او دولت مغول وسعت یافت .

پس از اگتای قاآن پسرش **گیوك خان** و بعد از او ریاست مغول بمنگو **قاآن** نوه چنگیز رسید(فرزند تولی بن چنگیز) منگو قاآن پسر **قوبیلا قاآن** را بفتح چین فرستاد و پسر دیگر خود **هلاکو خان** را مأمور فتح ایران و قلع و قمع اسمعیلیه و تسخیر بغداد نمود .



(منگو قاآن)

ایلخانان ایران

هلاکو خان ـ هلاکو پس از ورود بایران بزرگان ایران را باطاعت خواند أعیان و متنفذین و ملاکین ایران برای حفظ املاك وثروت خود



(هلاكوخان)

و وحشی که از مغولان خون ریز و بیرحم و غارتگر داشتند اطاعت او را پذیرفتند



(پسران تولی)

هلاکو در قدم اول بدفع اسمعیلیه تصمیم گرفت و از طوس نماینده‌ای نزد ناصرالدین عبدالرحیم حکمران (محتشم) قلاع اسمعیلیه **قهستان** فرستاد.

ناصرالدین که مردی دانشمند و مشوق علم و ادب بود تسلیم شد دراین موقع **رکن‌الدین خورشاه** که هفتمین جانشین حسن صباح



(تولی خان و زوجه‌اش)

و پیشوای ملاحده بوددر الموت مقرداشت .

هلاکو پس از تسخیر و ویران کردن قلعه های قهستان بالموت پایتخت اسمعیلیه شتافت. رکن الدین خورشاه قبول اطاعت کرده تسلیم گردید و با تسلیم او بساط اقتدار ۱۷۰ ساله اسمعیلیه برچیده شد .

حسن صباح در زمان سلاجقه قدرت فراوان یافته قلعه الموت را مرکز خویش قرارداد و بزهد وعبادت پرداخته مریدان بسیارجمع کرد و بتفسیر و تأویل قرآن واحکام اسلام و نوشتن کتب مذهبی پرداخت بعد از وفات حسن هفت نفرجای اورا گرفتند و درایران قلعه های بزرگ ساخته بد دفاع ازدشمنان خود پرداختند و بخلاف حسن آداب شریعت اسلام رارعایت نکرده بقتل و آزارمردم ورواج منهیات مشغول شدند .

اسمعیلیه را باطنیه وملاحده نیزمی نامند واکنون نیز جمعی ازمردم عراق وخراسان پیرواین مذهب میباشند .

فتح بغداد وانقراض خلافت عباسیان در (٦٥٦ هجری)

هلاکو پس ازدفع اسمعیلیه برای برانداختن دولت عباسی بادودسته قشون به بغداد حمله برده مرکزخلافت عباسیان را تصرف و باقتل خلیفه دولت پانصد ساله عباسی را منقرض ساخت .

هلاکو شهر **مراغه را** در آذربایجان پایتخت خویش قرار داد و ایران راازدولت بزرگ مغول جدا کرده مستقل کرد و **شمس الدین جوینی** راکه از دانشمندان ایران بود بوزارت انتخاب نمود و بدستوراو **خواجه نصیرالدین طوسی** با چند منجم دیگر رصد خانه بزرگی در مراغه ساختند که خرابه های آن هنوز باقی است . هلاکو در سال ٦٦٣ هجری درگذشت .

جانشینان هلاکو

پس از هلاکو سلطنت ایران به پسرش **آباقاآن** رسید و از کارهای اوجنگهائیست که با مدعیان و مسلمین شام و مصر کرده است .

بعداز آباقاآن برادرش **تکودار** بسلطنت رسید وچون اسلام آورد **باحمد** معروف شد . وزارت این دو برادر نیز **با شمس الدین محمد جوینی** معروف **به صاحب دیوان** بوده است .

بعدازاحمدتکودار **ارغون خان** پسر آباقاآن بپادشاهی رسیداین مغول خونخوار که مذهب مسیح داشت خواجه شمس‌الدین جوینی برادر **عطا ملك** مورخ معروف رابکشت وخاندان ایشان راکه همه دانشمندوایران دوست واهل فضل و گرم بودند برانداخت .

بعد ازارغون برادرش **گیخاتو** بسلطنت انتخاب شد و چون خزانه را خالی‌دید پولی کاغذی شبیه باسکناس بنام **چاو** رواج داد ولی‌مردم از قبول آن سر پیچیده وچاوازاعتبارافتاد .

محمود غازان - بعد از گیخاتو **بایدو** پسر ارغون و بعد از او **غازانخان** بسلطنت رسید وچون‌مسلمان‌شدشهرت فراوانی‌یافت‌غازان‌قشون بشام کشیدولشگریانش ازمسلمین بسختی‌شکست‌خوردندوبا این‌شکست دیگرپادشاهان‌مغول بفکرفتح‌شام و مصر بر نیامدنداین‌پادشاه‌در ۷۰۳هجری در گذشت .

غازان مردی باکفایت وتدبیر بود ودر زمان خود باصلاحات امور ایران پرداخت . امورمالی‌ایران را اصلاح‌کرد وبرای رونق‌امربازرگانی کاروانسراها وچاپارخانه های متعدد بساخت . دستگاه قضائی را اصلاح

نمود و بتشویق فلاحت وزراعت پرداخت . اوزان ومقادیررا مرتب ساخت و برای اصلاح حال کشورقوانینی وضع کرد ورعایا راازظلم حکام ومأمورین وصول مالیات رهائی بخشید ودرمدت کوتاه پادشاهی خود (۶۹۴ـ۷۰۳ هجری) خدمات فراوانی باین کشور نمود ازاموریکه باعث رونق سلطنت غازان خان شد وجود مورخ معروف ووزیردانشمنداو **خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی** میباشدکه کتاب معتبری در تاریخ مغول بنام **جامع ـ التواریخ** رشیدی ازاو بیادگارمانده است .





(ازنقاشیهای کتاب جامع التواریخ رشیدی)

سلطان محمد خدابنده - بعد از غازان برادرش الجایتو



(گنبد سلطانیه یا مقبرهٔ سلطان محمداولجایتو)

بسلطنت رسید ومذهب تشیع اختیار کرد وبنای شهر سلطانیه راکه از عهد غازان شروع شده بود بپایان رسانیده پایتخت خویش قرار داد و گیلان را که تا این زمان از دستبرد مغول محفوظ مانده بود مسخر کرد.

سلطان محمد در ترویج مذهب اسلام وجمع آوری علمای شیعه کوشش فروان کرد . وزارت او باخواجه **رشیدالدین فضل الله** بود واین پادشاه در ۷۱٦ هجری در گذشت و مقبره او بگنبد سلطانیه معروفست که آثار زیاد از آن هنوز باقی است .

ابوسعید ـ بعد از سلطان محمد پسر سیزده ساله‌اش ابوسعید بتخت نشست وچون خردسال بود آلت دست امرای خود شد ومعروفترین این امرا یکی **امیر چوپان** شوهر خواهر او ودیگر **امیر حسین جلایر** بود .

امیر چوپان که قدرت واعتبار فروان یافته بود وخود را کمتر از ابوسعید نمیدانست درخراسان قیام کرد ومدتی باعث زحمت خان مغول شد وعاقبت مغلوب ومنهزم گردید .

ابوسعید بواسطه غلبه‌ای که بر مغولان یاغی کرده بود به **بهادر** معروف گردید واز کارهای زشت او قتل وزیر دانشمند خواجه رشیدالدین فضل الله میباشد. ابوسعید در ۷۳٦ هجری در گذشت وچون جانشینان او لیاقت اداره امور این کشور را نداشتند اورا باید آخرین پادشاه مغول ایران دانست.

از مرگ ابوسعید (۷۳٦ هجری) تا استیلای تیمور بر ایران (۷۹۵ هجری) این کشور بصورت ملوك الطوایفی اداره میشد ودرهریك از نواحی آن امرائی سلطنت و حکومت میکردند مانند **چوپانیان** و **ایلکانیان** و

آل مظفر

چوپانیان

امیر چوپان چنانکه دیدیم مغلوب ابو سعید شده ودر هرات بقتل رسید و اولاداناو مورد تنفر ابوسعید گشتندپس‌ازمرك ابوسعیدچوپانیان قیام‌کرده برجانشین ابوسعید **ارپاخان** تاختند **و امیر شیخ حسن کوچك چوپانی** شمال‌ومغرب‌ایران را تحت نفوذ خودگرفته یکی ازشاهزادگان مغول‌را اسما پادشاه نمود و خود در حقیقت بفرمانروائی و تاخت و تاز پرداخت و عاقبت در ۷٤٤ هجری مقتول و فرزندان او از اهمیت و اعتبار افتادند .

ایلکانیان یا جلایر

شیخ‌حسن بزرك معروف بحسن ایلکانی‌پس از شیخ‌حسن کوچك چوپانی بر عراق‌عرب استیلا یافته بغداد را پایتخت خویش ساخت‌وسلسله جلایر یا ایلکانیان را تشکیل داد . از پادشاهان معروف این سلسله **شیخ اویس‌وسلطان‌احمد** ممدوح **حافظ** میباشند . درزمان لشکرکشی‌امیر تیموربایران سلطان احمدازپیش سپاه تیمور فرارکرده بمصررفت‌وبعداز مرك‌امیر تیمور ببغداد مراجعت کردودرجنك باقرا یوسف ترکمان‌رئیس سلسله قره‌قویونلو کشته‌شد(۸۱۳ هجری) سلطان‌احمد درحالیکه‌مردی بیرحم‌وخونریز بودشاعرو موسیقی‌دان‌وشاعرپرور بودوحافظ‌اورامدح گفته‌است

آل‌مظفر

رئیس‌اینسلسله امیرمظفر ازبزرگان‌دربارغازان‌وسلطان‌محمد خدابنده

بود و ابوسعید بهادر حکومت یزد را با امیر مبارز الدین پسر امیر مظفر واگذاشت
امیر مبارزالدین از ضعف مغول استفاده کرده فارس و کرمان و اصفهان را زیر



(حافظ و شیخ ابواسحق اینجو)

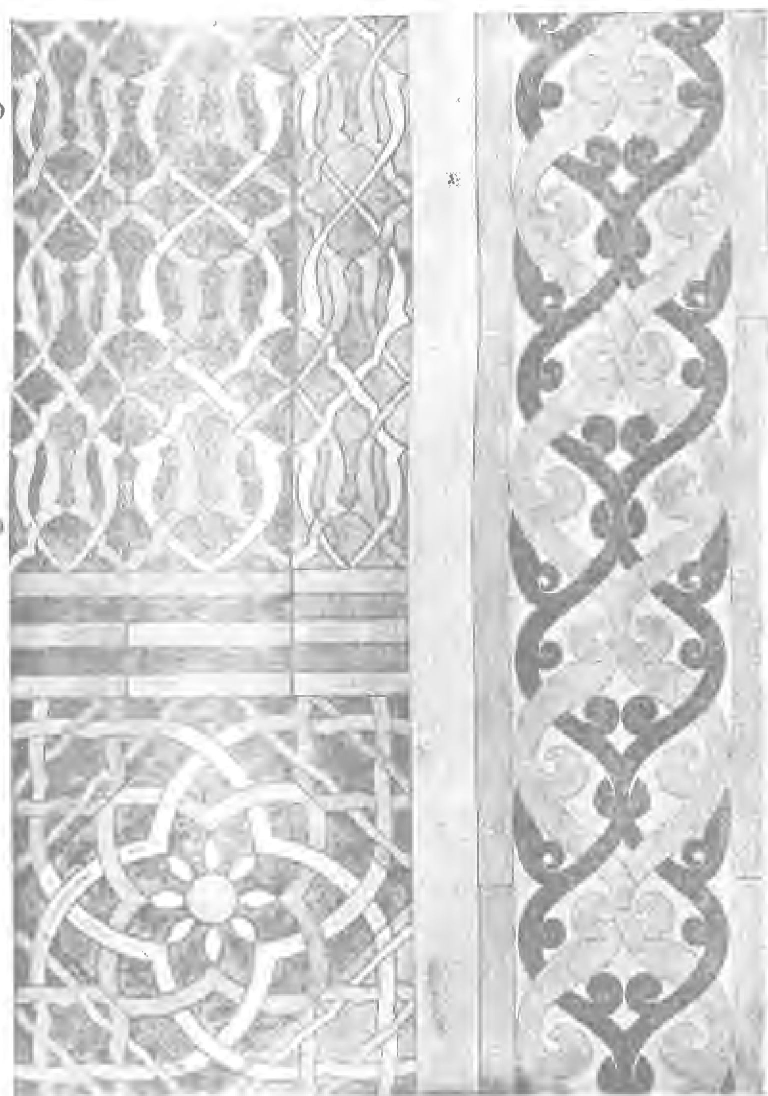
نفوذ خود گرفت و میخواست حکومت مغولی ایران را براندازد که بواسطه خشونت زیاد بدست فرزندانش کور گردید (۷۶۵ هجری)
جانشینان امیر مبارزالدین چون لیاقت و همت پدر را نداشتند و غالبا با یکدیگر نزاع میکردند نتوانستند دنباله فتوحات پدر را بگیرند و از مشهورترین جانشینان او شاه شجاع ممدوح حافظ میباشد.

دیگر از کسانیکه از آل مظفر معروف میباشند **شاه منصور** نوه امیر مبارزالدین است که حکومت اصفهان را داشت و در برابر تیمور مردانه ایستادگی کرد تا مقتول گردید. امیر تیمور این سلسله را منقرض و ولایات جنوبی ایران را ضمیمه کشور خود نمود.

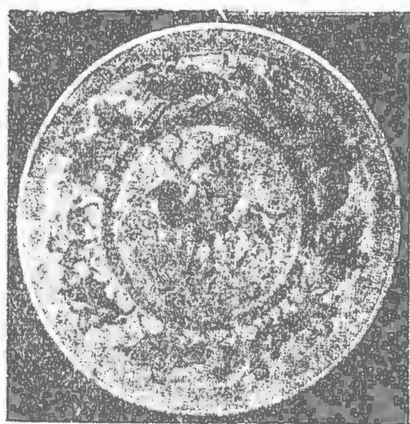
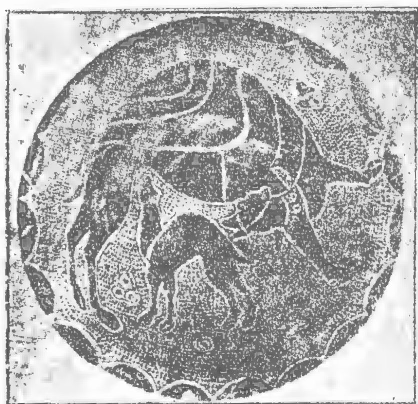
اشاره ای بعلوم و صنایع عهد مغول

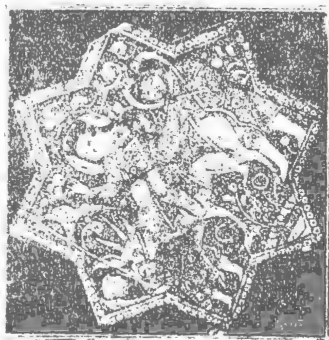
عهد مغول چون دنباله قرون درخشان نهضت علمی و ادبی و هنری دوره عباسی محسوب میشود اثرات شوم استیلای مغول بزودی معلوم نشد و از اواخر دوره تیمور بخوبی ظاهر گردید چه در این دوره حکما و علماء و شعرای بزرگی مانند جلال الدین رومی و خواجه نصیرالدین طوسی و علامه قطب الدین شیرازی و مورخین و منشیان زبردستی مثل عطاملك جوینی و خواجه رشیدالدین فضل الله و شعرای بلند پایه ای چون سعدی و بعد حافظ ظهور کردند که تا مدتها نگذاشتند چراغ علم و ادب ایران خاموش شود.

تشکیل دولت وسیع مغول باعث نفوذ تمدن چینی در ایران و کشور های اسلامی و نفوذ تمدن ایران در چین شد و نفوذ تمدن چینی بیشتر در نقاشی و بعضی از هنرهای زیبای ایرانی ظاهر گردید

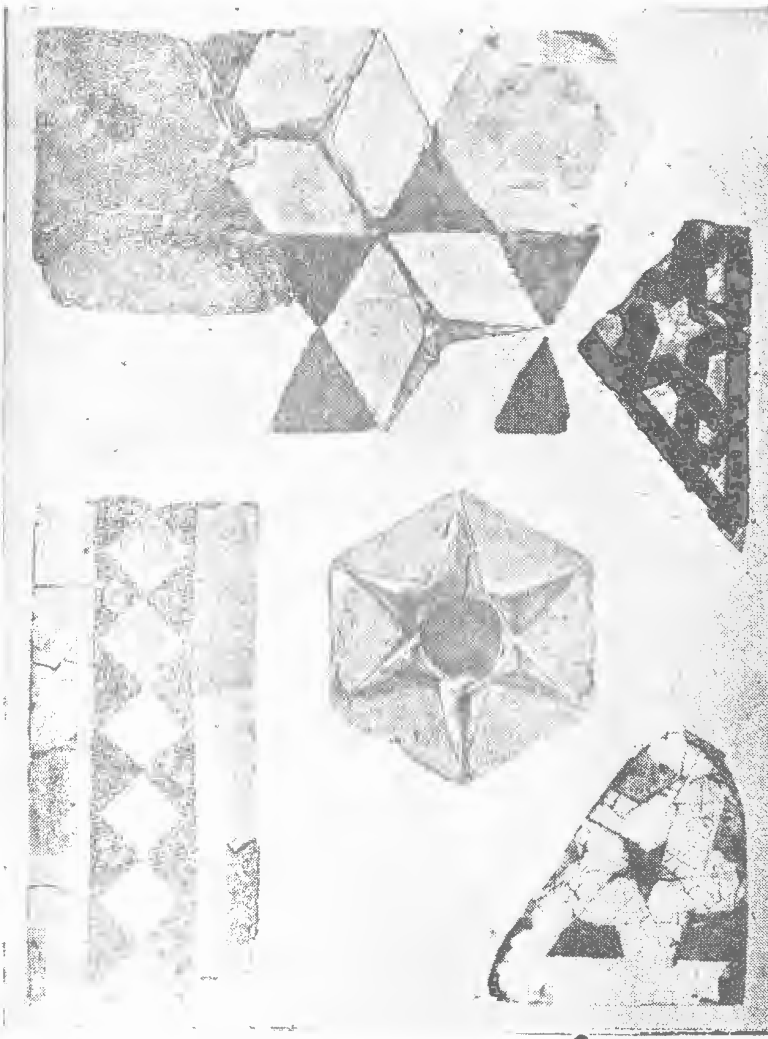


(نمونه ای از کاشیهای سلطانیه)

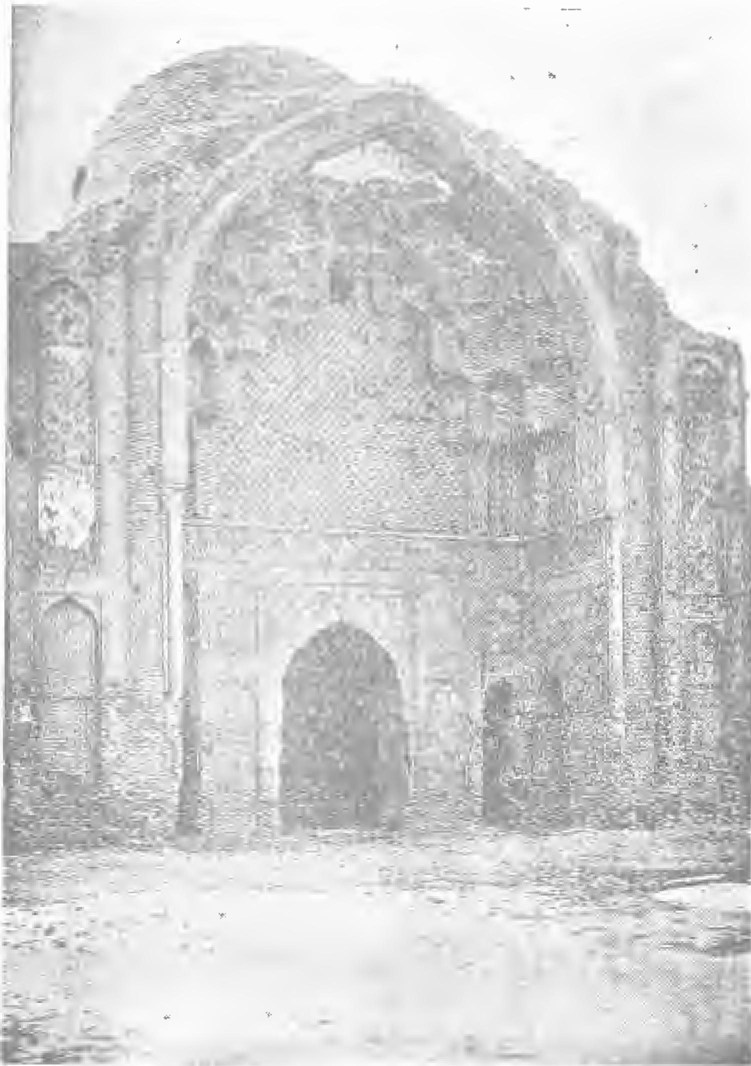



(نمونه‌ای از ظروف دوره مغول)



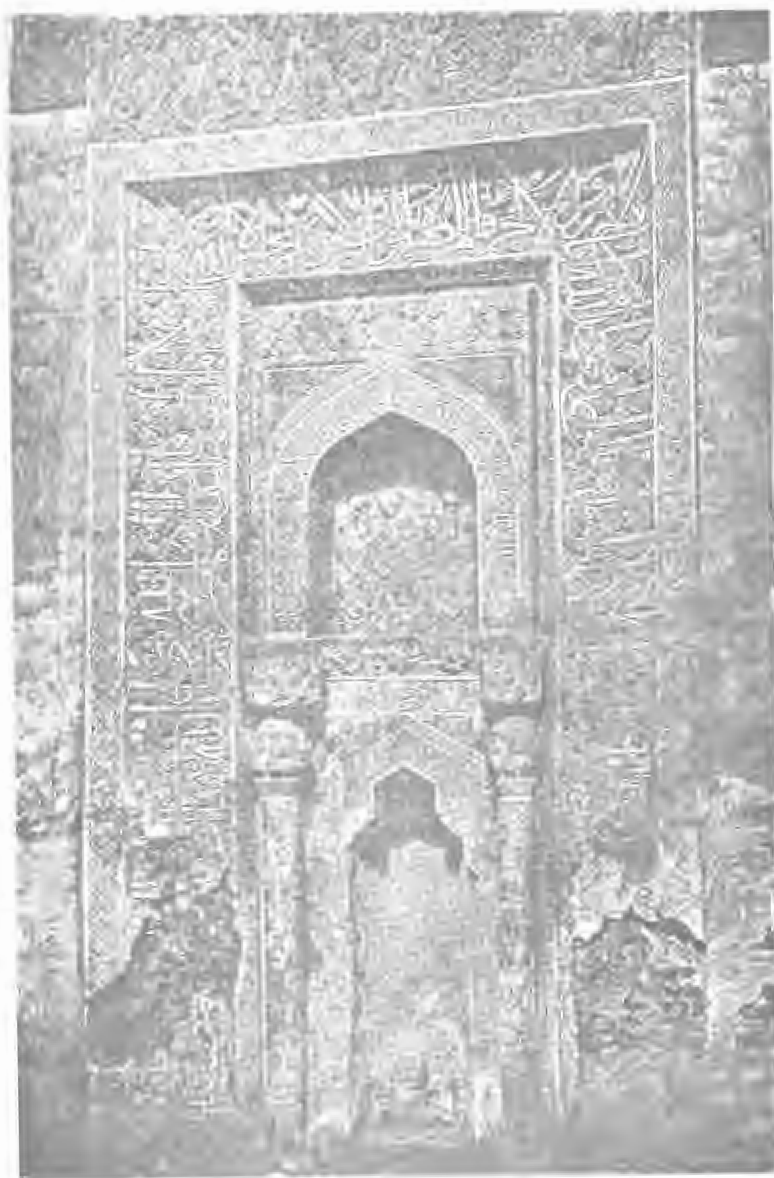
(نمونه ای از کاشیهای طلائی عهد مغول)

مهمترین صنایع و آثار هنری ایرانیان این عصر عبارتند از کاشی‌کاری ساختن ظروف سفالین کنده کاری روی چوب و فلزات و نسج پارچه های معروف بزربفت و ابریشمی



(مسجد جامع ورامین از بناهای اولجایتو)

در ایندوره ابنیه و عمارات بسیار بنا گردیدکه از معروفترین آنها یکی مسجد الجایتو در ورامین و گنبد سلطانیه است . دیگر مسجد جامع مرندکه از بناهای ابوسعید بهادر میباشد .



(مسجد مرند از بناهای ابوسعید بهادر)

بخش دوم - تاریخ عمومی

شامل: تاریخ قرون وسطی و جدید

تاریخ مختصر قرون وسطی و مقدمات تشکیل دول بزرگ

فصل اول

مقدمه - در اواخر ایام امپراتوری روم اقوام وحشی سواحل رود **رن و دانوب** بنای تجاوز را بخاک روم گذاشته و دولت روم غربی را منقرض کردند و دولت روم شرقی که پایتخت آن قسطنطنیه (اسلامبول) کنونی بود بحال خود باقی ماند .

بعد از هجوم **ژرمنها** چند دسته از وحشیان آسیائی نژاد مانند زرد پوستها و **اسلاوها** بتهاجم پرداخته و پس از آنها نوبت تجاوز بزرد پوستان **بلغار** و ترکان عثمانی رسید . سرانجام عثمانیها در ۱٤٥۳ میلادی قسطنطنیه را تسخیر کرده دولت روم شرقی را از میان برداشتند .

در سال ۳۹٥ میلادی **تئودز** امپراطور روم کشور خود را بدو بخش روم غربی و شرقی تقسیم کرده بود مدتی را که بین تقسیم روم وانقراض روم شرقی فاصله شد مورخین اروپائی قرون وسطی میگویند . قرون وسطی را بافتح قسطنطنیه تمام میکنند وازانقراض روم شرقی تاانقلاب فرانسه را تاریخ جدید میگویند وازانقلاب فرانسه تا کنون بتاریخ معاصر معروفست .

قرون وسطی در اروپا دورهٔ استیلای وحشیان و جنگهای داخلی و انحطاط بود درصورتیکه عصر مزبور یکی ازدورههای تاریخ ترقی مشرق و رشد ملل اسلامی محسوب میشود .

هجوم ژرمنها

هجوم ژرمنها اردو کشی و سفر جنگی نبود بلکه بازن وبچه و گله های خود برای یافتن جای مساعد مهاجرت کرده بغارت و خرابی پرداختنداین قوم ابتدابه گل (فرانسه وبلژیك وقسمتی ازهلندوسوئیس وغیره) حمله کردند و سرداران رومی حملات آنهارا دفع نمودند ولی سر انجام چهارمرتبه‌ژرمنهابروم‌غربی‌حمله‌کرده وسردار آنها ادآکر[1] در اندك مدتی روم را بتصرف آورده و آن‌دولت‌را‌بکلی‌منقرض نمود .

استیلای قبیله هون[2] اگر چه علت مهاجرت ژرمنها فقر و پریشانی ومیل بغارتگری بود لیکن‌محرك آنها دراین اقدام هجوم وحشیان زرد پوست آسیائی که‌آنهارا هون‌یاهیاطله مشرق‌میخوانند بمساکن‌آنها بوده است هونهاازقرن‌دوم‌میلادی‌به بعددرشمال‌بحرخضرورودولگااقامت‌اختیار کرده وهروقت قدرت می‌یافتند بکشورهای‌اطراف مخصوصا ایران‌هجوم میبردند و از قرن چهارم میلادی متوجه مغرب شده بااسلاوها وژرمنها مصادف شدند گت های شرقی (ژرمنهای ساکن‌مشرق اروپا) چون تاب مقابله باآنها را نداشتنداز‌پیش‌ایشان فرار کرده‌بکشوهای‌اروپای‌مرکزی وغربی رفتند **آتیلا** سر کرده هونها خویشتن رابلای خدائی میخواند و میگفت‌آنجا که پای اسب من برسد دیگرعلف نخواهد روئید این مرد جنگ جوازاختلافات سرداران ژرمنی استفاده کرده وتامدتی دولت روم را خراجگذار خود نمود ودر مراجعت بهنگری درگذشت .

---

١ - Odoacre   ٢ - Huns

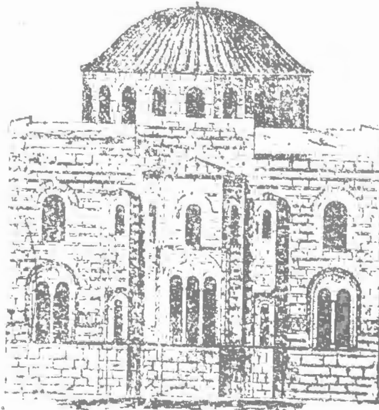
فصل دوم _ دولت فرانك

فرانکها که از قبائل ژرمن و مطیع دولت روم بودند پس از آنکه در سرزمین گالیا ساکن شدند کشور گالیا بنام آنها فرانسه نامیده شد پس از انقراض روم غربی یکی از روسای قوم فرانك بنام **کلویس** پاریس را مقر خود قرار داده اولین سلسله پادشاهان فرانسه را تشکیل داد (٤٨١ میلادی) وچون جداو **مروه** نامداشت این سلسله را **مرونژین** میگویند پس از مرك گلویس جانشینان او توانائی اداره امور کشور را نداشته و مملکت فرانك تجزیه شد.

بعد از مرونژین ها سلسله پادشاهانی در فرانسه روی کار آمدند که بآنها **کاولونژین** میگویند . اول شخص معروف این خاندان **پپن**[1] نام دارد که پسر او **شارل مارتل**[2] است که مسلمین را در جنك **پواتیه**[3] شکست داد.

شارل کبیر - بعد از شارل مارتل پسرش پپن رسما بسلطنت شناخته شد و بعد ازاو فرزندش **شارل کبیر** یا **شارلمانی** بپادشاهی رسید (۷۷۱ میلادی) این سلسله را بنام شارل یا **کارل** کبیر (شارلمانی) **کاولونژین** نام نهادند.

شارلمانی پادشاهی کشور گیر و مملکت دار بود و دولت وسیعی تشکیل داد و او را بزرگترین پادشاه و فاتح اروپا در قرن وسطی میدانند و تاج امپراطوری روم را **پاپ** برسر او گذاشت



(تصویر کلیسائی از اوائل قرون وسطی)

1-pepin 2-Charles martel 3-poitiers

شارلمانی معاصر هارون الرشید خلیفه عباسی بود و برای استقرار روابط دوستی باخلیفه هدایائی پیش هارون به بغداد فرستاد . هارون هم در عوض کلید مقبره حضرت مسیح را باشطرنج بعنوان تحفه نزد شارلمانی ارسال داشت .

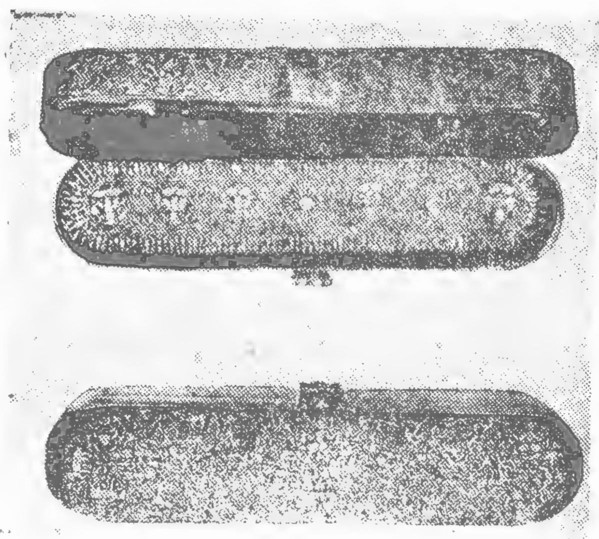
پس ازشارلمانی کشوراوتجزیه شد و بفرانك شرقی (آلمان) وفرانك غربی (فرانسه) وایتالیا تقسیم گردید و آلمان وفرانسه امروزی از بقایای فرانك شرقی وغربی میباشند .

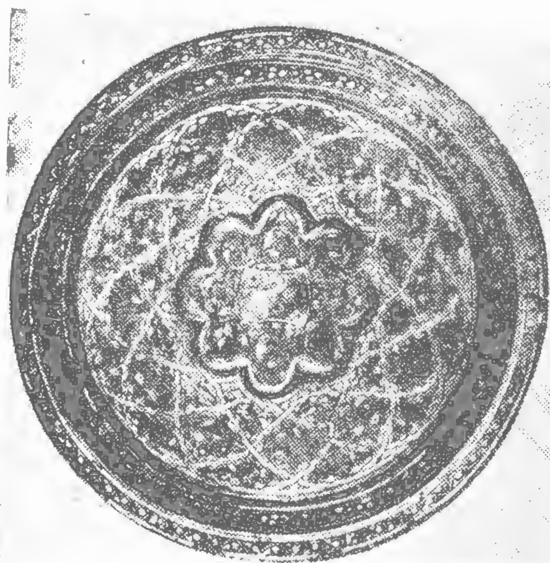
از پادشاهان معروف آلمان دراین دوره **اوتن کبیر** است که تاج امپراطوری را بادست پاپ برسر گذاشت . چون بعد ازشارلمانی حکومت ملوك الطوایفی در فرانسه پیش آمد یکی ازرؤسای دربار بنام **هوك کاپه** سلسله پادشاهان سوم فرانسه را تشکیل داد که به **کاپسین** معروف شدند .

نرمانها ازاعقاب ژرمنها بودند که چون ازشبه جزیره **اسکاندیناو** بحرکت آمدند بآنها نرمان یا مردم شمالی میگفتند . این قوم شمال فرانسه را غارت کرده تا پاریس پیش آمدند و در قسمتی ازشمال فرانسه ساکن شدند که به نرماندی موسوم شد وهنوز اسم یکی ازولایت درکنار دریای مانش است .

فصل سوم - فئودالیته

بعد از تجزیه دولت شارلمانی و ضعف پادشاهان ملاکین برای دفاع از خودعده ای سرباز تهیه کرده و بساختن استحکامات وقلعه هاپرداختند و در نتیجه دارای سپاه و قلعه های مستحکم گردیده رعایا را زیر نفوذ خود آورده و صاحب قدرت و شوکت شدند واقتدار



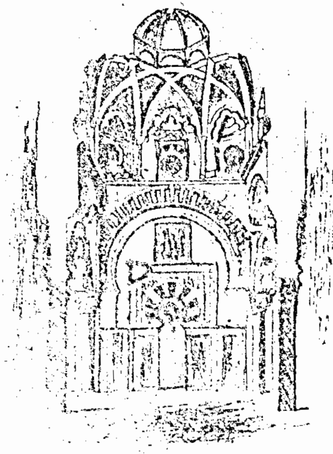


قلمدان وسینی با نقش نقره وطلا)

پاد شاهان از بین رفت و رعایا و زارعین رعیت مستقیم ملاکین که بآنها **سینیور**[1] میگفتند شدند و نفوذ سینیورها در رعایا بیش از پادشاه گردید مأمورین عالیرتبه دولتی وفرمانداران نواحی مختلفه مملکت یعنی **دوکها** و **کنت‌ها** که سمت دولتی بارث بآنها واگذار میشد و از پدر به پسر میرسید روش سینیورهارا پیش گرفته درحوزه حکومتی ومحل ماموریت خود کشور کوچکی ترتیب دادند و پادشاهان قادر بعزل ونصب آنها نبوده فقط اسماً بر آنها پادشاهی میکردند و باین دلخوش بودند که اسما زمین‌های زراعتی را برای بهره برداری بآنها وامیگذاشتند . این نوع زمینهای را را **فیف**[2] یا **فئود**[3] ومالکین این زمینهارا **فئودال** میگفتند هر سینیور یا مالکی نسبت به سینیور مافوق خود تابع و نسبت به رعایای زیردست خود ارباب یاسینیور محسوب می‌شد . این قسم حکومت در قرون وسطی در غالب ممالك اروپا معمول ویکنوع ملوك الطوایفی بوده است که **فئودالیته** میگویند .

سینیور ها مردمی ظالم ومقتدر ورعایا موجودی مظلوم وزحمتکش بودند و در مواقع جنك اربابان آنهارا بخدمات نظامی وامیداشتند

از قرن نهم به بعدرسم شده بود که سپاهیان قرون وسطی سواره بجنك میرفتند و بهمین مناسبت



(قسمتی از مسجد مسلمین اسپانیا درقرون وسطی)

1- Seigneurs 2- Fief 3- Fèode

این جنگجویان سوار را **شوالیه**[۱] میگفتند . شوالیه‌ها که مردمی بیسواد و تنها هنر ایشان جنگیدن بود خودرا آزاد وشجاع وجوانمرد و صاحب غیرت میدانستند باین جهت اگر کسی بآنها توهین میکرد بامبارزه وجنگ تن بتن انتقام میکشیدند واین قبیل مبارزات را **دوئل**[۲] میگویند . شوالیه‌ها بتدریج برای خود حیثیت وشرافت ونجابت قائل شده وخویش را طبقه اصیل وشرافتمند جامعه خواندند .

شوالیه‌ها وسینیورها در قصر های قلعه مانندی منزل داشتند وجز جنگ وشکار وتفریح بکار دیگری نمی‌پرداختند وانجام کارهای زندگانی آنها بعهده غلامانی بود که آنهارا **سرف**[۳] میگفتند . سرفها حق نداشتند از محلی که در آنجاساکنند بمحل دیگر روند و اربابها آنها را با زمین میفروختند وسینیور می‌توانست غلامان خودرا بزند وبکشد ویابفروشد . سرفها مجبور بودند به سینیور ها مالیات بدهند و هر چند روزی که اربابان بخواهند بدون مزد برای آنها کار کنند . این کار مجانی را بیگاری میگویند .

فصل چهارم - جنگهای صلیبی

در قرن یازدهم ودوازدهم هجری بین مسلمین ومسیحیان جنگهائی اتفاق افتاد و چون عیسویانیکه برای گرفتن بیت المقدس از مسلمین باین جنگها می‌آمدند شکل صلیبی از پارچه های قرمز روی دوش خود میدوختند آنها را صلیبیون و جنگهای ایشان را جنگ های صلیبی[٤] میگویند .

۱-Chevalier ۲-Duel ۳-Serf ٤-Les Croisades

سلجوقیان آسیای صغیر پس از تصرف بیت‌المقدس بخلاف گذشته باذیت و آزار عیسویان پرداخته ومانع زیارت و آمدن آنها به بیت‌المقدس شدند . سینیورها که جز جنك وزدوخورد کاردیگری نداشتند وعده‌ای از مردم بامید تحصیل ثروت وسایر صلیبیون به‌تشویق روحانیون جنگهای صلیبی را شروع کردند وجنگهائیکه بامسلمین کردند هشت جنك بود .

درجنك اول صلیبیون بیت المقدس را فتح کردند و در جنك دوم پادشاه فرانسه و آلمان شکست خورده بیت المقدس را ازدست‌دادندودر جنك‌سوم پادشاه فرانسه وآلمان و انگلیس بفتح این شهر توفیق نیافتند ودرسایر جنگها نیزعیسویان بمقصود خودنرسیدند.

نتایج عمده جنگهای صلیبی - جنگهای صلیبی فئودالیته‌رادر اروپا ضعیف کردوباعث ترقی طبقات متوسط شدوراه مشرق‌را باروپا باز نمود وآبادی وزندگانی متمدنین مسلمان درتمدن آنها مؤثر شد و بعضی ازآداب ورسوم وصنایع‌مسلمین‌مشرق‌در اروپارواج گرفت و بعضی‌اشجار ونباتات راکه‌تا آنوقت در اروپای غربی وجود نداشت مانند نی شکر به میهن‌خود بردند و خلاصه جنگهای صلیبی گذشته‌از رونق تجارت وداد وستد نظر عیسویان جاهل مغرب را بتمدن مشرق‌جلب کرده است

فصل پنجم . وحدت سیاسی و تشکیل دول بزرك اروپا درقرون وسطی

تاریخ فرانسه - چنانکه درتاریخ دولت فرانك گفتیم‌از تجزیه‌قسمت

غربی کشور شارلمانی فرانسه بوجود آمدو نیز گفتیم که **هوك کاپه** سلسله کاپسین را تشکلل داد (۹۸۷ـ۱۳۲۸میلادی)

از پادشاهان معروف این سلسله **سن لوئی** میباشد که در جنگهای صلیبی شرکت کرد.

تاریخ انگلیس -جزیره انگلیس قبل از میلاد مورد تهاجم **برتن ها**[۱] قرار گرفت واسم جزیره **بریتانیا** از نام این قوم گرفته شده است. ساکنین قدیم انگلستان که قادر بجلوگیری از برتن ها نبودند ازژرمنهای ماوراء آلپ یعنی **انگل ها**، **ساکسن ها** کمك خواستندو این دوطایفه در اواخرقرن پنجم میلادی قسمت جالگه ای بریتانیا را تسخیر کرده برای خود دولتی تشکیل دادند ومسکن آنها بسرزمین آنگلها یا **انگلتر**[۲] موسوم گردید ازسلسله های معروف انگلستان سلسه **پلانتاژنه** است(۱۱۵٤ـ۱۱۸۹) که مؤسس آنهاهانری دوم میباشد و پسر او **ریشارد شیردل** که مردی شجاع وجسور بوددرجنگهای صلیبی شرکت کرده است.

مشروطیت انگلیس-ژان برادر ریشارد شیردل درجنك با فرانسه قسمتی از متصرفات انگلیس رادر آن مملکت ازدست دادو به **ژان بی زمین** ملقب گردید وبواسطه اختلاف باپاپ وشکست درجنگها ناچارشدشرایطی راکه روحانیون وسینیورها بعنوان تجدید سلطنت باو پیش نهاد کردند تصویب کندواجرای آن را بقسم متعهد شود.

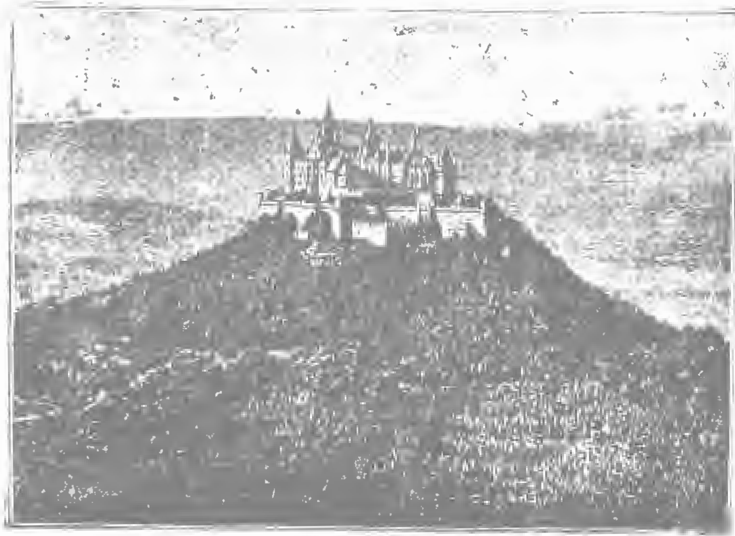
فرمانی را که ژان درسال ۱۲۱۵ میلادی تصدیق کرده **فرمان کبیر**[۳] می گویند این فرمان بانگلیسها آزادی شخصی دادوشورائی که بعدها برای تصویب مالیات تشکیل شد به **پارلمنت** موسوم گرید و بعد فرمان کبیر

۱- Bretons ۲- Engleterre ۳- Grande-Chart

تکمیل شد و این قسمت بقوانین اساسی **اکسفورد** معروف میباشد .

تاریخ امپراطوری آلمان- آلمان چنانکه دیدیم از تجزیه دولت شارلمانی نتیجه شد و یکشور **ژرمانی** موسوم گردید . ژرمنها درنواحی مختلفه آلمان تشکیل نواحی جداگانه داده باآداب ورسوم مخصوص خود زندگانی میکردند مانند (آلمانها ،فرانکنی ها، ساکسونهاوغیره)

اول پادشاه معروف ژرمانی **اوتن کبیر** از سلسله ساکسون است که مردی فعال و کارآمد بود و باعث آبادی آلمان وانتظام کشور خود گردید بعدهاچندسلسله مانند سلسله **فرانکنی** و **هوهنشتوفن** در آلمان سلطنت کردند از پادشاهان معروف سلسله اخیر **فردریک باربروس** (فردریک ریش قرمز) است که مردی پهلوان و باکفایت بود ودرجنگهای صلیبی شرکت کرد .



(یکی از قصور هوهنزلرن)

اطریش - البرت دوم از خاندان **هابسبورك** سلطنت موروثی

اطریش را تأسیس کردو تاپایان جنگ بین الملل اول این خانواده در اطریش سلطنت میکردند .

ایتالیا - ایتالیا از زمان تجزیه دولت شار امانی بیکعده دولتهای کوچك تقسیم شد و فقط دولت ناپل یادولت سیسیل تامدتی معتبر شمرده میشد ودوشهر ژن و ونیز چون دو بندر تجارتی بودند بسیار معروف شدند.

فصل ششم رقابت پادشاهان فرانسه و انگلیس

وجنگ صدساله و سلسله و الوا

در قرن دوازدهم وسیزدهم میلادی بین پادشان فرانسه و انگلیس رقابت وزدوخورد وجود داشت و چنانکه در مشروطیت انگلیس گفتیم پادشاهان فرانسه دست پادشاهان انگلیس راتامدتی از کشور فرانسه کوتاه کردند .

جنگهای صدساله - لوئی نهم ازسلسله کاپسین که بواسطه پرهیز کاری اورا **سن لوئی یا لوئی مقدس** میگفتند از پادشاهان بزرك فرانسه است که درجنگهای صلیبی شرکت کرد و در زمان اوعلم وصنعت در اروپای غربی رواج گرفت . لوئی مقدس و نواده او فیلیپ چهارم (فیلیپ زیبا) با پادشاهان انگلیش بجنگ پرداخته اند و چون نواده فیلیپ اولاد ذکور نداشت نجبای فرانسه **فیلیپ دووالوا** را بسلطنت فرانسه انتخاب کردند و او مؤسس سلسله چهارم فرانسه یاخانواده سلطنتی **والوا** میباشد

چون فیلیپ دووالوا بسلطنت انتخاب شد پادشاه انگلیس که سلطنت راحق خود میدانست باین امر اعتراض کرد وچون فرانسویها اعتنائی نکردند

کار بجنك کشید وچون این جنگها بامتار که هائی که‌در بین آنهاشد صد سال‌طول کشیده بجنگهای‌صدساله معروف‌میباشدو در ۱٤٥۳ میلادی‌ختم‌شد

ژاندارك- چون انگلیسها در زمان شارل ششم قسمتی از کشور فرانسه را تصرف کردندودولت فرانسه رو بضعف وانقراض‌میرفت دختری بنام‌**ژاندارك** قیام کرد و شهر**اورلئان** را ازمحاصره انگلیسها نجات داد وچون درحوالی پاریس‌شکست خوردعده‌ای ازفرانسویهای مخالف‌پادشاه اورا اسیر کرده بانگلیسها فروختند و انگلیسها اورا آتش زدند . ملت فرانسه که‌در نتیجه این‌جنگها حس‌ملیت‌در آنها بیدار شده‌بود بایکدیگر متحدشده انگلیسها را ازفرانسه اخراج کردند.

فصل‌هفتم- تمدن اروپا در قرون وسطی

قرون‌وسطی‌دوره جهالت‌وتعصب مذهبی وجنك‌وخون ریزی‌وجهل و نادانی برای مردم اروپا بود ولی بواسطه جنگهای صلیبی وباز شدن راههای شرق‌وغرب‌و آشنائی مردم اروپای‌غربی بعلم‌وصنعت‌وهنر مسلمین و متمدنین مشرق‌و بسیاری اموردیگر در اواخر این عصر نهضت‌علمی در اروپای‌ظاهر شدودانشگاههای بزرك‌تاسیس گردید ودراواخرقرون‌وسطی علماء ودانشمندان در اروپا ظهور کردندو علم وهنر با اختراع چاپ در آلمان‌توسعه‌پیدا کردو باضعف فئود الها قدرت پادشاهان رو بازدیاد رفت و تجارت‌رونق گرفت .

در نتیجه‌اطلاعات‌جغرافیائی‌و اکتشافات‌دریائی و سفرنامه مسافرین بمشرق مانند **مارکوپولو**حس کنجکاوی مردم اروپا درشناختن مشرق تحریك شد و اروپائیها از راه آب های جنوب افریقا بهندوستان رسیدند و سر زمین هائی که تا آنوقت از آن اطلاعی نداشتند برای آنها مکشوف گردید وبسیاری از امتعه مشرق بوسیله تجار ایتالیائی (اهالی

ژن و ونیز) باروپا رفت و پارچه های ابریشمی و ادویه‌جات و سایر محصولات آسیائی در اروپا خریداران زیاد پیدا نمود.



(دانته شاعر بزرك ایتالیائی)

تاریخ جدید (۱۴۵۳ - ۱۷۸۹ میلادی)

مقدمه - دولت عثمانی و فتح قسطنطنیه در ۱۴۵۳ میلادی.

از قرن هفتم هجری به بعد عثمانیها که طایفه‌ای از ترکان سلجوقی بودند در آسیای صغیر دولتی تشکیل داده پادشاهان معروف آن **ایلدرم بایزید** (معاصر امیر تیمور) و **سلطان مراد دوم** (معاصر شاهرخ تیموری) بتوسعه کشور خویش

همت گماشته ومکرر با عیسویان جنگ کردند ولی بفتح قسطنطنیه نائل نیامدند . چون سلطنت به **سلطان محمد دوم** رسید باشانزده هزار سپاه و توپخانه ای قوی قسطنطنیه‌را فتح کردو‌از‌این تاریخ اینشهر بین عثمانیها **باسلامبول** معروف شد.

فتح قسطنطنیه آخرین‌واقعه‌قرون وسطی‌است‌وچون‌در‌تاریخ ترقی اروپا تأثیرات بسیار‌داشته‌است‌تاریخ قرون‌وسطی‌را بآن‌ختم کرده وتاریخ جدید را از آن شروع‌میکنند.

اثرات فتح قسطنطنیه درتاریخ ترقی اروپا بسیار است و ما بذکر خلاصه‌ای‌از آن‌میپردازیم.

فتح‌قسطنطنیه‌دولت‌روم‌شرقی را‌که‌بوضع‌قدیم‌اروپا‌باقی‌مانده‌بوداز بین‌بردو‌دانشمندان‌وهنرمندان‌روم‌شرقی‌آنچه‌از آثارتمدن قدیم‌رومی را حفظ کرده‌بودند باخود‌باروپا بردندو‌در‌بین مردم‌اروپا‌که‌تازه مایل‌بتمدن شده‌بودندورواج دادندو‌چون‌عثمانیهامانع تجارت‌اروپائیان باشرق شدند تجارو‌بحرپیمایان‌اروپائی راه‌جنوب‌افریقا را‌به‌آسیاپیدا‌کردند و در نتیجه امریکاو‌بسیاری از‌نقاط‌دیگر کشف‌شد.

اروپائیان باروت را که پیش از این مسلمین طرز استعمال‌آنرا از چینی‌ها‌آموخته بودند درقرن چهاردهم فوائد‌آن‌را از مسلمین آموخته واز آن‌درجنگها استفاده فراوان بردند. قطب‌نماو‌کاغذ‌که از اختراعات چینی‌ها است‌باروپا رفت و‌بانتشار‌کتب‌و‌بسط معلومات کمک‌بزرگی نمود وچاپ‌هم‌که بصورتی‌مخصوص درچین‌و‌ایران‌معمول‌بود‌اروپائیان بتکمیل آن پرداخته وباچاپ وانتشار‌کتاب علم و سواد را از انحصار روحانیون خارج کردند.

فصل اول اوضاع اروپا در قرن شانزدهم

ازابتدای قرون ۱۶ سه دولت فرانسه وانگلیس واسپانیاشروع بترقی کرده وسیاست جهانگیرانه پیش گرفتند. دولت آلمان بواسطه اختلافات داخلی در سیاست اروپا مداخله نداشت ولی خانواده هابسبورك اطریش



(یکی از قصرهای روسیه درقرون ۱۶)

درسیاست اروپامداخله میکرد . ایتالیا گرفتار تجاوزات اطریش وفرانسه بود و ترکان عثمانی در بالکان به کشور گشائی مشغول بودند.



(شارل پنجم یاشارل کنت)

قرن ۱٦ را باید قرن جنگهای اروپا نامید زیرا شارل پنجم (شارل کنت) پادشاه اطریش و آلمان کشور های متعدد بارث برده وممالك اطریش وهلند و بلژیك و قسمتی از فرانسه گردیدو سلطنت اسپانیارا هم داشت دول بزرك اروپا بواسطه هم چشمی ویا ازترس مخصوصاً فرانسه با یکدیگر متحد شده ودرمدت ٦۰ سال اروپا دچارجنك وجدال بودودر این مدت پادشاهان نامی مانند فرانسوای اول درفرانسه وشارل کنت در اطریش و اسپانیا وهانری هشتم درانگلیس وسلطان سلیمان خان در عثمانی سلطنت میکردند درنتیجه این جنگها تحولاتی در فنون جنگی و آلات وادوات جنك پیش آمد سپروخود وزره ازبین رفت وتوپ و تفنك وسرنیزه بکار افتاد وطرزساختن استحکامات تغییر کرد وصنف مهندس بوجود آمد.

علت جنگهای شارل کنت با سلاطین اروپا مخصوصاً فرانسه برای



این بود که چون تخت امپراطوری آلمان خالی ماند چند نفر از جمله فرانسوای اول وشارل کنت نامزد امپراطوری بودند و عاقبت شارل کنت انتخاب شد وچون خواست ایتالیا را ضمیمه متصرفات خود کند فرانسوا خود را محصور دید وباکمك متحدین خود بجنك پرداخت. سرانجام فرانسه ازادعای خوددر ایتالیا صرف نظر کرد وانگلستان کهدر این جنگها دخالت داشت بندر **کاله** را بفرانسه واگذار نمود.

(فرانسوای اول)

در این قرن سلاطین اروپا قدرت فراوان یافتندو ازنفوذاشراف و مالکین کاسته گردیدوطبقه متوسط ازراهداد وستدو تجارت وصنعت ثروت بسیار بدست آورده راه ترقی پیمودند وتدوین قانون تا حدی از قدرت پادشاهان کاست وازطرفی بواسطه بیداری مردم نهضتی دردیانت مسیح پیدا شد واصلاحاتی دراین دیانت که کشیشان جاهل آنرا با خرافات آمیخته بودند توسط **لوتر** وغیره انجام گرفت ودراوضاع اجتماعی وسیاسی واقتصادی اروپا تحولی بوجود آمد.

فصل دوم ـ انگلستان



(هانری هشتم)

ملکه الیزابت ــ درنیمه‌دوم قرن‌شانزدهم ملکه‌الیزابت‌دخترهانری هشتم در انگلستان حکومت میکرد اومذهب انگلیس را درکشورخود رسمی شمرد و با مغلوب کردن قوای دریائی فیلیپ دوم پادشاه اسپانیا بر قدرت دریائی‌انگلستان افزودودرزمان جانشین اوجمیزاول قوای دریائی انگلستان بیش ازپیش توسعه پیدا کرد .



(ملکه الیزابت)

در قرن هفدهم چالز اول (۱٦۲٥) که مردی مستبد بود با انعقاد پارلمان مخالفت میکرد و چند مرتبه آنرا بست سر انجام مردم بدشمنی وستیزه باپادشاه برخاسته ویکی‌ازوکلای عامه بنام **کرمول** پادشاه را اسیر واعدام کرد و به تشکیل‌حکومت جمهوری پرداخت وپس ازمدتی پارلمان

رابسته چند سال با دیکتا توری حکومت کرد.

پس از کرمول پسرش هشت ماه پادشاهی کرد و پس از استعفای او سلطنت بچارلز دوم رسید بعد ها گیوم دوارانژ که با خاندان سلطنتی انگلستان قرابتی داشت بسلطنت انگلستان انتخاب شد و در زمان او اساس مشروطیت این کشور که مدتی متزلزل شده بود مستحکم گردید.



(چارلز اول)

درقرن هیجدهم انگلستان ترقی کرد و حکومت قانون در آن کشور حکمفرما بود کانادا و هندوستان بتصرف انگلستان در آمد علم و دانش توسعه یافت و بزرگان و دانشمندانی در آن کشور ظهور نمودند که بر



(یکی از سربازان انگلیس)



(کرمول)



—(پیت اول)



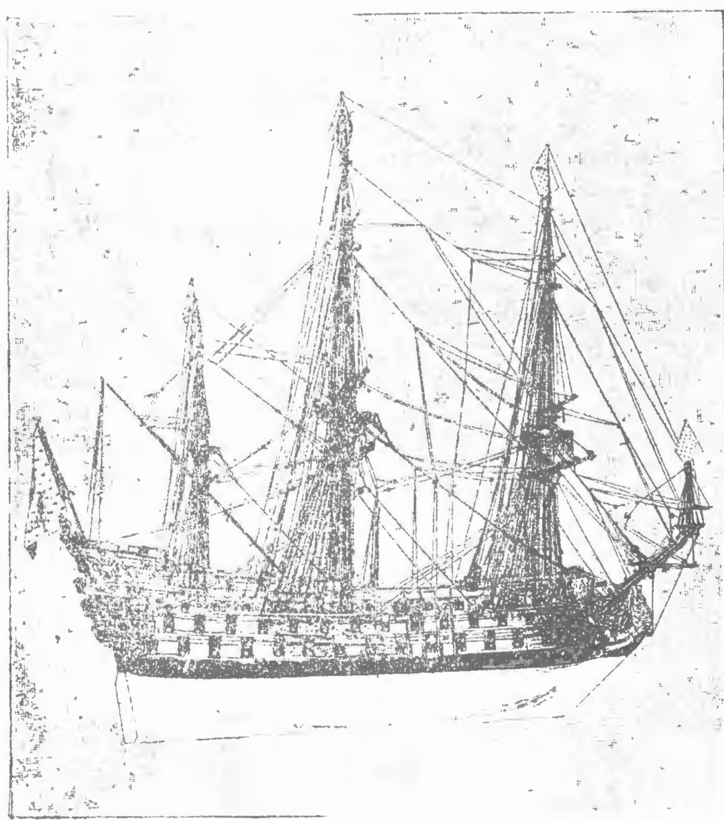
(پیت دوم)

وسعت و ترقی انگلستان افزودند .

از وزرای معروف انگلیس یکی ویلیام **پیت** است که مستعمرات فرانسه را متصرف شد. دیگر **پیت دوم** که در زمان او انگلستان بسرعت ترقی کرد .

فصل سوم ـ فرانسه در قرن هفدهم

درقرن هفدهم اختلافات مذهبی ضعف دولت فرانسه را فراهم کرد وسلطنت ازخانواده والوا بهانری چهارم سرسلسلهٔخاندان بوربن منتقل گردید . (۱۵۸۹)



(یکی از کشتی های قرن هفدهم)



هانری چهاردهم که ابتداء مذهب پرتستان داشت بامخالفت کاتولیکهای فرانسه مواجه شد سپس انجام مذهب کاتولیك اختیار کرد و فرمان معروف **نانت** را برای آزادی مذهب در فرانسه صادر نمود.

پس ازهانری چهارم طفل نه ساله اش **لوئی سیزدهم** بسلطنت رسید و مادرش به نیابت سلطنت انتخاب شد وریشیلیو مقام صدارت یافت. ریشیلیو مردی زیرك ومدبر بود ودر عهداو اصلاحات بسیار در کشور فرانسه بعمل آمد

(هانری چهارم)

وقدرت دربارفرانسه زیادشد و برای بسط نفوذ وقدرت فرانسه در سیاست اروپا مداخله کرد ودرجنگهای سی ساله شرکت نمود.

جنگهای سی ساله ـ این جنك نخست بعلت اختلاف مذهبی درگرفت و منتهی بجنك میان همه دول اروپائی گردید و چون سی سال

طول کشیده بجنگهای
سی ساله معروف شد.
این جنك عاقبت بجنك
میان فرانسه وخاندان
هابسبورك مبدل گردید
و بعهدنامه **وستفالی**
ختم شدو الزاس بتصرف
فرانسه درامد و دست
اطریش از کشور های
آلمانی کوتاه گردید .



(ریشیلیووزیر لوئی ۱۳)

لوئی چهاردهم ـ
بعد از لوئی سیزدهم
پسر پنجساله اش لوئی
چهاردهم پادشاه فرانسه
شد ومادرش **آن دو تریش**
به نیابت سلطنت و **مازارن**
که مردی باکفایت بود
مقام صدارت یافت و پس
از مرك او لوئی چهاردهم
شخصاً زمام امور را بدست
گرفت وتا آخر عمر با
کمال استبداد که مردم
فرانسه از مدتی پیش



(لوئی چهاردهم)

بآن خو گرفته بودند
حکومت کرد . لوئی
چهاردهم مردی مستبد و
خود خواه بود و
برای تصرف نقاطیکه
بزبان فرانسه تکلم می
کردند بیشتر عمر خود
را صرف جنگ و نزاع
نمود و ملت فرانسه را
ضعیف و پریشان کرد.
وزیر دربار او کلبر با



(لوئی پانزدهم)



(یکی از سواران فرانسه در قرن ۱۸)

کوششی که در راه پیشرفت فلاحت و صناعت و بازرگانی نمود نتوانست از فقر و پریشانی مردم که بر اثر تجمل دربار فرانسه و مالیات سنگین و جنگها پیش آمده بود جلوگیری کند.

لوئی چهاردهم فرمان نانت را لغو کرد و پرتستانها را در فشار گذاشت عده زیادی از پرتستانها که اهل هنر و صنعت و تجارت بودند بکشورهای پرتستان مذهب مانند آلمان و هلند و انگلیس مهاجرت کردند و باعث رونق این کشورها شدند و به فرانسه خسارت غیرقابل جبرانی زدند.

فرانسه در قرن هیجدهم — بعداز لوئی چهاردهم لوئی پانزدهم که پادشاهی بی کفایت بود بسلطنت رسید در زمان او قدرت بدست زنان درباریان افتاد.

این پادشاه بی لیاقت متصرفات هندوستان و امریکائی خود را از دست داد ورفتار او انقلاب فرانسه را که زمینه آن فراهم شده بود تسریع کرد



(دوپلکس)



(یکی ازسربازان هندی)

و در زمان جانشین او لوئی شانزدهم فرانسه دچـار انقلاب بزرگی شد که در سر نوشت ملل دنیا مؤثر افتاد .

فصل چهارم - اروپای شرقی در قرن ۱۷ و ۱۸

در قرن هفدهم سه دولت عثمانی . روسیه و لهستان در اروپای شرقی اهمیت داشتندو ازهمه مهمتر دولت‌عثمانی بود که قسمتی‌از بالکان را نیز در تصرف داشت .



(طرز لباس در زمان لوئی ۱٤)

دولت روسیه هنوز اهمیت چندانی نداشت و آنرادولت**مسکوی** میخواندند در این دوره جنگهای خونینی بین عثمانی واطریش‌اتفاق‌افتاد

ونزدیك بود ترکان بر شهر **وینه** پایتخت اطریش دست یابند ولی چون در جنك با لهستان مغلوب شدند دست از محاصره وینه برداشتند . پیشرفت عثمانیها در بالکان باعث اتحاد روس ولهستان و آلمان برضد ترکها شدودر جنگی که اتفاق افتاد عثمانیها درخواست صلح کردندو این صلح ابتدای شروع عقب نشینی ترکها از اروپا بود و امپراطوران اطریش بر مجارستان مسلط شدند ودر قرن هیجدهم باستقلال داخلی* نائل آمدند .

روسیه - در سال ۱٦۱۳ **میخائیل رمانف** بر تخت سلطنت مسکو نشست واین خاندان تا ۱۹۱۷ بر روسیه سلطنت کردند امپراطور های* روسیه را **تزار** میگفتندو تزار*



(یکی ازسر بازان روس درقرن ۱۸



(یکی از تزاران روسیه درقرن ۱۷)



(شارل دوازدهم پادشاه سوئد)

ها بااستبداد تمام کشور خود را اداره میکردند معروفترین پادشاه سلسله رمانف **پطر کبیر** است که باشارل دوازدهم پادشاه سوئد جنگید وسواحل



(کاترین دوم)



(پطر کبیر)

بالتیك را تصرف کرد واصلاحات زیادی در روسیه نمود و کشور راتوسعه بخشیدودولت بزرك روسیه راتشکیل داد .

بعد از پطر معروف ترین شاهان روسیه کاترین دوم است که دنباله اقدامات پطر کبیر را گرفت وبکمك پروس واطریش لهستان را تجزیه کرد وقسمتی ازانرامتصرف شد و شبه جزیره کریمه را در جنك با عثمانیها بچنك آورد

پروس- بزرگترین پادشاهان پروس در قرن هیجدهم **فردریك دوم** است که در تجزیه لهستان قسمتی از آنرا تصرف نمود و براین را پایتخت قرار داد و بر آبادی این شهر افزود و برای اولین بار نظام وظیفه را در



(یکی از سربازان پروس در قرن ۱۸)



(فردریك دوم)

دنیا معمول کرد و در توسعه امر قشون زحمات فراوان کشید

اطریش معروفترین پاشاه اطریش در قرن هیجدهم **ماری ترز**



(یکی از سربازان زمان فردریك)



(ماری‌ترز)

است که در تجزیه لهستان برقسمتی از آن دست یافت ودرجنك بافردریك پادشاه پروس سیلزی را ازدست داد این ملکه برای اصلاح وترقی اطریش زحمات بسیار کشید و پسرش

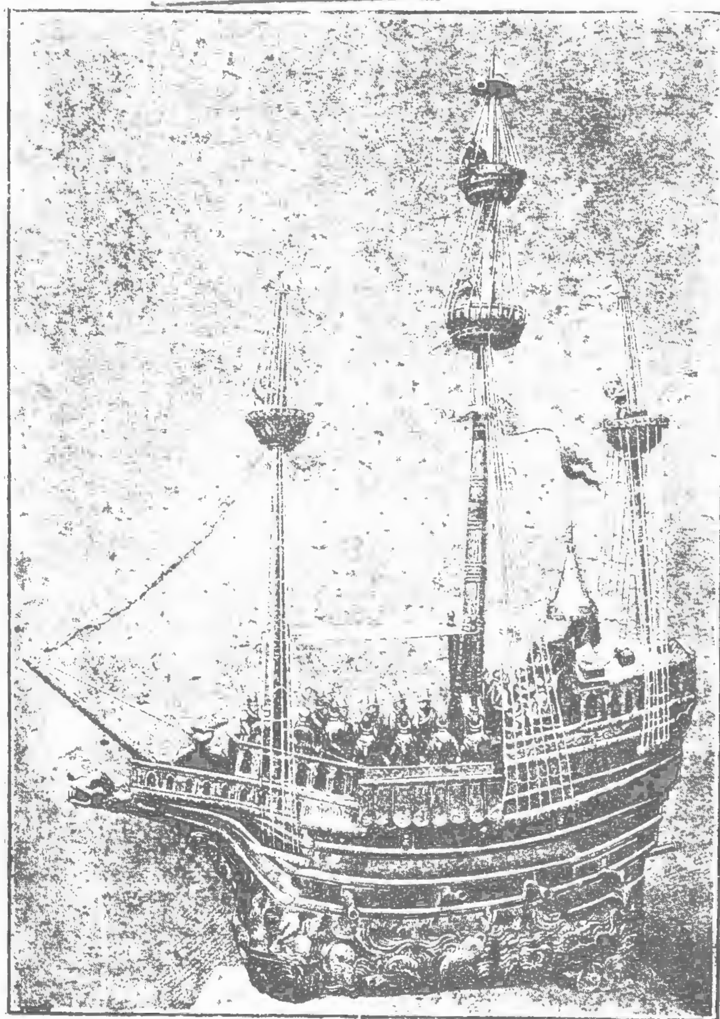


(یکی از سربازان اطریش در قرن ۱۸)



ژزف‌دوم در راه ترقی اطریش دست کمی‌ازمادر نداشت و برای بهبودحال رعایای خویش از هیچ گونه‌فداکاری دریغ نمی نمود

(ژزف‌دوم)←



(یکی از کشتی های قرن ۱۸)

تقسیم لهستان - چون در قرن هیجدهم لهستان بسیار ضعیف شده بود روس وپروس واطریش ازضعف آن دولت استفاده کرده بمداخله در

امور داخلی لهستان پرداختند وباعث شورش مردم شدند . کاترین دوم برای خاموش کردن انقلاب قشون بلهستان فرستادو لهستان بین سه دولت نامبرده تقسیم شد وطن پرستان لهستان برعلیه متجاوزین قیام کردند سر انجـام این کشور بین سه دولت فوق الذکر تقسیم گردید .

فصل پنجم - کشورهای متحدامریکای شمالی

امریکادر سال ۱۴۹۲ توسط کریستف کلمب ایتالیائی کشف شدو اروپائیان ازهر سمت بآن قاره روی آوردند ازجمله انگلیسها قسمت عمده امریکای شمالی راتصرف کرده تشکیل سیزده مهاجر نشین دادندهریك از مهاجر نشین ها حکومت جداگانه داشت وحاکم آن ازطرف دولت انگلیس انتخاب میشد مهاجرین انگلیسی بتوسعه فلاحت و آبادی شهرها پرداختند و بندر معروف نیویورك رابنانهادند انگلیسها کـه درجنگهای اروپا خسارت بسیاردیده بودند خواستند بـا بامتعه ایکـه از اروپا بامریکاوارد میشد مالیات ببندند مهاجرین انگلیسی تن به تحمیلات انگلیسهانداده سر بشورش برداشتند وچند کشتی انگلیسی راغرق کردند ودر نتیجه کار بجنك کشید .



(واشنگتن)

جنك **انگلیس** با مهاجر نشین های امریکا هشت‌سال دو ام یافت مهاجرین بریاست **واشنگتن** وبکمك بزرگان خود مانند **فرانکلن** به انکلیسها غلبه



(فرانکلن)

کردند وفرانسویها درنهان بامردم مهاجر نشین متحد شده و با انگلستان بجنك پرداختند سرانجام دولت انگلستان مغلوب وبموجب صلح **ورسای** مهاجر نشین های



(یکی ازسربازان قرن ۱۸)

انگلیسی آمریکا آزادشدند و کشورهای متحده امریکا راتشکیل دادند

فصل ششم علوم و ادبیات و صنایع در دوره جدید

در قرون وسطی علما بیشتر پابند الفاظ و فرضیات گذشته بودند و حس کنجکاوی نداشتند ولی دانشمندان دوره جدید مشاهدات و تجربیات را پایه وراه تحقیقات و تتبعات علم وحکمت قرارداده و طرز فکر را عوض کردند در نتیجه راه تحقیقات علمی برای آیندگان باز شد و تمدن در جاده ترقی افتاد .

اول کسی که علم و حکمت را بر اساس تجربه و مشاهده قرار داد بیکن[1] انگلیسی است که یکی از دانشمندان بنام و نخستین حکیم متجدد اروپا محسوب میشود و او راهنمای علمای بعداز خود شده است دیگر ازعلمای معروف قرن جدید عبارتند از :



(لردبیکن)

۱ـ Bacon

-- **۱ـ دکارت**[۱] فرانسوی که تحقیقات زیادی در حکمت و طبیعیات و ریاضیات نموده است.

۲ـ کپلر[۲] ـ که ثابت کرد گردش سیارات بدور خورشید بیضی نزدیك بدایره است.

۳ـ گالیله[۳] ـ کـه دوربین نجومی را اختـراع و حرکت زمین را ثابت نمود.



(گالیله)

۱ـ Descarter ۲ـ Kepler ۲ـ Galilé

۴ - نیوتن [1] انگلیسی قانون جاذبه زمین‌را کشف کرد و ریاضیات را برپایه محکمی استوار نمود .

۵ - تریچلی [2] -میزان الهواءرا اختراع کرد **وهاروی** انگلیسی قانون جریان خون را دریافت و کمك بزرگی بعلم پزشگی نمود.

فلاسفه جدیدکه دارای ابتکاراتی ازخودبودند اصول تازه ای در



(نیوتن)

۱- Newton ۲- Torricelli



(لاك)

فلسفه بوجود آوردند که یکی از معروفترین آنها **لاك** انگلیسی میباشد.

ادبیات اروپا نیز در قرن هیجدهم و نوزدهم ترقی بسیار کرد از ادبای معروف ایندوره **شیکسپر** و **میلیتون**[1] انگلیسی و **کرنی**[2]



(کرنی)

۱ـ Milton
۲ـ Corneille

و مولیر ۱ **ولافونتن** بسیار معروف میباشند.



(مولیر)

صنایع ظریفه‌هم در قرون‌جدید‌ترقی‌بسیار کرد و بیشتر نقاشان این دوره فرانسوی و اسپانیائی وهلندی می باشند.

در قرن هیجدهم علوم‌طبیعی که‌مقدمات آن درقرن پیش آغاز شده بود ترقی بسیار کردو باعث اختراعات مهم گردید.



(جیمس وات)

جیمس وات ۲ - انکلیسی‌بتکمیل ماشین بخار پرداخته جنبشی‌در صنایع ایجاد نمود.

فار نهایت انگلیسی میزان‌الحرارەرا اختراع

۱- Moliere ۲- James watt

کرد و فرانکلین امریکائی برق‌گیر را اختراع نمود

در قرن هیجدهم ادبیات نیز رونق گرفت و بواسطه پرورش افکار مردم تحولی در آن پیدا شد و در شعر و نویسندگی بموضوع‌های جدید و اجتماعی توجه کردند مخصوصاً نویسندگان فرانسه با نوشته های خود علل و اسباب انقلاب فرانسه را فراهم آوردند.



(یکی از نقاشیهای دوره رنسانس)



منتسکیو[۱] که روح آزاد داشت با نوشتن کتاب روح القوانین در مسائل اجتماعی قلم فرسائی نمود و نوشته های او در انقلاب فرانسه بسیار مؤثر افتاد.

(منتسکیو)←

ولتر[۲] از دانشمندان و نویسندگان بنام فرانسه و آثار او معروف است و نوشته های او در پیدایش انقلاب فرانسه مؤثر بوده است .



(ولتر)

۱- Moutesquieo ۲ -Voltaire

ژان ژاك روسو که در آموزش وپرورش ومسائل اجتماعی آثار معروفی



(ژان ژاك روسو)

از خود بیاد گار گذاشته است و نوشته های او را نیز یکی از علل انقلاب فرانسه میشمارند .

علم موسیقی نیز در قرن هیجدهم نمایندگان بزرگی داشته است که بیشتر آلمانی میباشند مانند باخ وموزارت .

پایان ۱۳۳۰